

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۹۰، دوشنبه اول آبان ۱۳۹۶ - ۲۳ اکتبر ۲۰۱۷

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیاییها

در این شماره می خوانید:

۱۰۰ سال پس از انقلاب کبیر اکتبر در روسیه ... ص ۲

در سوگ درگذشت زنده یاد محمد جراحی ... ص ۳

گرامی باد یاد و خاطره رفیق احمد طهماسبی علی جانوند ... ص ۳

اقلیم بهانه است - منصور امان ... ص ۴

حکم دیوان عدالت اداری علیه کارگران - زینت میرهاشمی ... ص ۷

نه برای اندکی سود - امید برهانی ... ص ۸

کودک نامه، از زبان کودکان میهنم - م. وحیدی ... ص ۱۴

تا کنون کوه در کنار دریا ندیده بودم - شعله پاکروان ... ص ۱۴

پیام رضا شهابی از زندان رجایی شهر ... ص ۱۶

جنایت جنگی جمهوری اسلامی، افشای گورهای نوجوانان افغان - لیلا جدیدی ... ص ۱۷

خامنه ای فرمان سرکوب کردهای عراق را داد! - زینت میرهاشمی ... ص ۱۸

فرمان عقبگرد سرکرده سپاه به روحانی - منصور امان ... ص ۱۹

دست رد خامنه ای و سپاه پاسداران بر سینه خاتمی - منصور امان ... ص ۲۰

زنان در مسیر رهایی (مهر ۹۶) - اسد طاهری ... ص ۲۱

دانشگاه در ماهی که گذشت (مهر ۹۶) - کامران عالمی نژاد ... ص ۲۵

چالشهای معلمان در مهرماه (۹۶) - فرنگیس بایقره ... ص ۳۱

کارورزان سلامت (مهر ۹۶) - امید برهانی ... ص ۳۷

رویدادهای هنری مهر ماه ۱۳۹۶ - فتح الله کیاییها ... ص ۴۱

بر پولک فواره ها - م. وحیدی ... ص ۴۵

عابر پگاه - م. وحیدی (م. صبح) ... ص ۴۶

بلوای وقیحانه آخوندها در مورد خلیج فارس - مهدی سامع ... ص ۴۷

کاتالونیا؛ پروسه استقلال راست را به سمت چپ راند - راولنلیک، برگردان بابک ... ص ۴۸

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مهر ۱۳۹۶ - زینت میرهاشمی ... ص ۵۱

شهادت فدایی در آبان ماه ... ص ۶۴

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

۱۰۰ سال پس از انقلاب کبیر در روسیه

انقلابها جشن ستمدیدگان و زحمتکشان هستند. در هیچ زمان دیگری توده های مردم در موقعیتی نیستند که به مثابه آفرینندگان یک نظم اجتماعی نوین این چنین پُرشور پا پیش بگذارند. (و.ا. لنین)

مارش ما

ولادیمیر مایاکوفسکی، نویسنده، شاعر و انقلابی روس
(۱۹ ژوئیه ۱۸۹۳ - ۱۴ آوریل ۱۹۳۰)



به لرزه درآورید میدانها را در غوغای گامهایتان!
پرخروش تر، ای صف مغرور هم‌زمان!
می شویم به موج دومین سیل تاریخ
تمام شهرهای جهان را.
روزها چون گاومیشی ملول،
گاری سالها تنبل و کند،
سرعت است خدای ما،
قلبمان طبل نبرد.
آنجاست بهشت زرین ما؟
نیش گلوله بر تن ما اثر کند آیا؟
سرودمان سلاح،
ندای طنین افکن مان طلا.
علف زارها، زمین را به سبزینه تان فرش کنید،
تا روزها بشکفند،
رنگین کمان، افسار بزن
بر توسن یال افشان سالها.
نگاه کن ای آسمان ملال آور ستارگان!
بدون تو ترانه هایمان را می سراییم،
هی دب اکبر! التماس کن
اگر می خواهی پس از فتح بهشت، زنده بمانی.
بنوشید و شادی کنید! سرود بخوانید.
چشمه هاست که در سرخ رگهایمان می جوشد.
قلبمان طبل نبرد!
سینه مان سنج مسین.
۱۹۱۷

برگردان: شهاب آتشکار

منبع: مکعب گرد

در سوگ درگذشت زنده یاد محمد جراحی

با تأثر و تأسف بسیار صبح روز پنج شنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۶، محمد جراحی عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری به علت پیشرفت بیماری سرطان در بیمارستان تجریش درگذشت.



زنده یاد محمد جراحی یک فعال پرشور جنبش کارگری بود که به طور خستگی ناپذیر علیه ستم و استثمار نظام سرمایه داری و علیه نظام ضد کارگری ولایت فقیه مبارزه می کرد و در همین راه پُر تلاطم چندین بار زندانی شد. وی برای آخرین بار به مدت ۵ سال زندانی شد. در دوران زندان از هرگونه مراقبت و رسیدگی بهداشتی محروم بود و مزدوران رژیم تا آن جا که توانستند او را تحت فشار و شکنجه جسمی و روحی قرار دادند تا اراده او برای مبارزه در راه تحقق خواسته های برحق طبقه کارگر را درهم شکنند. زنده یاد محمد جراحی پس از آزادی برای معالجه ابتدا در یکی از بیمارستانهای تبریز و سپس در بیمارستان تجریش بستری شد و سرانجام به علت پیشرفت سرطان در روز پنج شنبه ۱۳ مهر درگذشت. از طرف خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، فقدان زنده یاد محمد جراحی را به خانواده وی، به فعالان جنبش نیروهای کار و به دوستان و همکاران او تسلیت می گویم.

مهدی سامع جمعه ۱۴ مهر ۱۳۹۶ - ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷



گرامی باد یاد و خاطره رفیق احمد طهماسبی علی جانوند

متولد: ۱۳۳۸ در مسجد سلیمان (استان خوزستان)

شهادت: آبان ۱۳۶۱، اعدام

رفیق احمد طهماسبی علی جانوند در سال ۱۳۳۸ در مسجد سلیمان متولد شد. برادر بزرگتر از او، زنده یاد حیدر طهماسبی علی جانوند* از سال ۱۳۴۸ وارد فعالیت سیاسی شد و بارها به زندان افتاد، در زندگی سیاسی احمد نقش مهمی داشت.

رفیق احمد در سال ۱۳۵۴ و یک سال پس از آن که برادرش دستگیر شده بود، هنگامی که ۱۶ سال داشت توسط ساواک دستگیر و به مدت یک سال و نیم به جرم عقاید انقلابی اش محکوم شد و در دارالتادیب زندان کارون اهواز دوران زندان خود را گذراند.

رفیق احمد پس از آزادی از زندان به تحصیل ادامه داد و دیپلم ریاضی گرفت و در شهرداری مسجد سلیمان مشغول به کار شد. استخدام سریع وی صرفاً سیاسی بود که ساواک در آن دوره برای کنترل نیروهای انقلابی به کار می برد.

از آنجایی که او فردی مستعد و باهوش بود خیلی زود توانست ارتقا پیدا کند و در آنجا به صورت پنهانی فعالیتهای سیاسی خود را پیش برد. دیری نپایید که انقلاب شد و احمد پی برد که حکومت جدید در جهت منافع مردم گام بر نمی دارد.

رفیق احمد هوادار سازمان چریک های فدایی خلق بود و در انشعاب سال ۱۳۵۶ با پیوستن به اقلیت، هواداری خود از سازمان چریک های فدایی ایران را ادامه داد.

او یک بار در بهمن ۱۳۶۰ دستگیر شد و پس از مدت کوتاهی آزاد شد و سپس در اسفند ۱۳۶۰ دوباره دستگیر و در آبان ۱۳۶۱ اعدام شد. رفیق احمد تا آخرین لحظه برسر مواضع خود ایستادگی کرد و از عقاید مارکسیستی خود دفاع کرده و در همین راه جان داد. خانواده ی او هیچگاه کیفرخواست و یا وصیت نامه ای از او دریافت نکردند.

*زنده یاد رفیق حیدر در جریان انقلاب بهمن از زندان آزاد و به فعالیت مستقل در جهت منافع زحمتکشانش ادامه داد و متأسفانه پس از مدتی به علت بیماری سرطان درگذشت

اقلیم بهانه است

منصور امان

جمهوری اسلامی در ادامه سیاست جنگ افروزی و بحران سازی خارجی، جبهه جنگی جدیدی را گشوده است. پس از لبنان، غزه، سوریه، عراق، یمن و بحرین، این بار اقلیم کردستان عراق است که آماج مداخله گری رژیم مَلاها می گردد. بهانه ای که حاکمان ایران برای صف آرایی جنگی در برابر اقلیم تراشیده اند، یک دستاویز شناخته شده و در فرهنگ سیاسی رژیم ولایت فقیه است. آنها می گویند جای پای "دشمن" را در همه پرسی اقلیم ردیابی کرده اند و از شناسایی سایه حضور اسرائیل و آمریکا در مرزها خبر می دهند. با این حال چنین می نماید که علت اصلی نگرانی و جبهه گیری هیستریک رژیم مَلاها، از سرچشمه ای خانگی سیراب شود که شاخه بزرگ آن از سیاست داخلی و شاخه کوچکتر از سیاست خارجی جاری شده است

یک پیشینه هراس آور

رژیم استبدادی - مذهبی، همه پرسی اقلیم را که مداخله جامعه در تعیین سرنوشت خویش و گسترش حقوق آن را وعده می دهد، به دُرستی تهدیدی علیه ثبات خود می پندارد. رفتار حاکمان جمهوری اسلامی با میلیونها شهروند گرد ایرانی و تحمیل چهار دهه سرکوب و تبعیض بر آنها، جای خوش بینی زیادی نسبت به بی تاثیر بودن این تحول دموکراتیک در همسایگی "أم القُرا" بر رُشد و پا سفت شدن مُطالبات آنها به جا نمی گذارد.

آنچه که کردستان را برای حکومت به مساله ای حساس و امنیتی تبدیل می کند، فقط تاثیرات بیرونی نیست. واقعیت این است که گذشته از پیشینه تاریخی مبارزه و حرکت کردها برای کسب حقوق ملی در دوران سلطنت رژیم پهلوی، جانشینان آن نیز به تلخی به یاد می آورند که چگونه در کردستان نخستین سنگرهای مقاومت توده ای و سازمانیافته علیه استبداد مذهبی بر پا گردید و شهرهای و کوه های آن برای یک دهه ستادهای اُستوار مُبارزات دموکراتیک و سراسری بودند

همزمان، برخورد وحشیانه و خونبار نو به قدرت رسیده ها در کشور با مردم کردستان و مُطالبات آنها، جای پای برای حکومت - در هر شکل و با هر لباس - در این بخش از کشور به جا نگذاشته است. سال ۵۸ برای کردستان با اعدامهای خیابانی، بُمباران و مُحاصره شهرها و قتل عام روستاییان آغاز گردید و پس از آن نیز "نظام" تنها با اشغال نظامی، راه اندازی دستجات مُزدور، فشار امنیتی و اقتصادی توانسته خود را تحمیل کند؛ حُضوری که به دلیل نداشتن مشروعیت عینی، محصولی جز یک هژمونی لرزان و اتکا ناپذیر ندارد.

واقعیت مزبور را تداوم مبارزه و مقاومت در سه دهه گذشته مُستند می سازد. شهرهای بزرگ کردستان به تناوب شاهد اعتراضهای گسترده خیابانی بوده است، حرکتهای مُتشکل کارگری ادامه داشته و روند تشکُل یابی بخشهای فعال جامعه کردستان یک مُنحنی رو به بالا را نشان می دهد. کوشندگان اجتماعی، هنرمندان مُستقل، اندیشورزان، فعالان صنفی و جُز آنها در صحنه کار و زندگی حُضوری نیرومند و تاثیرگذار دارند و در کنار آنها سازمانها و گروههای مُخالف، با وجود چهار دهه سرکوب و پیگرد بی رحمانه همچنان در حیات سیاسی - اجتماعی کردستان نقش مهمی بازی می کنند.

این پیشینه مُبارزاتی و توانایی آن برای گره خوردن و تلاطم افکندن در مُبارزات سراسری در کنار عامل ذهنی طرد اجتماعی حکومت، کردستان را به بُشکه باروتی برای "نظام" بدل کرده است که کابوس انفجارش مونس شب و روز آن است. ویژگی فرا منطقه ای مُبارزه دموکراتیک در کردستان همچنین از آن رو که سیاست تبعیض گرا و ضد ملی حکومت سایر بخشهای ملی و فرهنگی کشور را نیز به گونه ای مُشابه آماج خود قرار داده، حساسیت "نظام" به تحولات در این کانون را به دوچندان افزایش داده است.

بعد از همه پرسی

بنابراین، همه پرسی اقلیم هم برای حکومت و هم برای مردم کردستان نقش کاتالیزتوری برای بیان و انعکاس خواسته ها و منافع جداگانه شان را بازی می کند. در یکسو خلق کرد قرار دارد که از تحولات در همسایگی خویش برای مبارزه فشرده تر و همه گیر تر علیه تبعیضهای قومی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی سود خواهد جست و در سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی ایستاده که برای جلوگیری از این امر، رویداد مزبور را بهانه ای برای صف آرایی و لشکر کشی علیه مردم کردستان قرار داده است.

شاهد این امر را از یکطرف خروش شادی در شهرهای بزرگ و کوچک کردستان و تسخیر خیابانها از سوی انبوه مردم و از طرف دیگر، هجوم نظامی - امنیتی حکومت به استانهای غرب کشور و تلاش افسار گسیخته برای هراس افکنی در میان شهروندان کرد ارایه کرد.

سپاه پاسداران نیروی زمینی خود را به کردستان گسیل داشت تا "مانور امنیتی" برگزار کند. در شهرهای پُرجمعیت، حکومت نظامی غیر رسمی برقرار گردید. نیروهای ضد شورش از نقاط دیگر کشور گردآوری و به کردستان اعزام شدند. هواپیماهای جنگی بر فراز شهرها به جولان درآمدند و در بانه و سردشت و پیرانشهر برای به وحشت انداختن شهروندان، دیوار صوتی را شکستند. کوشندگان دستگیر شده یا مورد پیگرد و آزار قرار گرفتند.

هیچ صحنه ای از این روشن تر نمی توانست به گونه عینی و لمس پذیر تضاد موجود بین خواست و داوری مردم کردستان با مصلحتها و منافع استبداد مذهبی را یکجا و رودروی هم به نمایش بگذارد.

برهم خوردن نقشه

بی تردید فاکتور خارجی نیز در شکل گرفتن رویکرد تهاجمی و جنگی رژیم ولایت فقیه دخیل است، اما و برخلاف آنچه که حواشی سیاسی پراکنده در اطراف "خیمه نظام" وانمود می کنند، مساله خارجی نه خاستگاه اصلی سیاست حکومت است و نه گرد نگرانی از حضور اسراییل و آمریکا شکل گرفته. جدا شدن حساب اقلیم کردستان از دولت عراق، از دو زاویه حسابهای رژیم جمهوری اسلامی را بر هم می زند و سرمایه گذاریهای هنگفت آن را به نیست بدل می سازد.

شکست مدل فرقه ای

۱) نخست از آن رو که این گام زیر شکست مدل فرقه ای دولت در عراق که رژیم جمهوری اسلامی مروج و پاسدار آن است، مهر و امضا می گذارد. رژیم ولایت فقیه بزرگترین مدافع و بیشترین سود برنده از الگوی توزیع قدرتی است که اشغالگران عراق و در راس آنها ایالات متحده آمریکا پس از فروپاشی رژیم صدام حسین بر این کشور تحمیل کردند. رژیم ولایت فقیه در شکافهای مذهبی و قومی سلاح موثری برای جلوگیری از ایجاد ساختارهای مدنی و تنظیم دموکراتیک مناسبات قدرت یافته است. فقط در سایه نبود چنین روابطی است که رژیم توسعه طلب جمهوری اسلامی می توان با کارت اکثریت کمی جمعیت شیعی بازی کند و آن را به مثابه منبع قدرت به کار گیرد.

اگر به کارنامه رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران بومی آن در دولت فرقه ای عراق همچون آقای مالکی نظری انداخته شود، به روشنی می توان دید که چگونه حاکمان ایران و دست نشانندگان شان وحدت ملی عراقی را لگدمال کرده و با تحمیل استبداد فرقه ای شیعه بر این کشور و تلاشی درونی آن، عراق را گام به گام به پرتگاه تجزیه جغرافیایی نزدیک تر کرده اند. از این زاویه، لفاظی و ابراز نگرانی امروز آنان در باره "یکپارچگی عراق" بیشتر یک ژست نجسب و ریشخند آمیز به نظر می رسد.

از دست دادن سنجار

۲) از سوی دیگر، جدایی اقلیم بر نقشه های حاکمان ایران برای ایجاد گریدوری زمینی بین "أم القرا" تا مدیترانه را نیز خط باطل می کشد. آنها به سختی برای گشودن یک مسیر تدارکاتی زمینی با هدف تغذیه و سازماندهی نیروهای

بنیادگرایان گوناگونی که در سه کشور عراق، سوریه و لبنان به استخدام درآورده اند، تلاش می کنند. پیوند جغرافیایی بین کانونهای و نیروهای تحت نفوذ خود در راستای سیاست خارجی توسعه طلبانه رژیم ولایت فقیه قرار دارد که ایجاد حوزه نفوذ و کانون صدور بحران، جهتگیری استراتژیک آن به شمار می رود. در پازل این طرح، مرز سنجار در غرب اقلیم، یک قطعه چشم پوشی ناپذیر است.

این نوار ۳۰ کیلومتری در امتداد مرز سوریه و عراق، هم اکنون از سوی حزب کردی "اتحاد دموکراتیک" (سوریه) و نیروهای مسلح آن موسوم به "یگانهای مدافع خلق" و نیز "یگانهای مقاومت شنگال" (یزیدیهای عراق) پایش می شود و به همین دلیل مناسبات تیره ای را بین دولت اقلیم و دو جریان یاد شده شکل داده است.

جمهوری اسلامی که از بی ثباتی در این منطقه و تخصّم بین جریانهای کردی منافع روشنی می برد، نیروی زیادی را صرف دامن زدن و پایدار کردن آن کرده است و در این راستا از کانال "حشد الشعبی" بخشی از تدارکات مالی و تسلیحاتی نیروهای مستقر در منطقه مورد مناقشه با اقلیم را تامین می کند.

تقویت اقلیم در هر شکل به گونه ای که موازنه موجود را بر هم زند، یک عامل منفی در ایجاد گریز به حساب می آید. روشن است که دولت آینده اقلیم مناسبات گسترده تری با آمریکا و رقبای منطقه ای جمهوری اسلامی خواهد داشت و تلاش خواهد کرد از رقابت بین بازیگران خارجی بیشترین بهره برداری را به سود خود ببرد. تسلط و تحکیم مرزهای اقلیم در غرب و نیز شرق (مرز ایران) از اجزای گسست ناپذیر این جهتگیری است.

برآمد:

نگرانیهای خارجی جمهوری اسلامی پیرامون همه پرسی یا جدایی کردستان عراق، ربطی به منافع ملی ایران به گونه فراگیر و کردستان ایران به طور ویژه ندارد. این امر بیشتر تشویشهای رژیمی توسعه طلب و فرقه گرا را بازتاب می دهد که در برآوردن منافع و نقشه تحقق آن به سدی خارجی برخورد کرده است. مستقل از آنکه اقلیم سرنوشت خویش را چگونه رقم بزند، جامعه ایران نمی تواند شریک این نگرانیها باشد.

آنچه که نمی توان و نباید نادیده گرفت، زاویه داخلی حملات رژیم حاکم به اقلیم است که در جوهره خود بر تداوم سلطه سرکوبگرانه و تبعیض آمیز آن بر جمعیت کرد ایرانی تمرکز دارد؛ چیزی که به ویژه از جانب "خودی"های "اصلاح طلب" و هیچکاره های سیاسی از نوع "ملی مذهبی" زیر پوشش مخالفت دلسوزانه با "تجزیه طلبی" لاپوشانی می شود. این دستاویز، چماق سنتی تمامی رژیمهای مستبد حاکم بر ایران و خدمتگزاران با یا بی جیره و مواجب آنان برای توجیه و مشروعیت دادن به سیاست سرکوب دولت مرکزی "خودی" بوده است.

بدون مرزبندی روشن با این رویکرد در همه اشکال تجلی آن و نفی بدون قید و شرط مناسبات مبتنی بر آن در همه قلمروهای حضورش، دلسوزی برای "تمامیت ارضی" با چاشنی همدردی با شهروندان کرد، ریاکاری ناب است. آنچه که باید محکوم شود نه همه پرسی اقلیم و حق مردم برای ابراز رای و اراده خود، بلکه سیاست خارجی تجاوزگرانه و مداخله جویانه حاکمان جمهوری اسلامی است که از عراق تا لبنان رد پای مخرب و خونین از خود به جا گذاشته است. در امتداد این خط جامعه مدنی با ارزشهای دموکراتیک آن به زیر کشیده شده است و توحش فرقه ای فرمان می راند.

راه جلوگیری از تلاشی، انحطاط و تجزیه کشور، به رسمیت شناختن حقوق جامعه و تمامی بخشهای آن و شریک گرداندن دموکراتیک آنها در تعیین مقدرات خویش و کشور است. استبداد مذهبی فرسنگها از این رویکرد فاصله دارد چون آن را در تضاد با منافع و سلطه انحصاری خویش می بیند. رژیم مَلاها برای غلبه بر این تضاد، لگدمال کردن حقوق، هُویت، کرامت و خواسته های جامعه را پیشه کرده است و به این ترتیب روندهای واگرایی ملی، قومی، فرهنگی و مذهبی که در واکنش به آن به حرکت در می آید را به جریان می اندازد و تقویت می کند.

آنچه که "وحدت ملی" خوانده می شود، امروز هیچ دشمن غدارتری از رژیم جمهوری اسلامی ندارد.

حکم دیوان عدالت اداری علیه کارگران

زینت میرهاشمی

رواج قراردادهای کاری موقت، زیر یک سال و حتا به مدت یک ماه، امنیت شغلی کارگران و مزدبگیران را بیش از هر هنگام از بین برده است. علیرغم اعتراضهای کارگران پیرامون رواج این قراردادها یا قراردادهای کاری سفید امضا، این شیوه استثمار کارگران همچنان ادامه دارد.

بستن این نوع قراردادها به خاطر این که به گونه ای می تواند آمار بیکاری را در شکل ظاهری کمتر نشان دهد، نه فقط با هیچ برخورد جدی از طرف پایوران رژیم مواجه نشده بلکه از آن استقبال کرده اند.

نمونه آخر آن نشان می دهد که چگونه قانون کار در نهادهای حکومتی علیه کارگران به کار گرفته می شود. هیات عمومی دیوان عدالت اداری بخشنامه وزارت کار مبنی بر ممنوعیت بستن قراردادهای زیر یک سال را لغو کرد. بخشنامه ممنوعیت قرارداد زیر یک سال به خرداد سال ۱۳۹۴ بر می گردد. در این سال، در پی اعتراضهای کارگری به این نوع قراردادها، معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، طی بخشنامه ای بستن قراردادهای کاری زیر یک سال در «کارهای با طبیعت مستمر» را ممنوع اعلام کرد.

باید تاکید کرد که این بخشنامه تنها روی کاغذ و در بایگانی وزارت کار باقی ماند و اجرا نشد. سرانجام دیوان به اصطلاح عدالت اداری به نفع یکی از کارفرمایان که شاکی این بخشنامه بود با استفاده از مواد ضد کارگری در قانون کار، به ضرر کارگران رای داد. بنابراین با لغو ممنوعیت قرارداد کاری زیر یک سال، بار دیگر ادعاهای شیدانه و فریبکارانه پایوران وزارت کار مبنی بر کاهش بیکاری آشکار شد. بر این منظر، ناامنی کار بیشتر و بیکاری هم افزونتر خواهد شد.

آمارهای غیر واقعی بیکاری

داده های آمار در مورد بیکاری دستخوش بگومگوهای باندهای داخلی رژیم شده و از میان این جدالها غیر واقعی بودن میزان اشتغال و یا کاهش بیکاری در دولت روحانی را برملا می شود.

در روز یکشنبه ۳۰ مهر، رئیس مرکز آمار بعد از گذشت چند روز از ادعای معاون روحانی در رابطه با کاهش بیکاری و یا تولید شغل، گفت: بیش از سه میلیون بیکار مطلق داریم. (جهان نیوز، ۳۰ مهر) رئیس مرکز آمار بر غیر واقعی بودن ایجاد یک و نیم میلیون شغل تاکید کرد و تولید شغل را ۷۰۰ هزار اعلام کرد.

از سویی دیگر شاهرودی دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس ارتجاع آمار داده شده از طرف دولت مبنی بر تولید یک و نیم میلیون شغل را متناقض و غیر قابل فهم دانست. (همان منبع)

آمار نیروی کار که از سوی مرکز آمار ایران برای بهار امسال منتشر شده نشان می دهد که: «جمعیت افراد بیکار در سن کار (۱۰ ساله و بیشتر) از ۳ میلیون و ۲۰۳ هزار و ۳۹۸ نفر در پایان سال ۹۵ به ۳ میلیون و ۳۶۶ هزار و ۹۷۳ نفر در بهار ۹۶ افزایش یافت.» (اقتصاد نیوز، ۱۶ تیر ۹۶) بر اساس این آمار در ۳ ماهه نخست سال جاری ۱۶۳ هزار و ۵۷۵ نفر به جمعیت بیکار کشور افزوده شده است. البته این آمار مربوط به جمعیت فعال (شاغل و جویای کار) است.

بر اساس داده های مرکز آمار از کل جمعیت کشور در سال گذشته ۲۵ میلیون و ۷۹۱ هزار و ۴۵۰ نفر از نظر اقتصادی فعال بوده اند. از این تعداد، جمعیت شاغل و بیکار در سن کار، ۳ میلیون و ۲۰۳ هزار و ۳۹۸ نفر جمعیت بیکار کشور و ۲۲ میلیون و ۵۸۸ هزار و ۵۲ نفر جمعیت شاغل کشور است.

جمعیت ایران بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ که مرکز آمار اعلام کرده، نزدیک به ۸۰ میلیون نفر است که تنها ۲۲،۵ میلیون به کار مشغول هستند. این آمار واقعیت فاجعه بار اشتغال را به خوبی نشان می دهد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

نه برای اندکی سود

امید برهانی

دزدان ناشی بانک می زنند، دزدان حرفه ای بانک تاسیس می کنند. (برتولد برشت)

خیزش ۸۸ از "رای من کو؟" شروع شد و به "مرگ بر اصل ولایت فقیه" انجامید. آیا اعتراضات غارت شدگان هم چنین سرنوشتی دارد؟ آیا "پول من کو؟" به "مرگ بر سرمایه داری مالی جمهوری اسلامی" راه می برد؟ این حرکت که تا اینجا توانسته دولت روحانی و قوه قضاییه را تند و تیز زیر سوال برد، آیا در اساس می تواند جنبش تلقی شود؟

یک تاریخچه نولیبرالی

مدیریت شهری در ایران پس از پایان جنگ و آغاز دوران به اصطلاح سازندگی، از مقطع برنامه اول توسعه و انتصاب کرباسچی به شهرداری تهران، به مدیریت یک بنگاه اقتصادی تبدیل شد. از آن مقطع، برنامه های مدیران شهری تهران و



دیگر کلان شهرهای ایران طی سالهای ۱۳۶۸ تا امروز به حداکثر رساندن سود بوده است؛ مانند هر بنگاه دیگر بخش خصوصی.

یک مثال در این زمینه تبدیل زمینهای مشاع و تبدیل باغهای تهران به فضاهای ساخت و ساز بود. در یک برآورد رقمی، حدود چهار هزار هکتار از باغات

زیر ساخت و ساز رفت. بسیاری از این زمینهای مشاع، متعلق به تمامی شهروندان و اموال عمومی بود، اما با این حال به پروژه های سودآور شهری، به ویژه مجتمعهای تجاری، پارکینگهای چند طبقه، رستورانها، بانکها و موسسات مالی اختصاص پیدا کرد، چرا که مدیران شهری تهران و سایر کلان شهرهای ایران ماموریت خود را در قالب ایجاد حداکثر سود و تحریک انباشت سرمایه تعریف کرده اند.

تراکم فروشی هم نوعی انباشت سرمایه از طریق سلب مالکیت عمومی است. به چه شکلی؟

در این مورد افق دید شهر نشین به فروش می رود و جلوی چشم او برجها و مجتمعهای چشم خراش سر به فلک می کشند. افق دید هم یک مشاع همگانی است. در آن دسته از فضاهای شهری که بنا به دلایلی مستعد رشد قیمت و مستعد ثروت مند نشینی بود اما در تملک فقرا قرار داشت، با اعمال مجموعه سیاستهایی این املاک از افرادی که به صورت سنتی در آن ساکن بودند خریداری و این محله ها به تدریج به مناطق انگل نشین تبدیل شد.

عامل دیگری که منجر به ایجاد این وضعیت شده، رشد ناموزون بخش مالی در قیاس با بخش واقعی اقتصاد است. با اجرای برنامه اول توسعه، شاخص بورس از سال ۱۳۷۰ تا امروز ۷۶۰ برابر شده است. نسبت افزایش تولید ناخالص داخلی در طی این مدت اما بسیار کمتر بوده است. ارزش افزوده بخش صنعت باز هم رقمی بسیار پایین تر را نشان می دهد.

آن چیزی که از ابتدای نخستین برنامه توسعه اتفاق افتاد، گذار از مدیریت شهری به "انتروپرونیالیسم" شهری بود.

"انتروپرونی" کلمه ای است همیشه با "اینترپرایز" (بنگاه اقتصادی) و منظور مالک بنگاه اقتصادی است، یا صاحب کسب و کار. اولین بار این اصطلاح را "ژان باتیست" به کار برد که یک اقتصاددان دست راستی پیرو "آدام اسمیت" بود. در آن روایت هم انتروپرونی مدیر بنگاه اقتصادی است و البته تصویر ستایش آمیزی هم از وی ارائه می شود. اما به کار بردن صفت "کارآفرین" برای ترجمه این اسم، از اساس یک تهاجم ایدیولوژیک است که از جانب ایدیولوژی نولیبرالی ترویج می شود.

در این پهنه به مجموعه بزرگی از نهادهای و موسسات مالی و به طور خاص بانکها برمی خوریم. همراه با آزادی بی حد و حصر اقتصادی نهادهای حکومتی و ضرورت وجود سازمانهای مالی برای تهیه سرمایه مالی جهت انجام معاملات، واردات، نقل و انتقال پول و از همه مهم تر، لاپوشانی حقه بازی های مالی و اختلاس و پولشوییهای این نهادها، لزوم تاسیس بانکها و موسسات مالی وابسته به خود این نهادها و خارج از نظارت بانک مرکزی کاملاً حس می شد و به ناچار و در مدت زمان

کوتاه، پیدایش و رشد سرطانی این بانکها و مووسسات با مجموعه گسترده ای از شرکتهای تحت پوشش، با وظایفی بسیار هردمیل، مغشوش و ناشفاف و از حوزه نفت و گاز تا واردات، خرده فروشی، صرافی، مدیریت تامین سرمایه و هر چیزی که فکر کنید، بافت شهری را ملوث کرد.

برندگان و بازندگان

انباشت سرمایه، برندگان و بازندگانی دارد. برندگان انباشت سرمایه در فضاهای شهری کم و بیش مشخص اند و شامل قشر معدودی می شود که از رانتهای دولتی و حکومتی در زمینه های مالی، املاک و مستغلات، مدیریت کارخانه ها و کارگاههای صنعتی بهره مند شدند و جز آن.

بازندگان این معرکه چه کسانی اند؟ سلب مالکیت شدگان، مهاجرت کنندگان به شهرها، حاشیه نشینان و در راس همه، تهی دستان. گروههای طرد شده اجتماعی و طبقات فرودست جامعه گسترش یافتند و امروز ابعاد وحشتناک و فاجعه باری از گسترش فقر شهری را می بینیم.



به هر تقدیر، به وضعیت کنونی می رسیم. انبوهی از بیکاران را داریم، بی ثبات کاران را داریم و اشخاصی را که از جامعه طرد شده اند و خارج از پیکره بندی مرسوم طبقاتی قرار می گیرند. در حقیقت، طردشدگان اجتماعی لشکری هستند که می توانند در غیاب نهادهای مدنی، در غیاب تشکلهای، در نبود عنصر آگاهی بخش و در شرایط هژمونیک شدن گفتمانی که آنتروپرونر را کارآفرین می خواند، به لشکری در خدمت

سیاستهای پوپولیستی و در خدمت به قدرت رسیدن پوپولیستها تبدیل شوند. به قدرت رسیدن جریان پوپولیستی بازندگان بسیار گسترده ای دارد. طبقات فرودست، طبقه متوسط جدید و لایه های بالایی آن همه بازندگان چنین وضعیتی هستند و بیش ترین ضربه را به مبارزات دموکراسی خواهانه در جامعه می زند.

و اما بازندگان دیگر وام گیرندگان و سپرده گذاران جزء این بانکها و مووسسات هستند، خرده بورژوازی نامطمئن از شغل، درآمد و آینده خویش که زیر بمباران تبلیغاتی شدید این مووسسات و عده سپرده گذاری مطمئن با سود بالا، اندوخته های اندک خود را به امید دریافت سود کافی سرمایه گذاری کرده و یا مبادرت به دریافت وام با بهره های کلان می کند. در این هرج و مرج و قانون گریزی مالی و ناپاسخگویی سیاسی، وام گیرندگان عمر خود را و سپرده گذاران پول خود را می بازند.

خرده بورژوازی مستاصل

"۲۰ درصد سود علی الحساب... هزاران میلیارد جایزه... هر جا سخن از اعتماد است... در مدت ۵ سال پول خود را ۲,۵ برابر کنید... کارتهای هدیه با جوایز بی شمار... اینترنت بانک در خدمت شما... موبایل بانک خدمتی جدید..."

اینها بخشی از تبلیغات بانکها و مووسسات مالی و اعتباری است تا سرمایه شما را جذب و پول هنگفتی را نصیب خودشان کنند.

به گزارش "تبیان"، بانکها از همان ابتدای تاسیس سود ده هستند و ساز و کار آنها به گونه ای است که در ۹۹ درصد مقاطع سود می کنند و حتی در زمان ورشکستگی، صاحبان بانک ضرر نمی کنند، بلکه این سپرده گذاران هستند که باید جور آنها را بکشند.

سپرده گذاران در اساس چه کسانی هستند؟ آنها کسانی هستند که به سود دهی پول را کد باور دارند و نظام بانکداری حاضر را اعتماد پذیر می دانند. به بیان دیگر، خرده بورژوازی شهری و روستایی باورمند به نظام سود و سرمایه که منهای



گرایشات و رویکردشان نسبت به حکومت، فقط به دلیل درآمد کم و تنگناهای مالی بسیار اقدام به سپرده گذاری اندوخته مختصر خود در این مووسسات کرده. آنها اغلب سپرده هایی با حجم و مبلغ بالا ندارند. مبالغ کلان را غاصبان شان در واردات، خانه سازی، دلالی املاک و... سرمایه گذاری می کنند و نیازی به بهره چندرغاز این مووسسات ندارند.

سوی این که مالباختگان از کدام طبقه و

گروه اجتماعی اند، می توان منشا اندوخته های بر باد رفته آنها را اینگونه دسته بندی کرد:

- ۱- پس اندازهای شخصی که فاقد ارزش تولیدی بوده و یا وامهای مختصر و کم بهره ای که از بانک یا مووسسه دیگری به منظور سپرده گذاری و دریافت سود گرفته شده
- ۲- پول پیش یا ودیعه مسکن که خرده مالکان و موجران از مستاجران خود می گیرند و در صورت نیاز به خرج فوری، تبدیل به سپرده می شود
- ۳- حق سنوات شغلی کارگران و کارمندان بازنشسته
- ۴- حق بیمه عمر و بازنشستگی اشخاص حقیقی که با پرداختهای سالیانه از جیب خودشان به شرکتهای بیمه خصوصی تامین شده
- ۵- پول ناشی از فروش خانه، مغازه، تکه زمین شهری یا کشاورزی یا واحدی که ارزش افزوده تولیدی و بازدهی اقتصادی نداشته
- ۶- سهم اشخاص حاصل از ارث، مهریه یا نفقه (از همین جا می توان به میزان گرفتاری و استیصال زنان بدسرپرست یا جدا شده ای که به لطایف الحیل توانسته اند نفقه یا مهریه یا بخشی از آنها را از چنگال قوانین مردسالار و زن ستیز جمهوری اسلامی بیرون کشند، پی برد)

مجاز و غیر مجاز

بر روی سایت بانک مرکزی اسامی بانکها، مووسسات مالی و اعتباری و صندوقهای قرض الحسنه مجاز اعلام شده که به شرح زیر است:

- بانکهای تخصصی: بانک توسعه صادرات ایران، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن، بانک توسعه تعاون
- بانکهای تجاری دولتی: بانک سپه، شرکت دولتی پست بانک، بانک ملی ایران
- بانکهای غیر دولتی: اقتصاد نوین، پارسیان، کارآفرین، سامان، پاسارگاد، سرمایه، سینا، شهر، دی، انصار، تجارت، رفاه کارگران، صادرات ایران، ملت، حکمت ایرانیان، گردشگری، ایران زمین، قوامین، خاورمیانه، آینده

- صندوقهای قرض الحسنه بانکها: صندوق قرض الحسنه بانک توسعه تعاون، صندوق قرض الحسنه بانک ملت، صندوق قرض الحسنه بانک پارسیان، صندوق قرض الحسنه بانک مسکن، صندوق قرض الحسنه بانک صادرات، صندوق قرض الحسنه بانک انصار، صندوق قرض الحسنه شرکت دولتی پست

- صندوقهای قرض الحسنه مجاز: رفاه جوانان آذربایجان، بین الحرمین، مرآت الانبیاء، کارآفرینی امید، سیده وحیده هاشمی زاده، احسان شهرستان ابرکوه، صندوق جوانان خیر امین، فوزالعظیم

- بانکهای قرض الحسنه: مهر ایران، رسالت

- موسسات اعتباری: کوثر مرکزی، عسکریه، توسعه، نور

شعب بانکهای خارجی: بانک تجارتي ایران اروپا، بانک تعاون اسلامی برای سرمایه گذاری، بانک المستقبل (فیوچر)، بانک استاندارد چارترد

همچنین بانک مشترک ایران و ونزوئلا از جمله بانکهای مشترک ایرانی خارجی است

طبق لیست همین سایت، بانکها و موسسات غیر مجاز عبارتند از:

بانکهای آینده و مهر اقتصاد و موسسه های آرمان، فرشتگان، ثامن الحجج، کوثر، نور، میزان، فاضل، عسکریه

گزارش تخلفات بانک مادر

در مرداد امسال سید حسن حسینی شاهرودی، عضو هیات ریسه کمیسیون اقتصادی مجلس، جزییاتی را از گزارش این کمیسیون پیرامون تخلفات بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و وزارت کشور در ساماندهی موسسات مالی و اعتباری تشریح کرد که چکیده آن به قرار زیر است:

تعداد قابل توجهی موسسه و صندوق قرض الحسنه بدون مجوز فعالیت از بانک مرکزی در کشور وجود دارد که نزدیک به ۴۸ مورد از آنها دارای شعبه در سراسر کشور هستند و تاکنون ۱۰ مورد از این موسسات با رقمی حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان سپرده، در فرآیند تعیین تکلیف قرار گرفته اند. اما هنوز تعداد قابل توجهی دیگر تعیین تکلیف نشده اند.

برای فعالیت شعب موسسه آرمان و کاسپین مجوزی صادر نشده است و براساس مستندات که اعضای کمیسیون اقتصاد بررسی کرده اند، بانک مرکزی از اقدامات و فعالیت تمام شعب موسسه کاسپین و آرمان اطلاع کامل داشته است. موسسه کاسپین و قبل از آن موسسه آرمان دارای بیش از ۳۹۰ شعبه با اطلاع بانک مرکزی در سراسر کشور بوده است. عدم نظارت بانک مرکزی بر روند افزایش تعهدات و عملکرد موسسه مالی و اعتباری کاسپین که عمدتاً از طریق شعب مذکور صورت می گرفت، موجب مشکلات امروز شده است.

از ابتدای شروع روند تسویه بدهیها در این موسسات، یکی از مهمترین چالشهای بستانکاران و پیرو آن نهادهای نظارتی، عدم شفافیت در اعلام میزان دیون و تعهدات و ابهام در میزان وثیقه ها و تضمینهای گرفته شده بوده است.

طبق مستندات موجود در کمیسیون اقتصاد، در برخی قراردادهای بین این موسسات و سپرده گذاران، هویت سپرده گذاران نامعلوم بوده و در پاره ای موارد نیز نسبت به جابجایی اسامی سپرده گذاران در قراردادهای بدون رعایت الزامات مبارزه با پولشویی، اقدام گردیده است. اگرچه فعالیت برخی از موسسات مالی و اعتباری به وضوح از چارچوبهایی که بانک مرکزی برای آنها تعیین کرده فراتر بوده، اما بانک مرکزی هیچ اقدام بازدارنده قضایی و انتظامی برای توقف این دست فعالیتها انجام نداده است. شعب موسسه کاسپین حتی پس از اعلام انحلال تعاونیهای اعتباری و الزام به اخذ مجوز، در گستره ملی به فعالیت خود ادامه داده و خدمات بانکی ارائه می کردند.

ساز و کار یک اعتراض

اعتراضات مالباختگان موسسات مالی از چند سال پیش شکل گرفته و با گسترش دامنه فساد مالی و رالی نفس گیر و پر شتاب صاحبان این موسسات در پولشویی و سوواستفاده از سرمایه های مردم در نقاط دیگر، این اعتراضات هم شکل پیوسته و منسجم و گسترده تر گرفته است. از اعتراض چند نفره جلوی یک شعبه تا تجمع در برابر ساختمان مرکزی

مووسسه و یا تحصن در برابر بانک مرکزی، مجلس و قوه قضاییه و از طرح شعارهای ساده درخواست مال غارت شده تا شعارهای تندی که دولت روحانی بی تدبیر و لاریجانی مجلس نشین و لاریجانی قاضی القضاة را به طور مستقیم هدف گرفتند، در تمام این اعتراضها دیده شد و در مقابل نیز حضور نیروی سرکوب رژیم، از محافظت ساده از اماکن یاد شده تا برخورد مستقیم و ضرب و شتم و دستگیری افراد به ویژه در اعتراضات روزهای اخیر به چشم خورد. اینها همه خبر از تولد یک جنبش یا دستکم بخشی از یک جنبش دادخواهانه مردمی می دهد که سایه اش بر سر حکومت سرمایه خوار جمهوری اسلامی سنگینی می کند.



رژیم یاد گرفته تا آنجا که ماهیت وجودی اش زیر سوال نرفته و جز هنگامی که اقلیتهای قومی و دینی و مخالفان سیاسی برای اعاده حقوق مدنی و شهروندی علیه آن وارد کنشگری نشده اند و تنها مطالبات اقتصادی یا صنفی مطرح می شود، تا حد امکان برخورد قهرآمیز نکند و واکنش تندی نشان ندهد. نمونه این تاکتیک، جنبش پرستاران است که پیش تر در همین رسانه تحلیل شده

است. اما درجایی که مطالبات شخصی و صنفی پاسخ درخوری از عملة و اکره دانه ریز و دون پایه نمی گیرد و فساد آشکار و ظلم گسترده به مردم را در ابعاد ملی و از چشم پایوران دانه درشت رژیم می بیند، خود را برکشیده و رنگ و بوی یک جنبش تمام عیار را به خود می گیرد؛ اتفاقی که در خیزشهای سالهای اخیر کارگران، معلمان و رانندگان شرکت واحد افتاده است.

یک مقایسه کوتاه

جنبش کارگری ریشه و پیوند در جنبش جهانی ترقی خواهانه و سوسیالیستی کار دارد که در پی محو و نابودی هرگونه ستم و نابرابری و بر ساختن جهانی تازه است. بر آمدن و فروپاشی دولتهای اقتدارگرا و شبه سرمایه داری دولتی بلوک شرق و سمپاشیهای بی وقفه سرمایه داری جهانی علیه سوسیالیسم به بهانه ناکارآمدی بلوک شرق گرچه ضربه های جبران ناپذیر به نیروهای کار و جنبشهای کارگری زده، اما آنها را از پای نینداخته و قرن بیست و یکم شاهد رشد دوباره و روز افزون گرایشهای سوسیالیستی مدرن در تئوری و در عمل است.

جنبش معلمان با سابقه مبارزه شجاعانه در رژیم شاهی، جنبشی دادخواهانه و آگاهی بخش است که برنامه مبارزاتی خود را در دو میدان کوچه و خیابان و کلاس درس پیاده می کند.

جنبش دانشجویی در عین تاریخی بودن، همیشه جوان، پویا و پرفشار است و به دلیل ماهیت مترقی اش تحجر ستیز است. گرچه این جنبش به دلیل کم تجربگی پراتیک، در برابر سناریوهایی چون اصلاح طلبی حکومتی و گفتمانهای به ظاهر روشنفکرانه می تواند آسیب پذیر باشد. نگفته پیداست که رژیم ارتجاع با سه جنبش فوق به هیچ عنوان کنار نیامده و با تمام وجود و ابزارهای ممکن آن را سرکوب می کند.

در مقابل، حرکت اعتراضی پرستاران به دلیل اخلاق حرفه ای این صنف و وظیفه ضروری در حفظ سلامت جمعیت کشور، در مجموع حرکتی به دور از خشونت بوده و مطالباتش هم حداقلی ست و رهبران آن برای پیشبرد اهداف شان گاه ناچار به اظهار برادرخواندگی با سازمان دولتی مطبوع خود، ابراز وفاداری به نظام و ایراد خطبه های اصلاح طلبانه می شوند. به همین دلیل رژیم فعلا آنها را تحمل و گاه نوازش می کند. در این میان حرکت اعتراضی غارت شدگان ضمن حفظ فصلهای

مشترک خود با جنبشهای پیشین، به دلیل درونمایه اقتصادی اش، در جایگاهی بین جنبش پرستاری و سایر جنبشها قرار گرفته است. دادخواه است اما ترقی خواه نیست، خواسته هایش در ابتدا تنها در محدوده دادخواهی مالی ست و مخاطبانش در قدم اول، مسوولان و صاحبان این مووسسات هستند. همزمان به خاطر عدم وابستگی به تشکلهای صنفی و نهادهای دولتی، ترمزها و دست اندازهای پرستاران را ندارد و به دلیل نداشتن توان اقتصادی برای کشیدن بار ورشکستگی مالی، پتانسیل بالایی در نمایش خشونت در برابر عدم پاسخگویی و یا سرکوب دولتی دارد (همانطور که در روزهای اخیر حمله های معترضان به ساختمانهای مووسسات و شکستن و بیرون ریختن اثاث آنها دیده شده).

کنش و واکنش

چندان عجیب نیست که قوای مجریه و قضاییه که پای هر دو به سختی در فساد مووسسات مالی گیر است، برای خواباندن خشم مالباختگان دست به هر عملی بزنند. در کنار بگیر و ببند نیروی سرکوب حکومتی، ادعاهای دروغین سخنگوی دولت مبنی بر پرداخت شدن بخش اعظم سپرده ها (البته با کسر سود و بخشی از اصل سپرده) و وعده پرداخت شدن مابقی آنها در یک برنامه زمان بندی مشخص و وعده سخنگوی قوه قضاییه در دستگیری و مجازات عاملان اختلاس از مردم، با خونسردی غیر مسوولانه ویژه این پایوران در رسانه ها منعکس شده است.

در این میان حقه تازه ای که این دزدان حرفه ای می خواهند سوار کنند، واگذاری اموال مووسسات ورشکسته به سپرده گذاران (واگذاری ساختمان، کامپیوتر و لوازم اداری، زمین یا شرکتهای وابسته و اقماری مجازی و کارگاههای رو به ورشکستگی و تعطیلی) است. به این ترتیب می خواهند معترضان را فریب داده، صدایشان را خاموش کنند، آنها را به خانه های شان برگردانند و این بخش از جنبش عمومی را زمینگیر کنند.

اموال مفروض این مووسسات اکثرا واحدهای زیان ده هستند و یا فرآیند تملک یا تصاحب آنها توسط مردم با مشکلات حقوقی فراوانی همراه است که در آینده گریبان مالباختگان را خواهد گرفت. ترفند دیگر عرضه این اموال (بخش شرکتهای یا کارگاهها) در بورس است که توسط آن زیان دیدگان را درگیر نوسانهای کاذب می کنند و از سوی دیگر، زیانهای بورژوازی فاسد مالی را گستردگی عام می بخشند و آن را بین خرده بورژوازی زیان دیده توزیع می کنند. به این ترتیب خسارت دیدگان در یک سیکل معیوب واگذاری—فروش، آن هم روی کاغذ گیر می افتند. بسیاری از این اموال بی ارزش یا بی مشتری، برای تبدیل شدن به نقدینگی سر از مناقصه های آنچنانی درخواهد آورد و خریدارهای آنها هم امثال خود مدیران این مووسسات و یا همپالکیهای شان در دولت، قوه قضاییه، سپاه و بیت رهبری هستند که با پول به غارت برده همین مردم و یا دزدیهای نظیر آن از منابع دیگر، اقدام به مفت خری این اموال کرده و به این ترتیب مال دزدی دوباره به خانه خود دزد برمی گردد.

جبران خسارت چگونه؟

خلاصی از این وضع ممکن نیست مگر آنکه معترضان غارت شده با نگاه به خود به عنوان بخشی از یک جنبش سیستماتیک در برابر یک عدم مشروعیت سیستماتیک، دست به خود سامان دهی، انسجام در برنامه های اعتراضی آتی و گزینش رهبران و سخنگویان شجاع و آگاه به اقتصاد و سیاست زنند. برای اعتراض اثر بخش، ضروری است که آنها دامنه اعتراضات خود را از حوزه خصوصی اقتصادی و زیان مالی، در پیوند با بخشهای دیگر جنبش یعنی کارگران، دانشجویان، معلمان و پرستاران به حوزه عمومی اعتراضات مدنی و سیاسی امروز وارد کنند؛ این راه هم هزینه دارد: سرکوب، شکنجه و زندان. در این نقطه نقش اپوزیسیون واقعی و فعال اعم از افراد و سازمانهای سیاسی در همراهی با جنبش غارت شدگان و هدایت و حمایت فکری و عملی از آنها بسیار کارساز و ضروری ست.

(منابع: نقد اقتصاد سیاسی: محمد مالجو، پرویز صداقت، تبیان، افکار نیوز، خبرگزاری مهر، سایت بانک مرکزی، اعتدال

کودک نامه. از زبان کودکان میهنم

م. وحیدی

من اکبر هستم



سلام، من اکبر هستم. ببخشید خوابیده ام. چون مشتری ندارم، گفتم یک چرتی بزنم. آخر من صبحهای زود کارم را شروع می کنم. تازه بعد از ظهرها هم می روم "چشمه علی" ماشین شویی که نزدیک خانه مان است. راننده ها که می آیند ماشینهای شان را بشویند، منم کمک شان می کنم، یک پولی بهم می دهند. گاهی وقتها هم به جای پول، یک بسته بیسکویت بهم می دهند. بعد می آورم با خواهرم دوتایی می خوریم. من با این که دو جا کار می کنم، زیاد درآمد ندارم، ولی هرچقدر در می آورم می دهم به مادرم.

بابام کارگر کارخانه کفش بود. بیست سال بود آنجا کار می کرد. اما وقتی به خاطر کمی حقوق اعتصاب کردند، پاسدارها حمله کردند به آنها و آنقدر با چوب به سرش زدند که حالا حواسش را از دست داده و گوشه خانه

افتاده. او دیگر کاری از دستش بر نمی آید و حتی ما را نمی شناسد. من هر چه می گویم بابا من هستم، اکبر هستم، چیزی نمی گوید. فقط نگاهم می کند. او بیشتر مواقع خوابیده است یا به سقف اتاق نگاه می کند. او گاه چیزهایی زیر لب می گوید که ما نمی فهمیم.

من و مادرم کار می کنیم تا خرج مان را درآوریم. مادرم دستفروشی می کند با خواهر کوچکم. من و خواهرم به مدرسه نمی رویم. ما مدرسه را خیلی دوست داریم. آخ چقدر خوب بود اگر می توانستیم به مدرسه رویم. من دوست دارم یک روز دکتر شوم. خواهرم هم می گوید من هم دوست دارم یک روز معلم شوم.



به مناسبت روز جهانی علیه اعدام

تا کنون کوه در کنار دریا ندیده بودم

شعله پاکروان

برای اولین بار با مادری روبرو شدم که پیش و پس از انقلاب، داغدار فرزندانش شده. مادری که مرا به یاد کوهی می اندازد در کنار یک دریا. کوه مقاومت در برابر دریای غم. وقتی از آخرین ملاقات با فرزندانم می گفت لبخندی بر لب داشت که از آن هزار معنا دریافت می کردم. لبخند بر جهان فانی و گذر عمر. لبخند بر جان جوانهایش که دهه هاست زیر خاک پنهانند. لبخند بر صبوری که کرده است به بی قربی فرزندانم.



روز جهانی علیه اعدام را در حالی می گذرانم که ذهنم مشغول مادرانی است که ضجه های فروخته در اعماق قلب شان را به نیرویی بدل کرده اند که وقتی به دیدارشان می روی بدون نیاز به کلام از آنان دریافت می کنی.

روز جهانی علیه اعدام را در حالی می گذرانم که همچنان اخبار اعدامهای نهان و آشکار از ایران مخابره می شود. اعدامهای عقیدتی همچنان ادامه دارد. همچنان که اعدام آنها که به دلیل فقر گسترده در جامعه ایران، مرتکب جرایم شده اند. فقری که ناشی از اختلاس و دزدی مقامات ریز و درشت حکومت است.

روز جهانی اعدام را در حالی می گذرانم که تمام وجودم آکنده از شوق است برای قدمی هماهنگ با مبارزان راه آزادی برای برآورده شدن آرزوی آرزوها: ایران بدون اعدام.

روز جهانی علیه اعدام را در حالی می گذرانم که قلبم در گروی عشق جوانانی است که زیر حکم اعدامند. قربانیانی که در نوبتند برای رقص خون، رقص بر دار. رقصی که جنون حاکمان مست را فریاد می زند.

روز جهانی علیه اعدام را در حالی می گذرانم که صدای زنی که از فرزندان و شوهران اعدام شده شان در خطه سرسبز شمال ایران برایم قصه ها گفتند، بی تابم می کند. حتی یادآوری صدای زنی که تن خونین فرزندش را با دستهای لرزان و داغدارش در جنگل و یا زنی که تن تیرباران شده همسرش را زیر باران در کف حیاط خانه اش دفن کرده، وجودم را پر می کند از اندوهی آمیخته به خشم و نفرت از چوبه های دار و جوخه های اعدام.



روز جهانی اعدام را در حالی می گذرانم که باران سیل آسای اشکهای قدمخیز فرامرزی، مادر شهرام و بهرام احمدی، سربداران کرد اهل سنت جلوی چشمانم زنده می شود.

روز جهانی علیه اعدام را در حالی می گذرانم که چشمهای از حدقه درآمده ی آنه ی علیرضا مددی و لالایی مجنون وارث به زبان ترکی تنم را می لرزاند.

روز جهانی اعدام را در حالی می گذرانم که صدایی از بندر جاسک با پنجاه اعدامی در خانواده اش دیوانه ام می کند. در

حالی که یاد ریان و رویدا و بچه های دیگری که پدران شان اعدام شدند بی آنکه کسی دست محبتی بر سرشان بکشد گلویم را می فشارد. در حالی که صورت معصوم فاطمه و کیانا و زهرا و گیتی و دهها هم بندی دخترم ریحانه، زیر خاک محو شده اند اما صدای خنده های دخترانه و جوان شان هنوز زیر آسمان میپیچد؛ بگذارید زندگی کنیم.

در حالی که انبوه قبرهای شکسته و متروک و بی نام و نشان را در قطعات مختلف بهشت زهرا و خاوران دیده ام. زیر هر وجب از آن خاک، محبوب و دلبنده زنی همچون من، مادری شیفته و شیدا خفته است. بسیار مادرانی که دیگر نیستند تا دادخواهی خون به ناحق ریخته ی عزیزان شان را فریاد زنند. مادرانی که تا نفس داشتند پرچم دادخواهی را بر دوش کشیدند. بهکیش و میلانی و دهها زن چون آنان، اکنون از آسمان به ما می نگرند تا دست در دست یکدیگر رویای لغو اعدام را تحقق بخشیم. می بینید؟ چگونه می توانم از ریحانم بگویم؟ او اولین و آخرین مظلوم سربدار نبود. ولی تنها محبوبی بود که او را با شیره ی جان پروردم و شاهد بالیدن و دستگیری و سربداری اش بودم. ریحان همچون هزاران سربدار ایران با چشمهای درشت و براق و جوان از پس پرده های زندگی و دنیا نگاهم می کند تا شهادت دهد که بر ظلم اعدام گستر شوریدم. چرا که شوریدگی صفتی است عجین با مادر، هنگامی که بر عزیزش ظلم روا بدارند. من نیز همگام با صدها دل شیدای داغدار، دست در دست و متحد، بر طبل نه به اعدام، زنده باد زندگی می کوبم. چرا که مادران حافظان زندگی هستند.

من مادری هستم که ضرورت روز جهانی اعدام را با همه وجودم درک کرده و از اعماق جانم فریاد می زنم: نه به اعدام، زنده باد زندگی. فوراً همه اعدامها را لغو کنید، بدون قید و شرط و تعلل.

منبع: فیس بوک شعله پاکروان

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

پیام رضا شهابی از زندان رجایی شهر



با گرمترین درودها

بدین وسیله از تمامی کارگران، اعضای سندیکا، دانشجویان، فعالان اجتماعی و خانواده ها و انسانهای آزاده که به حبس ناعادلانه من و دیگر فعالان کارگری اعتراض کرده اند کمال قدردانی و تشکر را دارم. همچنین از کلیه تشکلات بین المللی کارگری از اقصی نقاط جهان که با ارسال نامه های اعتراضی به مقامات حکومتی خواهان آزادی بدون قید و شرط اینجانب و دیگر کارگران زندانی شده اند بسیار سپاسگزارم.

اذیت و آزار من و خانواده ام از سال ۱۳۸۹ که ماموران لباس شخصی مرا در حین رانندگی و

در حضور مسافران به اتهام ساختگی سارق مسلح دستگیر کردند تا امروز لحظه ای متوقف نشده است. ۱۹ ماه در سلول انفرادی بازداشتگاه ۲۰۹ زندان اوین تحت بازجویی های طولانی مدت و شدیدترین برخوردهای فیزیکی، روحی و روانی بودم و چندین بار تهدید به اعدام شدم. در این سالها بارها عمل جراحی و معاینه و مداوای پزشکی داشته ام و به دفعات مجبور گردیدم که برای رساندن صدای حق خواهی ام دست به اعتصاب غذاهای طولانی بزنم. برای چی؟ چرا یک کارگر باید به دلیل دفاع از حقوق ابتدایی خود و همکارانش این چنین آزار ببیند و سلامتی خودش و خانواده اش به خطر بیافتد؟ تصور کرده بودند که با این اعمال سرکوبگرانه و ایجاد رعب و وحشت می توانند سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و دیگر تشکلات کارگری مستقل را مرعوب کنند و سر جای شان بنشانند. اما هیچگاه این چنین نشد و نخواهد شد. مادام که کارگران را استثمار و بی رحمانه سرکوب می کنند، حق کارگران را بی مهابا پایمال می کنند و در عین حال سرمایه داران و اختلاس گران و غارت گران اموال عمومی را مورد حمایت قرار می دهند؛ تشکل و اعتراض و اعتصاب خواهد بود.

وضعیت من کماکان ناروشن است و با وجود وعده های مقامات برای پایان دادن به این وضعیت، کماکان در حبس و بدون مراقبت پزشکی مناسب به سر می برم. حمایت همبندان محترم، خانواده عزیزم، همسر بزرگوارم و همکاران زحمتکش سندیکای کارگران شرکت واحد و نیز حمایت کارگران و مدافعان حقوق کارگری و انسانی در ایران و در سطح بین المللی تنها ضامن آزادی من و دیگر همقطاران در بند خواهد بود.

پیروز باشید

رضا شهابی

زندان رجایی شهر- کرج

چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۶ - ۱۸ اکتبر ۲۰۱۷

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

جنایت جنگی جمهوری اسلامی، افشای گورهای نوجوانان افغان

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... دوشنبه ۱۰ مهر



رسانه‌های حکومتی همواره از "لشکر فاطمیون" به عنوان "داوطلبان افغانستانی" نام می‌برند که برای حمایت از رژیم بشار اسد به جنگ می‌روند. در چند سال گذشته هزاران افغانستانی پناهنده به ایران، آموزش نظامی داده شده و به قتلگاه سوریه اعزام شده‌اند. اکنون، دیدبان حقوق بشر پرده از یک جنایت جنگی برداشته است.

این سازمان اعلام کرد که رژیم جمهوری اسلامی نوجوانان ۱۴ ساله مهاجر افغانستانی را به سوریه اعزام کرده تا در کنار نیروهای

دولتی بجنگند. پژوهشگران این سازمان با بررسی عکسهای گرفته شده از سنگ قبرها در گورستانهای ایران، دستکم ۸ نوجوان را شناسایی کرده‌اند. در این گزارش، سپاه پاسداران متهم شده است که نوجوانان شیعه هزاره افغانستانی را آموزش نظامی می‌دهد و به سوریه اعزام می‌کند. بنابر مفاد حقوق بین‌الملل، این عمل جنایت جنگی محسوب می‌شود. جوانان قربانی کسانی هستند که خود و خانواده‌هایشان در پی جنگ داخلی چند ده ساله در کشورشان، در مهاجرتی اجباری به ایران پناهنده شده‌اند. با این حال، بیش از سه دهه است که رژیم جمهوری اسلامی افزوده بر نقض اصول بنیادین و اولیه حقوق بشر و حقوق مهاجران و پناهندگان در مورد آنها، با رفتاری غیر انسانی و تحقیر آمیز از مهاجران جنگ زده افغانستانی استقبال می‌کند؛ زمانی ورود آنها را به پارکها ممنوع کرده و زمان دیگر آنان را زیر عنوان "دستگیری اتباع بیگانه" چشم بند زده و در حصارهای فلزی به اسارت کشیده است.

در کشور ما، تحت حاکمیت ولی فقیه، یک پناهجوی افغان صرف نظر از اینکه به طور قانونی از مرزها وارد شده باشد یا غیرقانونی و سالها هم در ایران زندگی کند، از هیچ حقوقی برخوردار نیست و هر لحظه می‌تواند اخراج شود. فرزندان آنها برای رفتن به مدرسه با ده‌ها مشکل روبرو می‌شوند، قانون کار در مورد آنها اجرا نمی‌شود، خدمات درمانی در بسیاری مواقع به آنها تعلق نمی‌گیرد، شکایت آنها به مراجع قانونی جدی گرفته نمی‌شود و بسیاری از ظلم و ستمهای دیگر که بر این انسانها روا می‌شود.

گزارش دیده بان حقوق بشر فاش می‌کند که علاوه بر این رفتارهای غیر انسانی و اخلاقی و مغایر با اصول کنوانسیونهای بین‌المللی، رژیم فرزندان آنها را نیز به ورطه مرگ می‌فرستد تا "نظام" با جنگ افروزی و بحران حفظ شود.

خانم سارا لی ویتسون، مدیر دیده بان حقوق بشر در خاورمیانه، به جمهوری اسلامی هشدار داده است: "به جای شکار مهاجران آسیب پذیر و پناهندگان کودک، مقامهای حکومتی وظیفه دارند تمامی کودکان را مورد حمایت قرار دهند." در گزارش دیده بان حقوق بشر آمده است که بر سنگ قبر دستکم ۷ تا ۸ کودک افغان نوشته شده که در دفاع از حرم زینب در سوریه کشته شده‌اند. رژیم کسانی را که در سوریه برای کشتار مردم این کشور و حفظ رژیم اسد می‌جنگند و کشته می‌شوند را "مدافعان حرم" می‌نامد.

فرستادن نوجوانان افغانستانی به جنگ و همزمان هیاهوی دنباله دار سپاه پاسداران برای محسن حججی و تبلیغات هیستریک مذهبی حاکی از آن است که رژیم دیگر نمی‌تواند نیرو برای قتلگاه سوریه جذب کند و دست به ترفند بازی با احساسات مردم می‌زند.

سران رژیم وامانده جمهوری اسلامی باید در دادگاهی بین‌المللی به خاطر ارتکاب به این جنایت محاکمه و مجازات شوند. بی شک چنین روزی خواهد رسید.

خامنه ای فرمان سرکوب کردهای عراق را داد!

زینت میرهاشمی

به نظر می آید که نتایج همه پرسی اقلیم کردستان، رژیم ولایت فقیه را بیش از دیگر همسایگان عراق نگران و آشفته حال کرده است. مجموعه ی واکنشهای ابراز شده از طرف پایوران رژیم طی این مدت، این نگرانی را به خوبی برجسته می کند. نگرانی رژیم ولایت فقیه نه از سر دلسوزی برای مردم کرد و یا عرب در عراق، بلکه دقیقا به خاطر منافع خود در عراق و



ترس از حمایت و همبستگی کردهای ایران با کردهای عراق است. موارد زیر این دو نکته را روشن می کند.

بر کسی پوشیده نیست که عراق جولانگاه نیروی تروریستی قدس شده و حکومت عراق زیر نفوذ و حمایت مستقیم رژیم ایران دست به سرکوب نیروهای مترقی و لائیک عراق زده است.

بنیادگرایی اسلامی حکام ایران و لشکر کشی جمهوری اسلامی به عراق، بحران در این کشور را هر چه بیشتر عمیق کرده و این امر به رشد

نیروی ارتجاعی و بنیادگرایی همچون داعش یاری رسانده است.

بر این منظر مساله اشغال عراق و پس از آن وجود نیروهای تروریستی وابسته سپاه پاسداران در عراق اساس بحران عراق را تشکیل می دهند. واضح است که جمهوری اسلامی نمی خواهد به حل بحران و ایجاد شرایط دموکراتیک در عراق کمک کند.

استقبال گرم خامنه ای از «نقشه راه» ترکیه در پاسخ به همه پرسی در کردستان عراق همراه با صحبتهای تحریک کننده علیه کردهای عراق، واکنشی در برابر ضربه وارده به حیات خلوت رژیم در عراق است.

روز چهارشنبه ۱۲ مهر خامنه ای در دیدار با اردوغان همه پرسی در کردستان عراق را «خیانت به منطقه و موجب تهدید آینده» دانست. وی بی شرمانه علیه مردم کردستان عراق حکم هر نوع اقدام را صادر کرد و گفت: «ایران و ترکیه باید در مقابله با این حادثه، هر اقدام ممکن را انجام دهند و دولت عراق نیز باید در این قضیه به صورت جدی، تصمیم گیری و اقدام کند.»

اقدام از دیدگاه خامنه ای روشن است.

سرکوب مردم کردستان ایران بعد از انقلاب ضد سلطنتی، اعدام دسته جمعی جوانان کرد و بازداشت شهروندان کردستان ایران بعد از همه پرسی اقلیم کردستان مُدلهای «اقدام» از نظر ولی فقیه است که بنا به فرمان او دولت عراق «باید» عملی کند.

فرمان عقبگرد سرکرده سپاه به روحانی

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۱۹ مهر

چند روز پیش از اعلام استراتژی آمریکا در باره رژیم جمهوری اسلامی، سرکرده سپاه پاسداران هراس اشباع شده زیر "خیمه نظام" در باره آنچه که می تواند به انتظار نشسته باشد در قالب تهدید و لاف زنی تجسم بخشید. سخنان عصبی



آقای محمد علی جعفری همزمان میزان نفوذ ویرانگر بخش نظامی و امنیتی حکومت، هم در پهنه سیاست سازی دولتی و هم در حوزه تصمیمهایی که به گونه بی واسطه به سرنوشت جامعه مربوط می شود را آشکار ساخته است. سرکرده سپاه پاسداران از فراز سر دولت و وزارت خارجه آن از یک تریبون

رسانه ای که به همین منظور بر پا شده بود، بدون پرده پوشی، خطوط سیاست خارجی آتی جمهوری اسلامی در برابر آمریکا و منطقه را ترسیم کرد؛ سیاستی که بر محور میلیتاریسم و جنگ بنا گردیده و باند نظامی و امنیتی سپاه پاسداران ستون فقرات و بازوی عملیاتی آن را تشکیل می دهد.

آقای جعفری اعلان غیر رسمی جنگ به آمریکا را در صورت قرار گرفتن سپاه پاسداران در لیست تروریستی این کشور در دستور کار جمهوری اسلامی گذاشت و به موازات آن با رد هر گونه مذاکره "در باره منطقه"، در نقش سخنگوی "نظام" اعلام کرد: "جمهوری اسلامی در نظر دارد، مسایل منطقه را در جایی غیر از میز مذاکره حل کند." این یک نقشه ایده آل برای سفت کردن هر چه بیشتر پای سپاه پاسداران در قدرت، بیرون راندن رقبای و حفظ و گسترش سلطه اُختاپوس وار بر منابع ثروت کشور است.

سرکرده سپاه پاسداران در حالی افسار "نظام" را به دست گرفته و به دنبال می کشد که به گونه رسمی باند مزبور اجازه دخالت در سیاست را ندارد. این اصل بی مصرفی است که رقبای باند حاکم به جای اقدامات عملی به منظور فرستادن "سرداران" مهار گسیخته به پادگانهایشان، به وقت تنگنا در پس آن پنهان می شوند.

آقای جعفری با این کباده کشی، تکلیف دولت و دستگاه "دیپلماسی لبخند" آن را نیز روشن ساخته است. او با بیانی ساده به طرفهای خارجی حکومت، شکاف در دستگاه قدرت و ابهام در سیاست و تصمیمهای رسمی را گوشزد کرده و زیر دُشواری معامله با رژیم حاکم خط تاکید کشیده است.

سخنان تحریک کننده پاسدار جعفری با هر هدفی که ابراز شده باشد، در تضاد با تصویر بزرگ شده ای است که آقای روحانی در صحنه بین المللی از سیاست خارجی دولتش ارایه می دهد. تاخت و تاز سپاه پاسداران از پتانسیل خوبی برای برگرداندن وضعیت به دوران پیش از "برجام" برخوردار است.

آقای روحانی در تبلیغات انتخاباتی خود شعار "به عقب بر نمی گردیم" را سر می داد و تنها پنج ماه بعد پیکانهای سیاست حاکم، به سمت عقب نشانه رفته اند. روشن آن است که دولت با هر درجه انفعال بیشتر در برابر این نیروی انگلی، به گونه بی بازگشت تری در دل سیاست دیکته شده آن هضم می شود.

دست رد خامنه ای و سپاه پاسداران بر سینه خاتمی

منصور امان

فراسوی خبر... یکشنبه ۳۰ مهر

به ظاهر می تواند یک طنز تلخ جلوه کند که در آن همان هنگام که حُجت الاسلام مُحمد خاتمی برای اعلام حمایت از بدنام ترین زیرمجموعه باند رقیب به میدان می شتابد، چوب تعلیمی آقای خامنه ای به گونه تحقیر کننده ای به استقبالش می آید. نه، این یک مُعادله سیاسی جدی است که از هنگام تن دادن "اصلاح طلبان" حکومتی به ایفای نقش "تدارکچی"، مُناسبات بین آنان و باند حاکم را شکل داده و به همان میزانی که ثبات می یابد، ابعاد زنده تر و گاه مسخره تری پیدا می کند.



آقای خاتمی سُقوط باند ولی فقیه به گرداب یک بُحران خارجی تازه را فُرستی برای عرضه خویش و خدمات "اصلاح طلبان" تخمین زده بود. او می پنداشت با خرج اندکی وقاحت و ایستادن در کنار سپاه پاسداران، نماد قهر و فساد دستگاه آقای خامنه ای، گامی به سوی

ترمیم روابط و یادآوری ظرفیتهای باند اخراج شده برخوردار داشت.

به راستی نیز چه فُرستی از این بهتر می توانست برای یک مشاطه گر باسابقه اما بیکار دست بدهد. آقای ترامپ، "نظام" را پیش انداخته و به سمت "برجامهای یک و دو و سه و غیره" می راند و ابزار اقتدار حاکمیت به گونه خطرناکی بر سیبل هدفگیری طرفهای خارجی نشانده شده است.

در یک شرایط عادی، لابی گری حُجت الاسلام خاتمی شاید قادر بود فشاری را که بر دوش نزار "آقا" و نظامی امنیتیهای داغ شده اش سنگینی می کند، تخفیف دهد، اما این هم یک بداقبالی دیگر سیاستمدار نگون بخت است که عقربه های بُحران سنج در بیت آقای خامنه ای، شرایط را هر چیزی جُز عادی نشان می دهند. رییس جمهور پیشین مُلاها ثابت کرده است که فُرصت طلب کارگشته ای است، اما زمان سنجی برای به کار انداختن آن قوی ترین توانایی او نیست. هم از این روست که ابتکار سیاسی اش به عقب کمانه کرد و "سید خندان" هم چوب را خورد و هم پیاز را!

به راستی اگر چشم اشتیاق آقای خاتمی و دوستان به "اصلاح" منفعت بار مسیر قُدرت و ثروت آنان را به نزدیک بینی سیاسی دُچار نمی کرد، مُدتها پیش باید درمی یافتند که آقای خامنه ای و باندش شریک نمی خواهند. بدتر از آن، همانگونه که رویداد هفته گذشته نشان دارد، آنها حتی برای آقای خاتمی در نقش پادو هم حاضر به کنار گذاشتن سهمی نیستند.

آقای علی خامنه ای و سپاه پاسداران به حُجت الاسلام خاتمی و بقایا نیازی ندارند، آنها هستند که به این دو مُحتاج هستند. "اصلاح طلبان" می ترسند از "نظام" بگسلند، زیرا سراب "اصلاحات" را فقط در این برهوت بی آب و علف که از دُو خرداد ۷۶ در آن سرگردان هستند می توانند بفروشند.

از همین روست که پایه های "نظام" هر چه لرزان تر می شود، رفتار سیاسی آنان هم بُزدلانه تر و بنده وار تر می شود.

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

زنان در مسیر رهایی (مهر ۹۶)

اسد طاهری

بازداشت دختر ۱۸ ساله به دلیل تبلیغ کلاس رقص در اینستاگرام

رییس پلیس "فتا" هرمزگان روز شنبه ۱ مهر از دستگیری یک دختر ۱۸ ساله در بندرعباس به اتهام آموزش رقص و



تبلیغ کلاسهای خود در اینستاگرام خبر داد.

سرهنگ علی اصغر افتخاری گفت: "کارشناسان پلیس فتا با رصد فضای مجازی متوجه شخصی ناشناسی در شبکه اجتماعی اینستاگرام شدند که اقدام به تبلیغ آموزش رقص بانوان و عضوگیری و آموزش رقص به صورت غیرمجاز در منزل شخصی خود می کند. در بررسیها مشخص شد متهم در پیام رسان تلگرام نیز اقدام به تبلیغ کلاس رقص می کند که با

اقدامات فنی و شگردهای خاص پلیسی، متهم به هویت خانم "ا.م"، ۱۸ ساله شناسایی شد. وی اضافه کرد: "کارآگاهان پلیس فتا متهم را در یک عملیات غافلگیرانه در مخفیگاه خود دستگیر و به همراه ادله جرم به پلیس فتا منتقل کردند که متهم در ابتدا منکر بزه انتسابی بود ولی پس از رو به رو شدن با مدارک و مستندات پلیس، به جرم خود اعتراف و انگیزه خود از برگزاری کلاس رقص را پر کردن اوقات فراغت و همچنین کسب درآمد اعلام کرد."

مرکل برای چهارمین بار صدر اعظم آلمان می شود

حزب "آنگلا مرکل"، صدراعظم آلمان، برای چهارمین دور پیاپی در انتخابات پارلمانی آلمان به پیروزی رسید. او از ۲۲ نوامبر ۲۰۰۵ سکان اداره قطب بزرگ صنعتی غرب را در دست دارد و نخستین زن صدراعظم در تاریخ آلمان است.



آنگلا مرکل زاده ۱۷ ژوئیه ۱۹۵۴ در هامبورگ است. اندکی پس از تولد او، خانواده اش به آلمان شرقی مهاجرت کردند؛ جایی که او در رشته فیزیک به دانشگاه رفت و به عنوان فیزیکدان با درجه دکتری در رشته شیمی فیزیک فارغ التحصیل شد. مرکل نخستین بار به هنگام تحولات اروپای شرقی در سال ۱۹۸۹ وارد عرصه

سیاسی شد و در سال ۱۹۹۰ به معاونت سخنگوی دولت انتقالی آلمان شرقی منصوب گردید. پس از شکست حزب "اتحادیه دموکرات مسیحی" در انتخابات ۱۹۹۸، مرکل به عنوان دبیرکل این حزب برگزیده شد و کمتر از دو سال بعد از آن، به عنوان اولین زن در تاریخ این حزب به رهبری آن برگزیده شد.

او در سال ۲۰۰۵ پس از پیروزی حزبی در انتخابات، نخستین کابینه خود را تشکیل داد و پس از آن توانست به طور پیاپی با پیروزی در انتخاباتهای پارلمانی چهارساله، این جایگاه را حفظ کند. وی از روز ۲۶ مارس ۲۰۱۴، رکورد طولانی ترین دوره تصدی دولت را بین سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا از آن خود کرده است. آنگلا مرکل رهبر دوفاکتو اتحادیه اروپا خوانده می شود و مجله "فوربز" دو بار او را دومین شخص قدرتمند جهان نامید که بالاترین رتبه ای است که یک زن تاکنون بدان رسیده است. مرکل در سال ۲۰۱۵ نیز از سوی مجله "تایمز" به عنوان شخصیت سال برگزیده شد.



اصلاحات بی سابقه حقوق زنان در عربستان

حکومت عربستان سعودی اصلاحات گسترده ای را در زمینه حقوق زنان آغاز کرده است که با توجه به نظام مردسالارانه این کشور، ارزشی برابر با یک انقلاب را دارد.

این اصلاحات با فرمان ملک سلمان، پادشاه عربستان سعودی مبنی بر لغو ممنوعیت رانندگی زنان آغاز گردید. عربستان تنها کشوری بود که زنان در آن حق رانندگی نداشتند.

سپس مجلس شورای عربستان سعودی، طرح "تعیین مفتیهای زن" را تصویب کرد که بر اساس آن، زنان تحصیلکرده در رده های بالای فقه، همچون مردان حق دادن فتوا خواهند داشت.

همچنین پادشاه عربستان در دستور دیگری خواهان تدوین قانون حمایت از زنان در برابر تعرض جنسی شد. ملک سلمان به عبدالعزیز بن سعود بن نایف، وزیر کشور عربستان، دستور داد تا طی ۶۰ روز این قانون را تدوین کند.

در سال ۲۰۱۴ پیش نویس قانونی برای جرم آزار و اذیت جنسی در عربستان سعودی رد شد. بیشتر نمایندگان مجلس گفته بودند چنین قانونی مشوق تعامل بیشتر بین زنان و مردان خواهد شد.

از دیگر اصلاحات انجام شده در این کشور مردسالار می توان به قوانینی برای آزادی ورود زنان به ورزشگاهها، آزادی مشروط پخش موسیقی هنرمندان زن و فتوای مفتی سعودی برای خروج زنان از کشور بدون اجازه همسر اشاره کرد. پلیس دینی عربستان سعودی قانون تفکیک جنسیتی را به شدت کنترل می کند. در رستورانها زنان به طور جداگانه غذا می خورند و مووسسات دولتی متعدد مانند بانکها، درهای ویژه زنان دارند.

داوران زن به دیدارهای بین المللی فوتبال نیز راه یافتند

برای اولین بار در تاریخ مسابقات بین المللی فوتبال، قضاوت یکی از دیدارهای مردان را یک زن انجام خواهد داد. دیدار



ژاپن و کالدونیای جدید در چهارچوب مسابقات جام جهانی فوتبال زیر ۱۷ سال را نه یک داور مرد، که "استر اشتابلی" سویسی قضاوت خواهد کرد.

فیفا اعلام کرده که در برنامه های خود تصمیم دارد کلاسهای داوری و همه شرایط فوتبال برای زنان و مردان را برابر کند و در آینده داوری دیگر مسابقات جهانی نیز بدون در نظر گرفتن جنسیت انجام خواهد شد.

خانم اشتابلی فقط داوری یک مسابقه فوتبال را به عهده

ندارد و بی گمان برای نشان دادن استعداد و تواناییهای خود کاری به مراتب سخت تر از همکاران مرد اش دارد. او نه تنها

در میدان ورزش، که باید بر افکار مردسالار روی سکوها و مردمانی در چهارگوشه جهان از پشت قابهای تلویزیون نیز پیروز شود.

تجمع فعالان حقوق زنان در ترکیه در اعتراض به "قانون مفتی"



شمار زیادی از فمینیست‌ها و فعالان حقوق زنان در ترکیه روز چهارشنبه ۱۲ مهر در اعتراض به طرح قانونی برای رسمیت دادن به ثبت ازدواج توسط مفتیها (روحانیان ترکیه) در برابر پارلمان این کشور تجمع کردند. بخش اصلی شرکت کنندگان

در این تجمع از حقوقدانان و گروههای مدافع حقوق زنان وابسته به دو حزب اپوزیسیون "جمهوریخواه خلق" و "دمکراتیک خلقها" بودند. پلیس تلاش کرد تا از تجمع اعتراضی زنان جلوگیری کند. "آیلین نالیاکا"، نماینده مستقل پارلمان ترکیه، در رابطه با پیش نویس این قانون گفته است: "ما هرگز این قانون را نخواهیم پذیرفت. طرح این قانون سوواستفاده جنسی و ازدواج کودکان را امکان پذیر خواهد کرد." زنان فمینیست ترکیه همچنین نگران آن هستند که تغییر قانون، راه را برای چند همسری رایج در برخی کشورهای اسلامی هموار کند. آنها "قانون مفتی" را گام دیگری در جهت تسریع روند رو به رشد اسلامی کردن جامعه ترکیه می دانند.

قانون موسوم به "قانون مفتی"، در صورت تصویب شدن، به صلاحیت مفتیها در ثبت ازدواج در ترکیه رسمیت خواهد بخشید. طبق یک قانون تصویب شده در ترکیه در سال ۱۹۲۶ میلادی، کسانی که ازدواج خود را تنها به صورت شرعی ثبت کرده باشند، با مجازات زندان روبه رو خواهند شد.

روز جهانی دختر بچه ها

۱۱ اکتبر برابر با ۲۰ مهر، روز جهانی دختر بچه ها است. سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده دختر بچه ها نیازهای ویژه ای دارند که باید به آن توجه کرد و نابرابریهای اقتصادی صدمه زیادی به بهداشت دختران در سراسر جهان زده است. پنج سال پیش، در سال ۲۰۱۱، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به منظور تاکید بر نیازهای جسمی و روانی دختران، با تصویب قطعنامه ای، ۱۱ اکتبر هر سال را به عنوان روز جهانی دختر بچه ها اعلام کرد. هدف از این نامگذاری تلاش در جهت رفع تبعیض جنسیتی علیه دختر بچه ها نسبت به پسران در زمینه تحصیل، بهداشت، تغذیه و غیره اعلام شد. به گفته سازمان ملل متحد، سرمایه گذاری کشورها در تامین حقوق اولیه افراد از جمله حق دختر بچه ها برای بهره مند بودن از بهداشت و تحصیل می تواند میزان فقر، خشونت و عقب افتادگی در جوامع را به صورت محسوسی کاهش دهد.

بنا به اعلام سازمان ملل متحد، ثبت نام دختران در مدارس ابتدایی در کشورهای در حال توسعه و واکسیناسیونهای اصلی برای این گروه نسبت به ۱۵ سال قبل افزایش یافته و احتمال ابتلای آنها به بیماریهای ناشی از سووتغذیه کاهش پیدا کرده، اما میزان ازدواجهای اجباری و خشونت خانوادگی و قتلهای ناموسی هنوز کاهش نیافته است.

ازدواج روزانه ۲۰ هزار کودک در جهان

بر اساس گزارش مشترک صندوق نجات کودک و بانک جهانی که به تازگی منتشر شده است، در سال حدود هفت و نیم میلیون دختر زیر سن قانونی در جهان ازدواج می کنند و نزدیک به ۱۰۰ میلیون دختر به دلیل نبود حمایت قانونی در



کشورهای شان در معرض "ازدواج کودکان" قرار دارند. تعدادی از این کشورها سن قانونی ازدواج برای دختران را بالا برده و یا با حذف کردن استثنائاتی مانند اجازه والدین یا اجازه دادگاه از این امر جلوگیری می کنند. اما این موضوع در کشورهای زیادی همچنان چالش برانگیز است.

اجرای ضعیف قوانین و وجود عرفهای مذهبی و سنتی خارج از دایره قانون بخشی از دلایل ادامه یافتن ازدواجهای غیررسمی کودکان است. سنت ازدواج در سن پایین در برخی از فرهنگها و مذاهب ریشه دار است و باور رهبران مذهبی و ترویج آن باعث موفق نشدن دولتها در ریشه کن کردن ازدواج کودکان است.

"کریستین مک نیل"، مسوول سیاست گذاری صندوق نجات کودک معتقد است: "تا زمانی که ازدواج کودکان وجود دارد، نمی توانیم منتظر دنیایی باشیم که در آن برای دختران و پسران فرصتهای برابر رشد و شکوفایی وجود داشته باشد." وی می افزاید: "با وجود اینکه قدم اول در راه بر طرف کردن این معضل قرار دادن موانع قانونی است، اما خطر ازدواج برای میلیونها کودک دختر در جهان ادامه خواهد داشت، مگر آنکه با آن برخورد ضربتی کنیم. باید نگرش جوامع را تغییر دهیم تا بتوانیم یکبار برای همیشه این معضل را ریشه کن کنیم." مسوول سیاست گذاری صندوق نجات کودک، ادامه تحصیل را بهترین راه برای رشد سالم دختران و بالا رفتن توانایی آنان در تامین معیشت خود می داند.

دیدبان حقوق بشر اعلام کرد؛ بیش از دو سوم دختران افغان به مدرسه نمی روند

سازمان دیدبان حقوق بشر، وضعیت تحصیل زنان در افغانستان را نگران کننده خواند.

بنا به این گزارش که روز سه شنبه ۲۵ مهر منتشر شد، ۱۶ سال پس از مداخله نظامی به رهبری آمریکا در افغانستان که منجر به برکناری طالبان شد، باز هم تخمین زده می شود که یک سوم دختران افغان از رفتن به مدرسه محروم هستند. در این گزارش گفته شده، در سالهای اخیر با وجود تلاشهای دولت افغانستان و کمک کنندگان بین المللی، آموزش دختران به طور قابل ملاحظه کاهش یافته است.

دیدبان حقوق بشر می گوید، وضعیت امنیت افغانستان، سنتهای اجتماعی، فقر و نبود معلم زن به اندازه کافی از دلایلی است که برخی از دختران در این کشور از تحصیل محرومند.

دانشگاه در ماهی که گذشت (مهر ۹۶)

کامران عالمی نژاد

بودجه دانشگاهها در حد تامین حقوق کارکنان و هزینه آب و برق است

احمد معتمدی، رییس دانشگاه صنعتی امیرکبیر، درباره بودجه سال آینده دانشگاههای دولتی گفت: "متأسفانه در سالهای اخیر به دلیل مشکلات دولت، مشکلات بودجه ای دانشگاهها نیز بیشتر شده است. به همین دلیل دانشگاهها باید رویکرد جدیدی را اتخاذ کنند که تا این حد وابسته به بودجه دولت نباشند. به نظر می رسد دولت بودجه ای بیشتر از این، آن هم در حد تامین حقوق کارکنان و هزینه آب و برق و حقوق نمی تواند به دانشگاهها پرداخت کند. دانشگاهها باید سعی کنند در عین حال که کیفیت شان را حفظ می کنند، درآمد هم داشته باشیم."

معتمدی تاکید کرد: "درآمدزایی دانشگاه به معنی مدرک فروشی نیست؛ زیرا پول درآوردن برای دانشگاههای معتبر مثل ما بسیار ساده است، اما نباید به قیمت از دست رفتن اعتبار دانشگاه باشد. برعکس قصد داریم تا سال ۱۴۰۴ جزو ۱۰۰ دانشگاه برتر دنیا و در برنامه ششم در میان ۲۰۰ دانشگاه برتر قرار بگیریم."

وی خاطرنشان کرد: "بنابراین نمی توان برای کسب درآمد کیفیت را پایین آورد، اما می توان از راه درست بدون آسیب به کیفیت، درآمدهای دیگری برای دانشگاه ایجاد کنیم تا وابسته به دولت نباشیم و بتوانیم اهدافمان را مشخص کنیم." وی درباره برنامه های جدید در این دانشگاه گفت: "یک سری موضوعات در دانشگاه وجود دارد که بسیار مهم است و باید مستمر باشد از جمله موضوعات فرهنگی، اسلامی کردن دانشگاهها و فعالیتهای سیاسی و اجتماعی که نباید برنامه های کوتاه مدت یا ۵ ساله داشته باشند."

ترویج حجاب با رشوه

دانشگاه آزاد سرعین، بنری در ورودی دانشگاه نصب کرده و اعلام کرده است، به دانشجویان دختری که چادر بر سر کنند، ۱۵ درصد تخفیف شهریه دانشجویی داده خواهد شد. مسوولان این دانشگاه در بنر یاد شده نوشته اند "چادر بپوشید؛ ۱۵٪ تخفیف شهریه بگیرید". با جابجایی مسوولان دانشگاه آزاد و انتصاب ولایتی، فشار برای تحمیلات سیاسی و فرهنگی و مذهبی بر دانشجویان افزایش یافته است.

در حالی که بسیاری از دانشجویان به افزایش قیمت شهریه ها به خصوص در دانشگاه آزاد معترض هستند، مسوولان به جای رسیدگی و ارتقا سطح آموزشی و تشویق دانشجویان برتر آموزشی، با طرحهای قرون وسطایی در پی رواج دروغ و ریاکاری در جامعه آکادمیک و آموزشی هستند.

در سالهای اخیر نیز مسوولان با انواع طرحهای ضد دانشجویی اقدام به کنترل نوع پوشش دانشجویان دختر و احضار و برخورد یا دانشجویان در دانشگاههای مختلف کرده اند و در حالی که دانشجویان با مشکلات زیاد آموزشی و رفاهی و آکادمیک و مالی به خصوص در پی پولی سازی آموزش رویه رو هستند، مسوولان حکومت برای فرار از پاسخگویی به مطالبات آنها، راه تشدید فشار و سرکوب دانشجویان با چماق مقررات و دستورات مذهبی را پیش گرفته اند.

پنج روز تجمع دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز

دانشجویان دانشگاه جندی شاپور اهواز روز ۶ مهر با تعطیل کردن کلاسهای خود و تجمع، وارد پنجمین روز اعتراضات خود نسبت به کمبود امکانات و تجهیزات پزشکی در صورت ادغام با پردیس خودگران شدند.





دانشجویان معتقدند ادغام آنها با دانشجویان (پولی)، باعث کمبود فضای آموزشی و همچنین کمبود تجهیزات و امکانات خواهد شد. پردیس خودگردان این دانشگاه در آبادان قرار دارد و دانشگاه تصمیم دارد این پردیس را به پردیس مرکزی در اهواز منتقل کند که این موضوع باعث اعتراض دانشجویان شده است. ازدحام جمعیت دانشجویی این دانشگاه به حدی خواهد رسید که در معرض انفجار قرار خواهد گرفت.

در حال حاضر دانشجویان که خود را برای سالی پر تلاش آماده کرده بودند، با توجه به این تغییر و

بحران مدیریتی ناشی از استعفای ریاست دانشگاه و همچنین با توجه به اینکه درخواستهای شان مورد توجه قرار نگرفته، تصمیم به اعتصاب و تجمع گرفته اند تا خواسته های خود را به گوش مسوولان برسانند.

دانشجویان به قولهایی که از سوی معاونت آموزشی دانشکده داده شده اعتماد ندارند و منتظر اقدام عملی هستند.

اعتراض سراسری دانشجویان مالباخته و بلاتکلیف علیه کلاهبرداری حکومتی

روز شنبه ۱۵ مهر دانشجویان بهیاری و پرستاری علیه کلاهبرداری و در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی خود در شهرهای همدان، خرم آباد، کرمانشاه، سبزوار، شهرکرد و شیراز دست به تجمع زدند. سلسله گزارشهایی در این باره را در زیر می خوانید:

*همدان

دانشجویان پرستاری و بهیاری با در دست داشتن نوشته هایی همچون: "شهریه ها را داده ایم و دوره ها را گذرانده ایم، جایگاه ما کجاست؟"، "دوسال بی تعهدی، اثبات بی مسوولیتی" اعتراض خود را علیه سازمان جهاد دانشگاهی، دانشکده علوم پزشکی و وزارت بهداشت که با اخذ شهریه های کلان از دانشجویان کلاهبرداری آشکار کرده اند، ابراز داشتند.

دانشجویان گفتند: "ما با وعده کار مسوولان برای این دوره ثبت نام کردیم و پس از گذشت این بازه زمانی به شغل مورد نظر خود که نرسیده ایم هیچ، تمام عمر و مال خود را از دست داده ایم."

آنها ادامه دادند: "اکثر دانشجویان با مشکلات مالی در دوره ها حاضر شدند و ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان حداقل مبلغی است که واریز کرده ایم و خیلی از بچه ها حدود ۵ یا ۶ میلیون تومان هم هزینه کرده اند. بسیاری دیگر که از شهرستانها آمده اند، دوبرابر این مبلغ را هزینه کردند تا بلکه بتوانند وارد عرصه کار و خدمت شوند، اما هیچ نتیجه مثبتی حاصل نشد."



*لرستان

دانشجویان بهیاری و پرستاری استان لرستان در اعتراض به بیکاری و عدم به کارگیری در مراکز درمانی، مقابل دانشگاه علوم پزشکی لرستان تجمع کردند.

یک خانم دانشجوی معترض پرده از کلاهبرداری کارگزاران حکومتی در دانشگاهها با وعده کار برداشت و گفت: "سال ۹۴ به اسم بهیار یا پرستاری یکساله به صورت اقساط سه میلیون و ۶۰۰ هزار تومان از ما گرفتند تا آموزشهای مورد نیاز را به ما ارایه دهند. سپس وعده داده شد اگر این دوره آموزشی را طی کنیم، مشغول کار می شویم." وی افزود: "گذشته از اینکه این دوره یکساله سه سال طول کشید، اکنون نیز خبری از جذب این نیروها نیست و وزیر بهداشت داریم می گوید که می خواهد کمک پرستار یکساله جذب کند ولی هیچ خبری نیست و همه بیکارند."

*سبزوار

دانشجویان بهیاری و پرستاری سبزوار در برابر دانشگاه علوم پزشکی این شهرستان دست به تجمع زدند. در واکنش به اعتراض و مطالبات دانشجویان و فارغ التحصیلان، مسوول روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار گفت: "جذب نیروهای کمک پرستاران ارتباطی با دانشگاه علوم پزشکی این شهرستان ندارد." مهدی سلمانیان توجیه کرد: "شرکت آموزش دهنده در سبزوار تحت نظارت دانشگاه علوم پزشکی نیست، بنابراین تعهدی برای جذب نیروهای کمک پرستار از سوی این دانشگاه ندارد."

*شیراز

دانشجویان بهیاری در شیراز مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی شیراز تجمع کرده و اعتراض خود به تصمیمات جدید وزارت بهداشت را ابراز داشتند.

در یکی از بنرهایی که بهیاران معترض در دست داشتند، نوشته شده بود: "ما بهیاران یکساله ایم که وزارت بهداشت ۲ سال پیش با وعده جذب ۱۰ هزار نفر، شهریه ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومانی اخذ کرده اما نه تنها جذبی وجود ندارد بلکه شرح وظایف مان هم کمک بهیاری است، ما خواستار خسارتیم."

*کرمانشاه

جمعی از بهیاریانی که دوره کمک پرستاری را در آموزشگاههای کرمانشاه طی کرده اند، مقابل دانشگاه علوم پزشکی این شهر تجمع کرده اند.

چندی پیش در سایتی وابسته به وزارت بهداشت وعده ای مبنی بر جذب ۱۰ هزار بهورز برای مدت مشخص در سطح کشور داده شد. از همین رو تعدادی از متقاضیان و علاقمندان کرمانشاهی همچون دیگر شهرها به آموزشگاهها رفته و مدرک مورد نظر را کسب کردند، ولی اکنون این مدرک برای ارگان مربوطه قابل قبول نیست. دوره های آموزشی همچنان در آموزشگاههای شهر برقرار است.

تجمع دانشجویان پرستاری و بهیاری استان مازندران

جمعی از نیروهای آموزش دیده کمک پرستاری استان مازندران در روز شنبه ۱۵ مهر، در اعتراض به بلا تکلیفی و برای جذب در مراکز درمانی تجمع کردند. به گفته برخی از معترضان، دو سال گذشته به دلیل کمبود نیرو، کمک پرستار در بیمارستانها جذب شد و دوره آموزشی با عنوان بهیاری یکساله (که بعداً این نام به کمک پرستاری تغییر کرد) توسط وزارت بهداشت برگزار شد و به افراد شرکت کننده قول جذب ده هزار نیروی بهیار داده شد؛ اما متأسفانه پس از اتمام دوره این قول اجرایی نشد و این افراد سرگردان شدند و حتی مدرک شان هم معتبر نیست.

تجمع دانشجویان پرستاری و بهیاری استان زنجان

روز شنبه ۱۵ مهر، جمعی از کمک بهیاران استان زنجان که دوره ۶ ماهه بهیاری را در جهاد دانشگاهی گذرانده، مقابل دانشگاه علوم پزشکی این استان تجمع کردند. معاون توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان در واکنش به تجمع اعتراضی روز شنبه جمعی از بهیاران گفت: دانشگاه علوم پزشکی زنجان هیچ تعهدی برای جذب بهیاران ندارد.

تجمع دانشجویان رشته تغذیه مقابل وزارت بهداشت



صبح روز یکشنبه ۱۶ مهر بیش از صد تن از دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته تغذیه مقابل وزارت بهداشت در تهران تجمع کردند.

مهم ترین علت اعتراض دانشجویان، موافقت وزارت بهداشت با شرکت فارغ التحصیلان رشته های غیر مرتبط با رشته علوم تغذیه در آزمون کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی علوم تغذیه است.

دانشجویان می گویند در سالهای گذشته به تدریج دانشجویان رشته های غیرمرتبط وارد آزمونهای تخصصی رشته تغذیه شده اند و به این ترتیب نرخ بیکاری فارغ التحصیلان این رشته افزایش یافته است.

این دانشجویان در ماه های گذشته چندین تجمع اعتراضی مختلف بر پا کرده اند، اما تاکنون مسوولان وزارت بهداشت به مطالبات آنها پاسخی نداده اند.

تجمع دانش آموختگان دانشگاه صنعت نفت مقابل وزارت نفت



دانش آموختگان دانشگاه صنعت نفت روز شنبه ۱۵ مهر در اعتراض به بدعهدی وزارت نفت در قبال استخدام خود و عدم اجرای رای دیوان عدالت، مقابل ساختمان مرکزی هشتم وزارت نفت (محل مصاحبه استخدامهای وزارت نفت) تجمع کردند.

دانشجویان هدف از این تجمع را تعویق زمان ارزیابی تا زمان نهایی شدن رای دیوان عدالت اداری اعلام کردند. دیوان عدالت اداری در روزهای گذشته حکم خود را در قبال استخدام این دانشجویان اعلام کرد، اما وزارت نفت با وجود دعوت برخی از دانشجویان به مصاحبه، نسبت به حکم مزبور اعتراض کرده است.

یکی از دانشجویان معترض گفت: "وزارت نفت حتی بعد از رای دیوان سخن از استاندارد (روال جدید) می کند، حال آنکه شکایت ما از وزارت نفت خود همین استانداردها و روال جدید بوده است."

روز یکشنبه ۱۶ مهر، فارغ التحصیلان دانشگاه صنعت نفت در دومین روز از دور جدید اعتراضات شان نسبت به بلاتکلیفی استخدامی در تهران مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.

تجمع اعتراضی به دنبال مرگ یک دانشجوی بر اثر گاز گرفتگی

صبح شنبه ۱۵ مهرماه، دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در اعتراض به مرگ همکلاسی شان در حمام خوابگاه بر اثر گاز گرفتگی، دست به تجمع مقابل ساختمان فرهنگی این دانشگاه زدند.



شب پیش از آن (۱۴ مهر)، دو تن از دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی شهرستان شهرکرد در حین استحمام دچار حادثه شدند که در این حادثه زهره قاسمی، دانشجوی ترم ۹ دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، به دلیل گاز گرفتگی در حمام خوابگاه جان باخت.

دانشجوی دیگر با کمک دانشجویان خوابگاه علوم پزشکی و کمکهای اولیه از مرگ حتمی نجات یافت.

شاهدان عینی این حادثه معتقدند نشت شدید

بوی گاز به داخل حمام علت بروز این حادثه بوده است که از چندی پیش نشتی گاز در طبقات ۲ و ۳ این خوابگاه احساس می شده و حتی این موضوع به مدیریت امور خوابگاهی منتقل شده بود. دانشجویان با در دست داشتن تعدادی پلاکارد و سردادن شعارهایی از قبیل "ما همه زهره هستیم، تفاوتی ندارد" و "مسوول بی کفایت استعفا استعفا"، در مقابل دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد تجمع کردند. دانشجویان خواستار بهبود شرایط حداقلی برای جلوگیری از تکرار اینگونه حوادث و پیشگیری از حوادث ناشی از کمبود امکانات پزشکی در دانشگاه شدند.

دانشگاههای دامپزشکی تبدیل به محلی برای کسب درآمد شده اند

رییس نظام دامپزشکی کشور در مراسم ملی دامپزشکی (۱۴ مهر) اظهار داشت: "تعداد اعضای حرفه دامپزشکی به ۳۶ هزار و ۱۶۴ نفر رسیده است، اما این بخش در حوزه آموزش وضعیت مناسبی ندارد." محمدرضا صفری افزود: "۱۱ دانشکده آزاد تبدیل به محلی برای کسب درآمد شده است و انگار ما باید حرفه خودمان را در اختیار گردانندگان دانشگاه قرار دهیم تا امور دانشگاه بچرخد." وی گفت: "در سال گذشته برای ۷۵۴ نفر در دفترچه های آزمون استخدام سراسری اعلام نیاز شد، اما ۲۵۰۰ نفر جذب شدند، در حالی که درخواست ما تنها ۴۰۰ نفر بود. این فارغ التحصیلان اکنون باید کجا مشغول شوند؟ آیا دانشگاه احساس مسوولیتی برای این فارغ التحصیلان دارد؟"

تجمع دانشجویان شبانه دانشگاه تهران مقابل کوی دانشگاه

ظهر روز دوشنبه ۱۷ مهر، جمعی از دانشجویان شبانه دانشگاه تهران در اعتراض به عدم اختصاص خوابگاه مقابل کوی دانشگاه تهران تجمع کردند. این دانشجویان اعلام کردند که در دفترچه راهنمای پذیرش موضوعی مبنی بر اختصاص خوابگاه وجود نداشت اما در زمان ثبت نام مسوولان این دانشگاه تاکید کردند که مشکل آنها را برطرف می کنند و سال گذشته به دانشجویان شبانه خوابگاه اختصاص یافت.

این دانشجویان تاکید کردند که اما مسوولان این دانشگاه اکنون اعلام می کنند: خوابگاه به دانشجویان شبانه تعلق نمی گیرد.

تجمع دانشجویان تغذیه دانشگاه بهشتی مقابل وزارت بهداشت

روز چهارشنبه ۱۹ مهر، جمعی از دانشجویان تغذیه دانشگاه بهشتی در اعتراض به اجرای آیین نامه M.D ph.d، مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند. این چندین تجمع اعتراضی کارشناسان تغذیه در همین رابطه مقابل وزارت بهداشت است.

معترضان قبل از این تجمع اقدامات بسیاری برای جلب توجه مسوولان وزارت بهداشت برای رسیدگی به این مسائل کرده اند که هنوز به نتیجه نرسیده است.

بازداشت یک دانشجوی کرد در سنندج به اتهام انتقاد از قاسم سلیمانی



یک دانشجوی کرد در سنندج به علت انتقاد از سیاستهای سپاه پاسداران در رابطه با مسایل داخلی عراق بازداشت شد. بازداشت وی با ضرب و شتم همراه بوده است.

روز دوشنبه ۲۴ مهر، مصطفی زاهدنیا در خوابگاه یکی از دانشگاههای شهر سنندج از سوی نیروهای امنیتی وابسته به سپاه پاسداران بازداشت شد.

یک منبع مطلع در این رابطه گفت: "وی در روزهای اخیر در گفتگویی با دانشجویان، سیاستهای سپاه قدس و فرمانده آن قاسم سلیمانی درباره مسایل داخلی اقلیم کردستان عراق و حمایت از نیروهای عراقی برای کنترل استان کرکوک را مورد انتقاد قرار داده و بلافاصله توسط حراست دانشگاه از بحثهای سیاسی برحذر داشته شده بود.

مصطفی زاهدنیا از اهالی کرمانشاه است که بعد از ضرب و شتم از سوی حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران سنندج، بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شده است. بازداشت وی بدون ارایه هیچگونه برگه قضایی صورت گرفته است.

او در گفتگویی دوستانه با دانشجویان با انتقاد از سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی گفته بود: "بعد از برگزاری رفراندوم استقلال اقلیم کردستان عراق، شاخه برون مرزی سپاه پاسداران با حمایت از نیروهای حشد الشعبی و سایر گروههای عراقی، به مناطق استان کرکوک حمله ور شده و سعی در کنترل شهرها را دارد."

تجمع شبانه دانشجویان خوابگاههای دانشگاه خوارزمی کرج

چهارشنبه شب ۲۶ مهر، جمعی از دانشجویان ساکن خوابگاههای دانشگاه خوارزمی کرج در اعتراض به نارسایی سیستمهای گرمایشی، پتو به دست در محوطه سرپرستی این خوابگاه دانشجویی تجمع کردند.

یکی از دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه خوارزمی پیرامون تجمع دانشجویان در سرپرستی گفت: در چند روز گذشته به دلیل افزایش برودت هوای شهر کرج، از طریق شورای صنفی دانشگاه، از مسوولان خوابگاه درخواست کردیم که نسبت به روشن کردن موتورخانه مرکزی و فعال شدن سیستمهای گرمایشی اقدام کنند که این درخواست با بی توجهی مسوولان همراه شد.

تجمع دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه یاسوج

شنبه شب ۲۹ مهر، دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه یاسوج در اعتراض به نداشتن آب گرم در خوابگاه اجتماع کردند. یکی از این دانشجویان دلیل این اعتراض را با توجه به سردسیری بودن منطقه، نبود آب گرم برای استحمام عنوان کرد و گفت: از اول مهر ماه که این مشکل را با مسوولان در میان گذاشتیم به ما قول رفع مشکل را دادند اما هر بار با مراجعات ما وعده می دادند و عمل نمی کردند تا این که تصمیم گرفتیم اعتراض خود را به صورت دسته جمعی انجام دهیم.

(منابع: ایلنا، من یک دانشجوی، جوانه ها، دانشجو آن لاین، آبان پرس، تسنیم، خبرنگاران آزاد کردستان)

چالشهای معلمان در مهرماه (۹۶)

فرنگیس بایقره

اعتراض یکپارچه بازنشستگان و معلمان در ۲۰ استان کشور



روز پنجشنبه ۱۳ مهر، برابر با ۵ اکتبر، روز جهانی معلم، هزاران معلم و بازنشسته در پاسخ به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران تجمع کردند.

این تجمع توسط معلمان استان البرز و تهران مقابل سازمان برنامه و بودجه و در سایر استانها مقابل ادارات کل و اداره آموزش و پرورش برگزار شد.

روز جهانی معلم در تقویم رسمی کشور ثبت نشده است.

معلمان در قطعنامه تجمعات خود با اشاره به معلمان زندانی تاکید کردند: "ما به امنیتی کردن فعالیت صنفی اعتراض داریم و خواهان توقف احکام فعالان صنفی و آزادی بدون قید و شرط آنان، رفع تبعید و اخراج و بازگشت به سرکار هستیم. دولت یازدهم خلاف ادعاهایش موانع جدی بر سر راه تشکل یابی مستقل معلمان ایجاد نموده است. ما برای پیگیری این مطالبات بر حق تشکل یابی مستقل پای می فشاریم."

محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عبدی، محسن عمرانی و مختار اسدی از جمله معلمان هستند که به دلیل تلاش در جهت تامین حقوق معلمان به زندان افتاده اند.

معلمان شاغل و بازنشسته در تجمعات امروز پارچه نوشته هایی در دست داشتند و از جمله شعار می دادند: "این همه بی عدالتی، هرگز ندیده ملتی"، "معیشت، سلامت حق مسلم ماست"، "معلم زندانی آزاد باید گردد".

سخنران تجمع امروز در خرم آباد رسول بدافی بود که پس از آزادی از زندان هنوز به سر کار بازنگشته است. محسن عمرانی، معلم زندانی، که در مرخصی بسر می برد نیز در تجمع بوشهر شرکت داشت.

خبرهای منتشر شده نشان می دهد تجمع امروز در استانهای تهران، یزد، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، کردستان، فارس، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، همدان، کرمانشاه، مرکزی، قزوین، مازندران، گیلان، بوشهر، اردبیل برگزار شده است:

*تهران

در تهران، این تجمع از ساعت ده صبح مقابل مجلس شورای اسلامی با شرکت صدها معلم و بازنشسته شروع شد.

*رشت

بازنشستگان گیلان با تجمع روبروی صندوق بازنشستگان گیلان نسبت به وضعیت معیشتی و بی اعتنائی مسوولان به مطالبات خود اعتراض کردند.



آنها با در دست داشتن پلاکاردهایی همچون "ما از فقر نمی نالیم، از فقر می نالیم"، "ما خواهان همترازی حقوق با سایر بازنشستگان سایر ادارات هستیم"، "ما خواهان بیمه فراگیر و جامع هستیم"، خواسته های خود را بیان کردند. معترضان خواستار اجرای کامل قانون خدمات مدیریت کشوری شدند و اعلام کردند تا رسیدن به خواسته های خویش به پیگیری ادامه خواهند داد.

"ایلام"

فرهنگیان بازنشسته ایلامی به دنبال تحقق نیافتن مطالبات شان در مقابل صندوق بازنشستگی در ایلام تجمع کردند.

*کرمانشاه

صدها تن از بازنشستگان آموزش و پرورش در اعتراض به سیاستهای صندوق ذخیره فرهنگیان، مقابل در برابر سازمان بازنشستگی در شهر کرمانشاه گردهم آمدند. تجمع کنندگان فریاد "خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون" سر می دادند و خواستار همسان سازی مستمری و مزایای کلیه مستمری بگیران دولت و افزایش سطح دریافتی معلمان بازنشسته شدند.

*بجنورد



معلمان بازنشسته و جمعی از فرهنگیان خراسان شمالی در اعتراض به سیاست پیگرد و فشار فعالان صنفی و مشکلات معیشتی مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان تجمع کردند. تعداد معلمان تجمع کننده مقابل اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی به بیش از ۱۵۰ نفر می رسید و پلاکاردهایی با عناوینی

همچون "برقراری عدالت بودجه ای"، "توجه به بازنشستگان آموزش و پرورش"، "همسان سازی حقوق با معلمان شاغل" و "برقراری عدالت آموزشی" در دست تجمع کنندگان دیده می شد.

در پایان این تجمع قطعنامه ای در چند بند خوانده شد که در آن از دولت خواسته شد به نگاه امنیتی به مقوله آموزش و پرورش را بر اساس قولهای انتخاباتی پایان دهد و با معلمان تجمع کننده برخورد امنیتی صورت نگیرد.

دیگر سرفصلهای قطعنامه را برقراری بودجه عادلانه برای ساختن مدارس نو، برچیده شدن مدارس کپری و خشتی و گلی، تامین معیشت معلمان بازنشسته، همسان سازی حقوق بازنشستگان با معلمان و کادر اداری، تسویه بدهکاریهای دولت به آموزش و پرورش، تامین بودجه عادلانه برای بیمه درمانی و تکمیلی کارآمد، تصحیح نگاه نادرست به مقوله آموزش و پرورش در بودجه نویسی و تصحیح نگاه خصوصی سازی به آموزش و پرورش تشکیل می داد.

*مشهد



معلمان و فرهنگیان بازنشسته در روز جهانی معلم برای پیگیری خواسته های شان مقابل اداره کل آموزش پرورش خراسان رضوی تجمع کردند.

معلمان با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار آزادی معلمان زندانی بدون قید و شرط شدند. از دیگر شعارهای معلمین مشهد

"معیشت منزلت سلامت، حق مسلم ماست"، "خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما ۱ میلیون" بود.

*یزد

شماری از فرهنگیان و بازنشستگان آموزش و پرورش یزد مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان تجمع کردند. تجمع کنندگان برخورداری از بیمه کامل و جامع خدمات درمانی، اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری، اجرای قانون نظام هماهنگ حقوق پیشکسوتان و همسان سازی حقوق بازنشستگان با شاغلان را خواستار شدند.

*بوشهر

همزمان با سراسر کشور، فرهنگیان شاغل و بازنشسته استان بوشهر نیز مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان تجمع و خواهان رسیدگی و بهبود وضعیت معیشتی خود و بازنشستگان فرهنگی شدند.



افزایش حقوق، یکسان سازی حقوق معلمان با دیگر دستگاههای اجرایی و توجه به معیشت بازنشستگان فرهنگی بخشی از مطالبات تجمع کنندگان بود.

کارورزان بازنشسته فرهنگی دست نوشته هایی را حمل می کردند که بر آن از جمله این خواسته ها دیده می شد: "تکریم واقعی بازنشسته زمانی است که به معیشت و درمان او توجه شود"، "ما فرهنگیان خواهان اجرای عدالت و همسان سازی حقوق و رفع تبعیض با سایر

ارگانها می باشیم"، "بی توجهی به آموزش و پرورش = افزایش آسیبهای اجتماعی"، "بی توجهی به آموزش و پرورش = تباهی آینده فرهنگیان" و "پیشرفت جامعه در گرو توجه به آموزش و پرورش است".

آنها از مسوولان کشور خواستند تشکلهای و فعالیتهای صنفی فرهنگیان را در سراسر کشور به رسمیت شناخته، به برخورداری امنیتی با فرهنگیان خاتمه داده و احکام زندانی، تبعید، اخراج و دیگر مجازاتهایی را که در حق فرهنگیان کنشگر روا داشته اند، لغو کنند.

محسن عمرانی، معلم زندانی، که در مرخصی بسر می برد نیز در تجمع بوشهر شرکت داشت. این تجمع با خواندن بیانیه سراسری روز جهانی معلم به پایان رسید.

*شیراز



معلمان استان فارس در اعتراضی نسبت به وضعیت معلمان و با در دست داشتن پلاکاردهایی در برابر اداره کل آموزش و پرورش این استان گرد هم آمدند.

مشکلات حقوقی و معیشتی، وضعیت بیمه ها و کمبود امکانات و مزایای رفاهی فرهنگیان از جمله موضوعات مورد اعتراض معلمان شاغل و بازنشسته حاضر در این تجمع

بود.

معلمان معترض خواستار آزادی معلمان زندانی شدند و علیه فساد اقتصادی دستگاه ها و مسوولان دولتی شعار دادند. فرهنگیان شیراز در این تجمع همچنین با تشیع نمادین "آموزش و پرورش رایگان"، اعتراض خود را نسبت به کالایی شدن آموزش ابراز داشتند.

*ممسنی

فرهنگیان شاغل و بازنشسته شهرستان ممسنی در اعتراض به وضعیت معیشتی شان، مقابل آموزش و پرورش این شهرستان تجمع کردند.

معترضان مهمترین خواسته های خود را اینگونه بیان کردند:

۱- عدالت در تقسیم بودجه

۲- بیمه کارآمد

۳- برداشته شدن نگاه مصرفی از آموزش و پرورش

۴- آزادی زندانیان صنفی معلمان

۵- به کارگیری یکی از فرزندان فرهنگیان بازنشسته به جای والدین فرهنگی

۶- همسان سازی حقوق شاغلین و بازنشستگان با سایر کارکنان دولت

۷- تاسیس بانک اختصاصی فرهنگیان

۸- تامین وضعیت معیشتی در شان معلم

*تبریز



معلمان بازنشسته تبریز در اعتراض به تاخیر در پرداخت معوقات، تبعیض در پرداختی بازنشستگان آموزش پرورش با دیگر ارگانها، مشکلات معیشتی و سلامت معلمان بازنشسته در مقابل اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی تجمع کردند.

در این تجمع، معلمان بازنشسته دست نوشته هایی با مضمون "معلمان زندانی را آزاد کنید"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "خط فقر چهار میلیون/حقوق ما یک میلیون"،

"خصوصی سازی آموزش و پرورش را متوقف کنید"، "آموزش رایگان و با کیفیت حق دانش آموزان" در دست داشتند.

*قزوین

جمعی از معلمان و فرهنگیان استان قزوین با تجمع مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان قزوین، اعتراض خود نسبت به وضع موجود را اعلام کردند.

برخی از شعارها و دست نوشته هایی تجمع کنندگان از این قرار بود: "خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون"، "افزایش حداقل حقوق، برابر با خط فقر"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "تشکل یابی حق قانونی معلمان کشور است"، "خصوصی سازی آموزش و پرورش را متوقف کنید"، "به وضعیت نامطلوب معلمان آزاد و قرار دادی رسیدگی کنید"، "به برخورد های امنیتی با فعالان صنفی پایان دهید".

شب گذشته (۱۲ مهر) انجمن صنفی معلمان قزوین به صورت رسمی در فراخوانی از معلمان و فرهنگیان قزوینی خواسته بود تا در این تجمع حضور یابند.

*کردستان

معلمان در شهرهای مختلف استان کردستان از جمله بانه، سقز، مریوان و... مقابل ادارات آموزش و پرورش این شهرستانها تجمع کردند.

در بانه دهها تن از معلمان از ساعت ۱۰ صبح در مقابل ادارات آموزش و پرورش این شهرستان تجمع کرده و خواستار افزایش حقوق، یکسان سازی حقوق با دیگر دستگاهها و توجه به معیشت بازنشستگان فرهنگی شدند.

در مریوان نیز حدود ۱۵۰ نفر از معلمان در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرستان تجمع کردند، این معلمان با در دست داشتن پلاکاردهایی که حاوی شعارهای صنفی بود، خواستار رسیدگی به وضعیت معیشتی خود شدند. حاضران در این تجمع دست نوشته های با مضمون "خصوصی سازی را متوقف کنید" و "حق تشکل یابی مستقل حق قانونی معلمان است" را با خود حمل می کردند.

آنها مطالبات دیگر خود را ترمیم و اصلاح دستمزدها هماهنگ با سایر کارکنان دولت، بهبود وضعیت معیشت معلمان، اصلاح ساختار بیمه معلمان، پرداخت به موقع پاداش پایان خدمت فرهنگیان عنوان کردند و خواستار رفع این مشکلات شدند.

در میان تجمع کنندگان علاوه بر معلمان شاغل و بازنشسته شهرستان مریوان، فعالان مدنی این شهرستان نیز حضور داشتند.

تجمع زنان معلم حق التدریس استان گلستان

جمعی از مربیان پیش دبستانی گلستان در عصر روز چهارشنبه ۱۹ مهر مقابل استانداری گلستان تجمع کردند. این تجمع در اعتراض به بلا تکلیفی وضعیت کاری بود. معترضان که همگی از معلمان زن بودند گفتند: استخدام آنها مصوبه دولت و مجلس بوده اما انجام نشده است.

تجمع بازنشستگان فرهنگی استان فارس

روز سه شنبه ۱۸ مهر، همزمان با تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان کشوری و فرهنگی، بازنشستگان فرهنگی استان فارس مقابل استانداری تجمع کردند. در این تجمع که بخش گسترده آنها را فرهنگیان بازنشسته تشکیل می داد، شرکت کنندگان بر لزوم توجه به حقوق بازنشستگان تاکید کردند. یکی از فرهنگیان بازنشسته در این زمینه گفت: هنوز حقوق هیچ بازنشسته ای به ۲ میلیون تومان نرسیده است و تنها تقاضای ما این است که حقوق ما نیز مانند شاغلان باشد.

تجمع معلمان حق التدریسی و مربیان پیش دبستانی استان گیلان

روز پنجشنبه ۲۰ مهر، جمعی از معلمان حق التدریسی و مربیان پیش دبستانی استان گیلان در اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی مقابل استانداری تجمع کردند. معترضان خواستار رعایت بومی گزینی و تعیین تکلیف خود شدند. گفتنی است تعداد نیروهای حق التدریسی در سالهای اخیر بنا به گفته مدیرکل آموزش و پرورش گیلان با کاهش چشم گیری روبه رو بوده است.

تجمع مربیان پیش دبستانی رشت

شماری از مربیان زن پیش دبستانی در اعتراض به عدم استخدام در آموزش و پرورش تا شامگاه شنبه ۲۲ مهرماه مقابل اداره کل آموزش و پرورش تجمع کردند.

تجمع کنندگان با اعتراض به مهدی حاجتی، مدیرکل آموزش و پرورش گیلان، پذیرش نشدن خود در سیستم آموزش و پرورش را نتیجه کم کاری او می دانستند. یکی از تجمع کنندگان گفت: "۱۲ سال مربی پیش دبستان هستیم و یک روز هم بیمه نشدیم. از طریق مجلس توانستیم کاری کنیم که ما را حق التدریسی کنند، اما ساعات حق التدریس ما را نمی دهند این در حالی است که مجلس طرح را تصویب کرده است."

مربیان که حاضر به ترک محل تجمع نبودند و بنا داشتند تا صبح مقابل اداره کل آموزش و پرورش به تجمع اعتراضی شان ادامه دهند، بالاخره با حضور و میانجیگری فرماندار رشت، میدان فرهنگ را ترک کردند.

تجمع اعتراضی آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی یزد

جمعی از آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی استان یزد روز یکشنبه ۲۳ مهر در اعتراض به بلاتکلیفی استخدامی و پرداخت نشدن چندین ماه حقوق و نداشتن بیمه، مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان تجمع کردند.

تجمع کنندگان آموزش دهندگانی هستند که بعد از سال ۹۲ مشغول به کار شدند، ولی هنوز استخدام و بیمه نشده اند. یکی از مربیان معترض گفت: "درخواست ما این است آموزش و پرورش در خصوص استخدام ما اقدام کند."

پرداخت نشدن چندین ماه حقوق و نداشتن بیمه از جمله مشکلاتی بود که تجمع کنندگان به آن اشاره کردند.

تجمع اعتراضی آموزشیاران نهضت سوادآموزی ارومیه

بامداد روز دوشنبه ۲۴ مهر، جمعی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی ارومیه در اعتراض به بلاتکلیفی استخدامی مقابل استانداری آذربایجان غربی تجمع کردند. معترضان خواهان اجرای ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی شدند.

تجمع اعتراضی آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی اردبیل

روز پنج شنبه ۲۷ مهر، زنان آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی اردبیل در اعتراض به بلاتکلیفی استخدامی مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان تجمع کرده و خواستار رسیدگی هر چه زودتر به وضعیت استخدامی خود شدند.

اعتراض این بانوان به وضعیت استخدامی خود به این دلیل بوده که در استانهای دیگر اعلام نیاز و استخدام معلمان نهضت سوادآموزی انجام شده ولی در استان اردبیل این امر تحقق نیافته است.

(منابع: ایلنا، تسنیم، تابناک، گُردپا، فارس، گیل خبر، ایرنا، دانشجو آنلاین، نسیم جنوب)

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

کارورزان سلامت (مهر ۹۶)

امید برهانی

اخبار پرستاران در مهر ماه زیر تاثیر چند عامل، مانند سابق چالش برانگیز نبود که از آن جمله شاید بتوان به انتصاب معاون پرستاری جدید وزارت بهداشت و درمان و همراهی سازمان نظام پرستاری با این گزینش، بالا گرفتن چالشهای مردم مالباخته با حکومت و تنشهای داخلی و خارجی پس از اعلام نظرات تند ترامپ و در راه بودن مجازاتهای تازه برای نیروها و نهادهای حکومتی اشاره کرد. تجمعها و اعتراضات بدنه پرستاری اما همچنان به راه است که در زیر می خوانید.

تجمع پرستاران و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی لرستان



جمع کثیری از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی لرستان شامل پزشکان، پرستاران، کارکنان اداری و ستادی، علوم آزمایشگاه و... صبح روز یکشنبه ۲ مهر، در اعتراض به سوومدیریت و عملکرد نادرست مدیریت دانشگاه در محوطه ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی تجمع کردند. یکی از دلایل اصلی اعتراض آنها اخراج ۴۰ پرستار است. همچنین کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ده ماه است که مطالبات اضافه کار و کارانه خود را دریافت نکرده اند. تجمع کنندگان خواستار تغییر رویه مدیریتی دانشگاه و نیز پاسخگویی تیم مدیریت و ورود نهادهای نظارتی و بازرسی به مسایل دانشگاه شدند و با شعارهایی مدیریتی دانشگاه را به پاسخگویی فرا خواندند. با توجه به عدم پاسخگویی ریاست دانشگاه که اتفاقا در دانشگاه حضور داشت و نیز بی اعتنائی مجموعه مدیریت دانشگاه نسبت به اعتراض و انتقاد کارکنان، ادامه این تجمع به استانداری لرستان و مراجع امنیتی کشیده شد. نمایندگان کارکنان با مسوولان استانداری ملاقات و موارد مورد اعتراض به صورت حضوری و کتبی ارائه شد.

تجمع اعتراضی پرستاران بیمارستان خمینی دهدشت

روز سه شنبه ۴ مهر، پرستاران بیمارستان خمینی دهدشت در اعتراض به عدم پرداخت یک سال مطالبات شان مقابل این بیمارستان تجمع کردند. با افزایش تعداد معترضان سرپرست شبکه بهداشت شهرستان در سالن اجتماعات بیمارستان به گفتگو با پرستاران پرداخت. در نتیجه این اعتراض و گفتگو رییس بیمارستان و سرپرست شبکه بهداشت قول مساعد جهت

تسریع در پرداخت مطالبات دادند که بنا شد که ظرف ۱ ماه آینده سه ماه از مطالبات پرستاران پرداخت گردد و چند نفر از طرف کارکنان بخشهای مختلف بیمارستان به عنوان نماینده جهت پیگیری جدی مطالبات معرفی شدند.

نماز اول وقت بیماران در دستور کار مسوولان علوم پزشکی همدان

رئیس دانشگاه علوم پزشکی همدان گفت: "باید تسهیل کننده و مشوق اقامه نماز اول وقت بیماران در بیمارستانها باشیم." دکتر سیدحبیب الله موسوی بهار دوشنبه ۱۰ مهر در همایش نماز و سفیران سلامت در همدان، اظهار کرد: "باید به امر اقامه نماز و واجبات بیماران هم توجه کنیم تا وقتی بیماران از ما سوال کردند با وجود بیماری و وضعیت جسمانی نامناسب چگونه نماز بخوانیم، بتوانیم پاسخ درستی به آنها دهیم."

وی ادامه داد: "بارها با بیمارانی برخورد کرده ایم که می گویند با شرایط موجود چگونه نماز به جا آوریم و تکلیف ساعتی که بیهوش بودیم، چه می شود. بنابراین ما هم باید علم و آگاهی به حکم صحیح داشته باشیم و به بیماران ارایه دهیم." وی با بیان اینکه می توانیم تسهیل کننده و مشوق اقامه نماز باشیم، اعلام کرد: "در سال گذشته ۱۰۰۰ نفر از کارکنان، پزشکان و پرستاران دانشگاه علوم پزشکی دوره آموزش احکام و نحوه اقامه نماز بیماران در شرایط مختلف بیماری را پشت سر گذاشته اند."

کمبود پرستار در بیمارستانهای اردبیل

رئیس هیات مدیره نظام پرستاری استان اردبیل گفت: "استاندارد تعداد پرستار ۱,۸ تا ۲ نفر برای هر تخت بیمارستانی است؛ در حالی که وضعیت فعلی برعکس این میزان بوده و هر یک نفر پرستار از دو تخت بیمارستانی مراقبت دارد." ناصر مظفری تعداد کل پرستاران استان را سه هزار و ۲۰۰ نفر عنوان و اضافه کرد: "از این تعداد دو هزار و ۴۰۰ نفر در بیمارستانهای دولتی و مابقی در بیمارستانهای خصوصی مشغول به فعالیت هستند." وی گفت: "در نظام پرستاری نیز دو هزار و ۲۰۰ پرستار عضویت دارند و هر چند عضویت اجباری نیست، اما نزدیک به ۸۰ درصد پرستاران عضو نظام پرستاری هستند."

سرانه پزشک در ایران کمتر از فلسطین



در ایران، سرانه پزشک به ازای ۱۰۰۰ نفر جمعیت ۱,۵۹ است. اما در بسیاری از کشورها این شاخص بیش از ۲ بوده و در کشورهای پیشرو در حوزه سلامت عموماً به ۳ تا ۴ پزشک به ازای هر ۱۰۰۰ نفر می رسد.

در بین بیست و چهار کشور آسیای میانه و آسیای غربی، ایران در جایگاه هجدهم و بعد از کشورهایمانند قطر، عربستان

سعودی، عمان، کویت و فلسطین قرار دارد. همچنین سرانه پزشکان متخصص به ازای ۱۰۰۰ نفر جمعیت در ایران حدود ۰,۶ برآورد شده، درحالی که در کشورهای پیشرفته این شاخص بین ۲ تا ۳ است.

علاوه بر این، همین تعداد محدود پزشک هم به طور عمده در شهرهای بزرگ (به ویژه تهران) مستقر هستند و مردم ساکن روستاها (حدود ۲۰ درصد از جمعیت کشور) و شهرهای کوچک (حدود ۵۰ درصد از جمعیت کشور) به شدت از مشکل کمبود پزشک و به خصوص پزشک متخصص رنج می برند.

این افراد برای دسترسی به خدمات پزشک راهی شهرهای بزرگ می شوند و با مشکلاتی از قبیل هزینه های زیاد رفت و آمد، صفهای طولانی بیمارستانها، نداشتن محل خواب و خیابان خوابی همراهان بیمار و... دست و پنجه نرم می کنند. به گفته عبدالرحمان رستمیان، نایب رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، بیش از ۵۰ درصد بیماران بیمارستانهای تهران، افراد شهرستانی هستند که عمده دلیل این مساله تجمع ۳۰ درصدی پزشکان فوق تخصص در این کلان شهر است.

تاخیر ۱۳ ماهه در پرداخت کارانه پرستاران و پزشکان

نماینده اصفهان در مجلس از پرداخت نشدن ۱۳ ماهه کارانه پرستاران و پزشکان و ناتوانی بیمارستانها در پرداخت معوقات خبر داد.

حیدر علی عابدی با یادآوری قول مساعد معاون اول روحانی برای پرداخت تدریجی معوقات پرستاران و پزشکان افزود: "باید از بودجه طرح تحول سلامت برای پرداخت معوقات استفاده کرد."

وی گفت: "در حقیقت پرستاران و پزشکان از بیمارستانها، بیمارستانها از بیمه ها و بیمه ها از دولت طلب دارند و به دلیل اینکه دولت به تعهدات خود عمل نکرده، بنابراین شاهد تاخیر ۱۳ ماهه در پرداخت معوقات پزشکان و پرستاران هستیم." عابدی با این حال گفت: "بودجه هایی در اختیار وزارت بهداشت و درمان است که برای ساخت بیمارستانها و تامین تجهیزات تعریف شده، از این رو وزارت بهداشت نمی تواند معوقات را با استفاده از این بودجه پرداخت کند."

بازگشت به کار پرستاران بازنشسته با دریافت حقوق ساعتی



حمید چراغی، رییس هیات مدیره نظام پرستاری تهران، گفت: "امروز شاهد تاخیرهای ۸ تا ۹ ماهه در پرداخت کارانه پرستاران هستیم که باعث شده معیشت جامعه پرستاری به مشکل بر بخورد. صاحب نظران اقتصادی، زندگی در کلانشهرها را با درآمد ماهیانه کمتر از دو میلیون و ۷۰۰ هزار تومان را زیر خط فقر تعریف کرده اند؛ این درحالیست که در حال حاضر دریافتی بسیاری از اعضای گروه پرستاری در بخش خصوصی و دولتی کمتر از این مبلغ است و گاهی به زیر دو میلیون تومان می رسد."

وی افزود: "برخی از پرستاران به انجام چند شیفت کار برای تامین هزینه های زندگی خود روی آورده اند. آنها وقتی چاره ای ندارند و می بینند نمی توانند هزینه های زندگی خود را تامین کنند، مجبور می شوند به شغل های جانبی حتی غیرمرتبط روی آورند. در حال حاضر همکاری داریم که بعد از سن بازنشستگی به صورت ساعتی دوباره شروع به کار می کنند، حتی بسیاری از آنها حقوقهای کمتر از یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دریافت می کنند."

وی تاکید کرد: "با توجه به تاخیرهایی که در پرداخت کارانه اتفاق افتاده، متوسط درآمد پرستاران در سیستم دولتی دو تا دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و در بخش خصوصی به کمتر از دو میلیون تومان رسیده است. لازم است تصمیم عاجلی برای این موضوع گرفته شود."

ادامه پلکانی طرح خصوصی سازی بهداشت و درمان با تصویب دولت

هیات وزیران در تاریخ ۲۶ مهرماه ۹۶ تصویب کرد که باید تا سقف ۱۰ درصد از خدمات وزارت بهداشت خصوصی سازی شود. این اقدام در راستای خصوصی کردن نظام سلامت و حرکت به سمت مدل آمریکایی است. مهم ترین سیاست در این زمینه، طرح خودگردانی بیمارستانها بود که در دهه ۷۰ و بر اساس پیشنهادهای مطرح شده از سوی بانک جهانی شروع شد.

در چند سال گذشته برخی از بیمارستانهای دولتی به شکلهای مختلف به بخش خصوصی واگذار شده اند. ارزیابی خدمات بهداشتی نیز از خصوصی سازی در امان نبوده و در چند سال اخیر به خصوص در شهرها، ارزیابی خدمات بهداشتی با عناوین مختلف از جمله پایگاه های بهداشتی مشارکتی و... به بخش خصوصی واگذار شده است

اعتراض کادر بیمارستان فلاورجان

از



خود



روز گذشته ۲۹ مهر، بیش صد نفر از پرستاران و کارمندان بیمارستان خمینی فلاورجان در استان اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی تجمع کردند. مطالبات مزدی کادر درمانی این بیمارستان در ماه های گذشته پرداخت نشده است.

یکی از پرستاران حاضر در تجمع در این مورد گفت: "نزدیک به یکسال است که کارانه و مطالبات مزدی ما

پرداخت نشده و مسوولان نیز پاسخگوی ما نیستند.:

این پرستار با بیان این که پرداخت نشدن معوقات، مشکلات بسیاری را برای کادر درمان به وجود آورده گفت: "سختی کار پرستاران و شیفتهای طولانی در شب، به اندازه کافی مشکل زا و طاقت فرسا هست، حالا حساب کنید با وجود همه سختیها، حق و حقوق پرستاران نیز پرداخت نشود. در این شرایط، ادامه کار و ارزیابی خدمات با کیفیت به بیماران، بسیار دشوار می شود."

مسوولان بیمارستان، از ارزیابی توضیحات در ارتباط با این تجمع صنفی خودداری کردند.

(منابع: خانه پرستار، ایسنا، نظام پرستاری، فارس، خانه ملت، ایلنا)

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

رویدادهای هنری مهر ماه ۱۳۹۶

فتح الله کیاییها

گفتند که را کشتی تا گشته شوی زار، حالا این حکایت بازیگر زن محبوب خامنه ای (الهام چرخنده) است که پس از آن همه جست و خیزها و چرخیدنها و رقصیدنهای فعلاً شده بازنده! به نقل از "خبرگزاری میزان" او از این می نالد که سالهاست خانه نشین است و دیگر کسی به او کاری نمی دهد و سپس دچار حمله عصبی شده و در بیمارستان بستری می شود و خانواده اش شاکی که چرا مسوولان را خبری از حال و روزش نیست. گویا این هنرمند وطنی فراموش کرده که وقتی خودش را (به قول شاملوی عزیز) با کش تنبان صاحبان قدرت حلق آویز می کند، سرنوشت دیگری جز سقوط در سیاهی و تیرگی برایش مقدر نیست. حاصل چرخیدنها چه شد؟ او بایست می فهمید وقتی که این رژیم یاران و برادران نزدیک و دست راست خودش را بی محابا به قربانگاه می کشاند و برای دو روز بیشتر بر مسند قدرت بسیاری از شیر زنان و شیر مردان این سرزمین را به مسلخ می کشاند و بین جوانان افیون توزیع می کند، برای او و امثال او که نقد شرف و آبروی خویش را در قمار دو سر باخت آنها از دست داده اید، پشیزی ارزش قایل نیست.

به خلاصه ای از این ماجرا توجه کنید: الهام چرخنده، بازیگر سینما و تلویزیون در گفتگو با خبرگزاری میزان گفت: "من در طی ۴ سال گذشته بیکارم و هیچ کاری نکرده ام. مدتی کوتاه کار کارگردانی انجام می دادم که جلوی آن هم گرفته شد." وی بعد از این مصاحبه، در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۹۵ به دلیل حمله عصبی راهی بیمارستان گردید؛ موضوعی که با انتقاد شدید خانواده چرخنده از بی توجهی هنرمندان به وضعیت وی مواجه شد.

وی شکایت کرد: "در حوزه بازیگری نمی دانم چرا هیچ پیشنهادی به من نمی شود. مگر من چه کرده ام که باید ۴ سال بیکار باشم و هیچ کاری به من پیشنهاد نشود؟ و جالب است که هیچکس پاسخگو نیست و نمی دانم در آینده می توانم کار کنم یا نه، چون هیچ کس به من چیزی نمی گوید و چیزی به من ابلاغ نشده است و کسی پاسخگو نیست."

نوبل در ادبیات



اگر چه هیچکس بخت و اقبالی برایش قایل نبود، ولی کمیته نوبل در برابر شگفتی همگان اعلام کرد که جایزه ادبی امسال را به "کازو ایشی گورو" می دهد؛ نویسنده ای بریتانیایی و ژاپنی تبار. بنا بر اظهارات کمیته نوبل او استحقاق دریافت این جایزه را به خاطر رمانهایی که می توانند عطوفت خواننده را برانگیزند دارد. او پرتگاههایی را در زندگی بشر آشکار می کند که در پس این توهم نهفته است که ما با جهانمان در پیوند قرار داریم.

ایشی گورو که در سال ۱۹۸۹ تحصیلاتش را در رشته زبان انگلیسی و فلسفه در دانشگاه "کنت" به پایان رسانده، با همان نخستین رمانش به عنوان نویسنده ای صاحب سبک خود را شناساند. در رمان "منظره پریده رنگ تپه ها" (به ترجمه امیر امجد- نشر نیلا) او سرگذشت زنی ژاپنی را روایت می کند که بعد از مرگ همسرش و خودکشی دخترش دوران بارداری اش در ناکازاکی را در یک عمارت بلندمرتبه در شهری که با خاک یکسان شده به یاد می آورد.

از آثار دیگر او که به فارسی ترجمه شده اند، می توان از "بازمانده روز" (به ترجمه نجف دریابندری - نشر کارنامه)، "هرگز رهایم مکن" (به ترجمه سهیل سمی - نشر ققنوس)، "هنرمندی از جهان شناور" (به ترجمه یاسمین محمدی - انتشارات افزاز)، "تسلی ناپذیر" (به ترجمه سهیل سمی - نشر ققنوس)، "وقتی یتیم بودیم" (به ترجمه مژده دقیقی - نشر هرمس) و "غول مدفون" (به ترجمه سهیل سمی - نشر ققنوس) نام برد.

سینما

جشنواره سینمایی سلیمانیه زیر سایه جنگ



دومین دوره جشنواره فیلم سلیمانیه در بحبوحه بحرانی که همه پرسى استقلال کردستان عراق به وجود آورده و باوجود منع پروازهای بین المللی از دو فرودگاه اربیل و سلیمانیه، یکشنبه ۱ اکتبر کار خود را با برگزاری مراسم فرش قرمز و با نمایش فیلم "خانه صورتی" ساخته "پالیتو اورتگا ماتوت" از پرو آغاز کرد. از ایران رضا درمیشیان به عنوان یکی از داوران بخش رقابتی "فیلمهای کوتاه" در این جشنواره حضور دارد.

دومین جشنواره فیلم سلیمانیه به سبب بحران همه پرسى

استقلال در حال و هوایی متفاوت در تالار هنر و سینما سالم در شهر سلیمانیه برگزار شد.

فیلم "خانه صورتی" که جشنواره فیلم سلیمانیه را افتتاح کرد، فیلمی درباره پیامد بحرانهای سیاسی در زندگی خانواده ها است.



ونگوگ بر پرده سینما

فیلم انیمیشن "ونسان عاشق" زندگی "وان گوگ" را تنها با استفاده از نقاشیهای او بازآفرینی کرده است. این نخستین بار است که زندگی یک هنرمند تنها با استفاده از آثار تصویری خودش برای پرده سینما بازنمایی می شود.

ونسان وان گوگ (۱۸۵۳ - ۱۸۹۰) زندگی شورانگیز و پرماجرایی

داشت که او را برای همه هنر دوستان از جمله طرفداران سینما جذاب می کند. بر پایه زندگی هنرمند هلندی چند فیلم سینمایی تهیه شده، اما فیلمی که به تازگی با همکاری هنرمندان لهستانی و بریتانیایی تولید شده، از تمام فیلمهای قبلی متمایز می شود.

بیش از ۱۰۰ نقاش برای تولید نقاشیهای این فیلم که در حدود ۱۲ نقاشی رنگ روغن در ثانیه است، کار کرده اند. بخشی از هزینه "ونسان عاشق" از طریق کمکهای مردمی در سایت "کیک استارتر" تامین شده است.

پرواز "چوکا" از قفس "مانوس" تا جشنواره سینمایی لندن

"چوکا، الان ساعت چنده؟" این اسم مستندی است درباره پناهجویان استرالیا در جزیره "مانوس" که به جشنواره فیلم لندن راه پیدا کرده است. یکی از کارگردانهای این فیلم، بهروز بوچانی، از پناهجویان زندانی در مانوس است که این مستند را با دوربین موبایل و مخفیانه فیلمبرداری کرده است. این مستند در جشنواره فیلم لندن پخش شد.

این فیلم روایتگر زندگی و یاس پناهجویانی است که با هزاران شوق و امید به رهایی، خطرات راهی بس دشوار را به جان خریده و اینک اندوه زده در پشت میله های کمپ پناهندگی مانوس استرالیا گرفتار آمده اند؛ فیلمی دردناک از توحش و بربریت دولت دست راستی استرالیا که دیدن تا به آخرش توان دیگری را طلب می کند.

اسرافیل مقهور قدرت سانسور و پیچیده در چنبره سنت

چالش دیگری در مفهوم سنت و مفاهیمی چون "اخلاق" و "آبرو" در یک شهر کوچک، بن مایه دومین فیلم بلند آیدا پناهنده است. "اسرافیل" که این روزها اولین نمایش جهانی اش را در جشنواره جهانی فیلم لندن تجربه می کند، نمایشگر



دغدغه های فیلمسازی است که سعی دارد با حس و حالی زنانه، شخصیت‌های زنی را تصویر کند که در جامعه ای مردسالار با مشکلات عاطفی و احساسی روبرو می شوند.

هر دو شخصیت زن فیلم "اسرافیل" بسیار ضعیف و مقهور جبر شرایط تصویر هستند. تا پایان هیچکدام از آنها علیه شرایط خود نمی شورند و گویی تقدیر نه چندان خوشایند شان را به راحتی می پذیرند.

فیلم به سنت تن می دهد و مقهور جامعه بسته و ترسناک اطرافش می شود. حتی مرد فیلم هم - که آشکارا دل در گرو ماهی دارد - به جای تلاش برای تغییر شرایط، به یک ازدواج مکانیکی سنتی اینترنتی برای فقط "تنها نماندن" تن می دهد و در نهایت به راحتی از عشقش می گذرد. آخرین صحنه فیلم، واپس گرایانه ترین پایان ممکن را برای این داستان رقم می زند. فیلمساز در روایت شخصیتها و فضای جامعه بسیار محتاط و محافظه کارانه عمل می کند و در نهایت - خودآگاه یا ناخودآگاه - مقهور و تسلیم همان جامعه بسته می شود و همینطور تسلیم سانسور حاکم بر سینمای ایران.

نمایشگاه

بازتاب شورش طبیعت در تابلوهای هنری

تغییرات اقلیمی و پدیده های جوی به یکی از موضوعات مهم جهان امروزی بدل شده و شمار فزاینده سوانح و فاجعه های طبیعی ابعاد نگران کننده ای به خود گرفته است. نمایشگاهی در موزه "بن" به بازتاب این موضوع در آثار هنری می پردازد.

یکی از پرسشهایی که نمایشگاه شهر بن می کوشد به آن پاسخ دهد، این است که تغییرات جوی و فاجعه های آب و هوایی بر طبیعت و هنر تا چه اندازه تأثیرگذار بوده اند. در این نمایشگاه آثاری از طبیعت کوهستان و ابرهای آبستن رعد و برق و تصویری از برخورد صاعقه به برج ایفل را می توان دید.

مونالیزای عریان در فرانسه



هنرشناسان فرانسوی می گویند تابلویی را پیدا کرده اند که به احتمال طرح اولیه "لئوناردو داوینچی" از اثر جاودانه اش "مونالیزا" است. این طرح اولیه که با زغال کشیده شده، برای ۱۵۰ سال در میان یک مجموعه دیگر از نظرها پنهان مانده بوده است.

این طرح یک زن عریان را نشان می دهد که نامش "مونا وانا" است و تابلوی

عریان او به کارگاه نقاشی لئوناردو داوینچی نسبت داده شده است. کارشناسان پس از انجام آزمایشهای جدید روی تابلو مونالیزا که در موزه "لوور" پاریس نگهداری می شود، متقاعد شده اند که دستکم بخشی از تابلو عریان کار داوینچی بوده است. این اثر از سال ۱۸۶۲ در یک مجموعه متعلق به دوران رنسانس در موزه "کندو" در قصر شانتلی در شمال پاریس نگهداری می شده است.

تابلو نقاشی مونا لیزا که با نام "لبخند ژوکوند" هم شناخته می شود، رمزآلودترین اثری هنری جهان است و تاکنون محققان زیادی وقت خود را صرف کشف هویت این زن و نسبتش با لئوناردو داوینچی کرده اند. تاریخ خلق این اثر بین سالهای ۱۵۰۳ تا ۱۵۱۷ تخمین زده می شود.

موسیقی و شگفتیهای جهان عرب

یک از رویدادهای مهم ماه گذشته به رسمیت شناخته شدن پاره ای از حقوق زنان در عربستان بود که باعث شگفتی بسیاری گردید و یکی از این شگفتیها ظهور ام کلثوم بر پرده تلویزیون عربستان بود.

شبکه "الثقافه" (فرهنگ)، متعلق به تلویزیون دولتی عربستان سعودی، از این پس صدا و تصویر ام کلثوم، خواننده زن محبوب مصری، را پخش می کند. ریاض به تازگی هم اعلام کرد که رانندگی زنان در عربستان آزاد خواهد شد. (تصویر ۶) پخش تصویر زنان بی حجاب در تلویزیون دولتی عربستان سعودی به دلیل ماهیت مذهبی حاکمیت این کشور با محدودیتهای فراوانی همراه است. همین محدودیت سبب شده بود ام کلثوم، از مشهورترین و محبوب ترین خواننده های زن در جهان عرب، از تلویزیون دولتی عربستان حذف شود.

ام کلثوم اواخر قرن نوزدهم / اوایل قرن بیستم در روستایی در شمال قاهره به دنیا آمد و در سال ۱۹۷۵ در قاهره درگذشت. صدا و ترانه های او در ایران و سطح اروپا هم شناخته شده هستند. او که از بزرگترین چهره های هنری جهان عرب شمرده می شود، موفق شد با قاطعیت جای خود را در فضای مردانه اطراف خود باز کند. به او لقب "کوکب الشرق" (ستاره خاور) داده بودند. ام کلثوم از دوستان نزدیک و از حامیان جمال عبدالناصر، نخست وزیر و رئیس جمهوری دهه ۱۹۶۰ مصر بود.

شعر ماه!

برای این شماره شعری از سهیلا میرزایی شاعر جوان و پر آوازه در نظر گرفته شده؛ سروده ای مبتکرانه، فرو کوبنده و به فکر فرو برنده. بی گمان این روایت تازه از سنگسار هم تکان دهنده است و هم امید دهنده؛ تکان دهنده از آنجا که عمق فاجعه و نگاه مردسالارانه دینی را بی پرده فریاد می کند و امید دهنده از آن رو که دامن زایش مجدد را بالا می زند و این بدان معنی است که زن اسطوره جاوید پایداری، مقاومت و در نهایت پیروزی است.

سنگ

سهیلا میرزایی

از لا به لای دستهایی که شکل هم اند
سیاه
از لا به لای سنگهایی که جنس هم اند
ریز و درشت
دهان سنگی فحاشی می کند تو را و مرا
روی سفید و گچی زیر قاب
خاکستر شده است
من از تو فراتر
زیر این سقف آبی
زیر سنگینی این بار که تو را می گیرد
ایستاده ام
نگاهت زیر تلی از سنگ
غروب شده است
و من زیر این سقف آبی
دامن ام را بالا می زنم
تا باز طلوع کنی

(برای تهیه این مجموعه از کانالهای خبری بی بی سی، صدای آمریکا، دویچه وله، رادیو فردا، رادیو زمانه، خبرگزاری میزان و سایت جنگ خبر بهره گرفته شده)

بر پولک فواره ها

م . وحیدی

پرنده رفته است و برف
بر شاخه های شب نشسته است
با تراکم آسمانی مدهوش و بی رنگ
در چشمان بی تجربه تو
امشب

گرمای لاله ها در سرما آب می شود
و قصه ها
درحریق سکوت می میرند
امشب

واژه های حقیقت
از ساقه های گندم شیر می نوشند
و نوزادان عقیم
همسران پیر خود را
در گذرگاههای تاریک
رها می کنند

کسوف ستاره ها را بنگر!
با قراولانی

که قلعه های باتلاقی را
طواف می کنند
آسمان شو!

قفل صاعقه را بگشا!

حافظه دستانت را به یاد آر!
حُبایها

بغض خود را

در رودهای پرخروش می شکنند
فصل نوبرانه شوق زمین است
و من

در شادی علفها

نامت را صدا می کنم

بوی پیراهنت که بیاید

شمعدانی اتاق من گل می دهد

و فواره کلام تو

آسمان خیال مرا

پر از سارها می کند

عابر پگاه

م. وحیدی (م. صبح)

در هجوم سایه ها
 وقتی که بر یال خاک بوسه زدی
 باد سخنگو در گذر بود
 و آواز تو را
 در کوچه های شهر جاری کرد
 عابران پاییزی
 نام تو را
 با یاد گهواره های غریبانه کودکی تو
 بر بال قصه ها نوشتند
 فاصله
 در حادثه مرد
 و حجم بیدار خمیازه های مرگ
 در درونت
 طنین فواره های سبز صدای تو را
 در بیابان سوخته تنهایی ات
 برای شبنم و رود
 معنی کردند
 تو تماشای بهار را گفتی
 و در خون خود خفتی
 ما
 در زیر تازیانه شب
 - با مرگ آخرین ستاره -
 در پگاهان
 صبح را
 به تماشا نشستیم



بلوای وقیحانه آخوندها در مورد خلیج فارس

مهدی سامع

از روزی که ترامپ در اعلام سیاست جدید آمریکا در مورد رژیم ایران، به طور عمد و به قصد تحریف و یا در اثر یک اشتباه تصادفی، نام خلیج فارس را خلیج عربی نامید، آخوندها بلوای پسر و صدایی به راه انداختند تا با تزویر ناشیانه، خود را مدافع ایران و سپاه منفور پاسداران را محافظ آب و خاک سرزمینی جازندند که بدتر از هر اشغالگر خارجی آن را ویران کرده اند.

حسن روحانی در پاسخ به ترامپ و در پوشش کلاس درس جغرافیا، این واقعیت انکارناپذیر که میان مردم ایران و حاکمیت دره عمیقی وجود دارد را شیادانه لاپوشانی کرد.

جواد ظریف که با افتخار تمام خود را پاسدار نامید و از این پس باید او را پاسدار ظریف خطاب کرد، پای کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت مصدق را پیش کشید تا حاکمیت کنونی را در طراز دولت ملی و مردمی زنده یاد دکتر محمد مصدق تعریف کند. اما پاسدار ظریف می داند که چهره های محبوب خمینی مثل آخوند ابوالقاسم کاشانی و آخوند محمد بهبهانی چه نقش مخربی علیه دولت دکتر مصدق و در همسویی و همکاری با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد داشتند. از آن مهم تر آخرین و مهم ترین سخنان صریح خمینی علیه مصدق است که او را «مُسلِم» ندانست و کودتای ۲۸ مرداد را سیلی اسلام بر مصدق دانست و کودتا را با این توجیه که اگر انجام نمی شد اسلام سیلی می خورد تأیید کرد.

خمینی در روز دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ که جبهه ملی برای تظاهرات فراخوان داده بود، طی سخنانی بدون این که نام مصدق را بر زبان آورد به شدت به وی حمله کرد. متن این سخنرانی در بسیاری از رسانه ها و در جلد ۱۴ «صحیفه امام» در صفحات ۴۵۷-۴۵۶ چاپ شده است.

خمینی در این سخنرانی کُنه دیدگاه ارتجاعی خود را به زبان آورد و گفت: «مسلمانها بنشینند تماشا کنند که یک گروهی که از اولش باطل بودند - من از آن ریشه هایش می دانم - یک گروهی که با اسلام و روحانیت اسلام سر سخت مخالف بودند. از اولش هم مخالف بودند. اولش هم وقتی که مرحوم آیت الله کاشانی دید که اینها خلاف دارند می کنند و صحبت کرد، اینها کار کردند، یک سگی را نزدیک مجلس عینک به آن زدند و اسمش را "آیت الله" گذاشتند. این در زمان آن [مصدق] بود که اینها فخر می کنند به وجود او. او هم مُسلِم نبود. من در آن روز در منزل یکی از علمای تهران بودم که این خبر را شنیدم که یک سگی را عینک زده اند و به اسم "آیت الله" توی خیابانها می گردانند. من به آن آقا عرض کردم که این دیگر مخالفت با شخص نیست؛ این [مصدق] سیلی خواهد خورد و طولی نکشید که سیلی را خورد و اگر مانده بود سیلی بر اسلام می زد.»

در حالی که سایت رسمی کاخ سفید در متن سخنان ترامپ از عبارت خلیج فارس استفاده کرده، پاسدار ظریف اگر ذره ای شرافت و شرم داشته باشد، پیرامون سخنان خمینی در مورد مصدق حداقل اعلام براءت می کند. اما از آن جا که پاسدار جواد ظریف از مدافعان سرسخت خمینی است، نه فقط نمی خواهد و نمی تواند چنین کند، بلکه استناد او به دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد برای مقابله با خطای ترامپ، فقط یک حقه بازی و کلاه برداری از تاریخ است.

کارگزاران ولایت خامنه ای که همواره پیرامون مقاومت مدنی زنان ایران، دلواپس ناموس هستند و بلوا به راه می اندازند، این بار «رگ غیرت» شان در مورد خلیج فارس به جوش آمده و این مساله هم «ناموسی» شده است. همگان می دانند که یکی از ثمرات استبداد مذهبی حاکم بر ایران این است که تعدادی نه چندان اندک از زنان به خاطر فقر و بی خانمانی مجبور به تن فروشی شده اند. صادق خرازی که در وفاداری او به حاکمیت تردیدی وجود ندارد می گوید: «مسئولان قضایی دهانها را مَهر نکنند، بگذارند این ننگ را ما بگوییم و دیگران نگویند که در شهر تهران در یکی از محله ها هزار زن روسپی هست که فرزندان شان یا فروخته می شوند یا در آشغالدانی پیدا می شوند.» از این مهم تر سالهاست که «ناموس» ایرانی در هتلهای و کاباره های دوبی، دوحه، آنتالیا، استانبول و... به حراج گذاشته شده است.

بنابراین سرچشمه اصلی به «جوش» آمدن «رگ» کارگزاران ریز و درشت حکومت، بیش از آن که ناشی از بالا رفتن فشار خون باشد، به علت اعلام سیاست جدید آمریکاست که اگر به طور جدی عملیاتی شود، شاه‌رگ دلوپسان را خشک می‌کند.

جالب این که «رگ غیرت» حاکمان ایران هنگامی که فشار اسد و رژیم او از واژه «خلیج عربی» استفاده می‌کنند و در اسناد رسمی رژیم سوریه هم «خلیج عربی» درج شده است، یخ می‌زند. آخوندهای بلواگر به روی مبارک شان نمی‌آورند که بسیاری از متحدان عزیزشان در عراق در مورد خلیج فارس یا از واژه خلیج عربی استفاده می‌کنند و یا تخفیف می‌دهند و فقط به گفتن خلیج بسنده می‌کنند.

خلاصه آن که حکام تبه‌کاری که تا توانسته‌اند علیه مردم و علیه آب، خاک و هوای ایران دست به جنایت و خرابکاری زده‌اند، نمی‌توانند خود را حافظ سرزمین و تاریخ ایران معرفی کنند.

میهن آخوندهای حاکم جیب‌گشادشان است و حکام ستمگر ایران، مردم ایران را به زنجیر و خاک کشور را به توپره کشیده‌اند. این جلادان و شیادان هرگز مدافع مردم و کشور نبوده و نخواهند بود و نقش آنان ویران کردن کشور و به فقر و فلاکت کشاندن هرچه بیشتر مردم ایران است.



کاتالونیا؛ پروسه استقلال راست را به سمت چپ راند

جریان کاتالانی CUP (نامزد اتحاد خلق - *Candidatura D'Unitat Popular*) یک مورد نادر در اروپا است. پلاتفرم انتخاباتی چپ خود را بخشی از "زاپاتیسم اروپایی" می‌خواند، عضو رسمی ندارد و در نشستهای عمومی محلی گردهم می‌آید. باوجود آنکه این جریان با کسب ۸ درصد آرا در پارلمان کاتالان حضور دارد، اما برای ریشه دواندن در محله‌های شهری و روستاها تلاش می‌کند. ۳۰۰ فعال، بیش از ۱۰۰ مرکز اجتماعی، ۴۰۰ شورای محلی و ۳۰ شهردار ستون فقرات سازمانی را تشکیل می‌دهند که نمی‌خواهد حزب باشد.

راولزلیک

برگردان بابک

گفتگو با "میرییا ویی" (*Mireia Vehí*) از ائتلاف "سی یو پی" ("نامزد اتحاد خلق" - *Candidatura D'Unitat Popular*)



رییس دولت محلی کاتالونیا، "کارلس پویگدمون" (*Carles Puigdemont*)، زیر فشار ائتلاف چپ رادیکال همه پرسى در باره استقلال کاتالونیا را برگزار کرد. "سی یو پی" در پارلمان کاتالونیا از دولت ائتلافی "با هم برای رای آری" (*Junts pel Sí*) بدون آنکه در آن شرکت کند، حمایت خاموش می‌کند.

جریان ضد سرمایه‌داری "سی یو پی" حزبی به مفهوم سنتی نیست، بلکه ائتلافی از لیستهای

انتخاباتی محلی است. این حزب تا سال ۲۰۱۲ فقط در سطح محلی فعال بود و وظیفه خود را ایجاد ساختارهای خودسامان مانند تعاونیها و مراکز اجتماعی قرار داده بود. اکنون "سی یو پی" در پارلمان کاتولونیا هم حضور یافته است. در دوره قبل مجلس، سخنگوی آن، "داوید فرناندز" (*David Fernández*)، محبوب ترین سیاستمدار کاتولونیا بود. توییت او را ۲۰۰ هزار نفر دنبال می کنند. از آنجا که سی یو پی به پرنسب دوره ای بودن مقامها به سختی پایبند است، تمامی نماینده های دوره قبل جایگزین شدند. با این حال "سی یو پی" توانست آرای خود را به دو برابر، ۸ درصد کل آرا، افزایش دهد. مریا وی یکی از نمایندگان آن در پارلمان کاتولونیا است.

چه چیزی "سی یو پی" را از دیگر احزاب چپ متمایز می کند؟

اولین تفاوت بی تردید کاراکتر "شهرآزاد" (*municipalism*) آن است. برای ما خودساماندهی محلی در محلات شهری و روستاها در مرکز فعالیت قرار دارد. ما بر ایجاد جنبشهای پایه ای و ساختارهای قدرت آلترناتیو تمرکز داریم. مشارکت در نهادهای رسمی فقط یک ابراز دیگر است و بی گمان مهمترین آن نیست.

شما مدتهای طولانی فقط در انتخابات محلی شرکت کردید و انتخابات پارلمانهای اسپانیا و اروپا را نادیده گرفتید، چرا؟

ما ابتدا بر این باوریم که نهادهای رسمی نه برای تدبیر امور مردم، بلکه برای دفاع از منافع طبقه ممتاز ساخته شده اند. سپس عقیده داریم تحول رویدادی نقطه ای نیست، بلکه یک عمل روزانه درازمدت از سوی تعداد بسیاری است. از این رو می کوشیم به سیاست رسمی آنگونه پردازیم که پیوسته از مرز نهادهای رسمی عبور کند. بهترین مثال سیاست مسکن است. در محلاتی که توسط "سی یو پی" اداره می شوند، ما دست در دست با جنبش مخالف تخلیه اجباری (*PAH*) همکاری می کنیم. اشغال خانه های خالی بخشی از سیاست مسکن ما را تشکیل می دهد، این وسیله ای برای افزایش تعداد مسکنهای قابل پرداخت است.

سی یو پی در یک ائتلاف اداره کمر بند صنعتی بارسلون را در دست دارد، برای مثال در شهرهای ۲۰۰ هزار نفری "سابادل" (*Sabadell*) و "بادالونا" (*Badalona*). در بارسلون شما در اپوزیسیون شهردار بسیار محبوب "آدا کولائو" (*Ada Colau*) و اتحاد چپ آن "با هم" (*En Comú*) قرار دارید. در نگاه اول "با هم" و شما پروژه مشابهی را دنبال می کنید.

"سی یو پی" حزب نیست، به همین دلیل نامزدهای ما در هر محل مستقل تصمیم می گیرند. تا آنجا که به مناسبات ما با "با هم" مربوط می شود، ما به طبع از پیروزی چپ در انتخابات محلی ۲۰۱۵ در بارسلون خوشحال شدیم. این یک نشانه آن است که دیگر چپهای رادیکال نیز ایده "شهرآزاد" را درست می دانند و تلاش می کنند نهادهایی را که شهروندان در نزدیکترین تماس با آنها قرار دارند، تغییر دهند.

تفاوت مهم بین "با هم" و "سی یو پی" در چشم اندازها است. "سی یو پی" از ده سال پیش در حال آزمایش پروژه "شهرآزاد" در سطح محلی است. "بارسلون با هم" اما فقط یک سال قبل از انتخابات به وجود آمد و شاخص آن بیش از همه خواست تصرف شهرداری است. ما آشکارا برداشتهای متفاوتی از وضعیت داریم. "سی یو پی" هم نهادها را ابزار می داند، اما نه ابزارهای تعیین کننده. نقطه تمرکز ما بر پروسه اجتماعی خودسامانگری است. "با هم" در عوض اما امروز از این نظریه دفاع می کند که نهادها در دست افراد نامناسب بوده است و سیاستمداران دیگر بسیار بهتر خواهند توانست مشکلات را حل کنند.

این در حالی است که "با هم" نیز در ابتدا نسبت به نهادهای رسمی به دیده انتقاد می نگرست. اما امور جاری اداری آنها را چنان جذب خود کرد که اکنون تلاش آنها در درجه اول متوجه کارکرد بهتر آنهاست. در همین رابطه نباید از یاد برد که

بارسلون یک شهر جهانی با دفاتر شرکتها و بورس بزرگ معاملات املاک است. سوال این است که آیا یک پروژه رادیکال انتقالی در این سطح با تعداد چنین اندک ساختارهای آلترناتیو در اساس ممکن است؟

اما در این میان "سی یو پی" هم در سطحهای بالا مشارکت دارد. شما از دولت بورژوازی ائتلاف سوسیال لیبرال حمایت خاموش می کنید، چرا؟

ما از سال ۲۰۱۲ در انتخابات کاتالونیا مشارکت می کنیم. دلیل آن این است که بحران اجتماعی در اسپانیا فرصت استقلال کاتالونیا و به این وسیله شکست "رژیم ۱۹۷۶" را به وجود آورده است. منظور از "رژیم ۱۹۷۶" توافق طبقه ممتازی است که تداوم قدرت سیاسی، اقتصادی، و مالی خود پس از مرگ فرانکو را تضمین کرد. طیف ممتاز گرد دیکتاتور، دست نخورده باقی ماند و قدرت آنها تحکیم داده شد. به باور ما استقلال کاتالونیا شانس متلاشی کردن این توافق را به دست می دهد.

کاتالونیا در ابتدای یک پروسه تدوین قانون اساسی قرار دارد که در آن مردم در مجامع آزاد پیرامون یک چارچوب سیاسی جدید می توانند تصمیم گیرند. استقلال ملی به این ترتیب امکان یک گسست سیاسی دموکراتیک را فراهم می آورد.

پارلمان کاتالونیا با آرای "باهم" و "سی یو پی" برگزاری رفراندوم استقلال را تصویب کرد. واکنش مادرید روشن است. چه اتفاقی خواهد افتاد؟

در دسامبر سال گذشته نشستی از رهبران سازمانهای اجتماعی، احزاب، اتحادیه ها برای برگزاری رفراندوم تشکیل شد که در آن چپ فدرالیست مانند "همراه هم" نیز شرکت کرد. آنها اگرچه همچنان خواهان توافق با مادرید هستند، اما رفراندوم را تنها راه حل دموکراتیک می دانند. مادرید رفراندوم را غیرقانونی خوانده است و این به معنای آن است که ما اکنون وارد قلمرو نافرمانی مدنی شده ایم.

ما رفراندوم را مشروع می دانیم، زیرا میلیونها زن و مرد کاتالانی از سال ۲۰۱۰ به طور پیوسته خواهان یک راه حل دموکراتیک شده اند و مادرید به طور دایم آن را بلوکه کرده است. من فکر می کنم بسیاری در اسپانیا و اروپا اراده جامعه کاتالونیا را برای تحول دموکراتیک دستکم می گیرند.

در حال حاضر بین احزاب مدافع استقلال یک اختلاف جدی هم بر سر بودجه جریان دارد. اگر در حال حاضر مساله اصلی استقلال و پروسه تدوین قانون اساسی است، چرا اینقدر نیرو روی این موضوع می گذارید؟

رییس دولت، پویگدمون، به جریان "همگرایی" (*Convergència*) تعلق دارد؛ حزب سنتی راستهای کاتالونیا. بر همین اساس هم حمایت خاموش از دولت او برای ما دربرگیرنده تضادهای بسیاری است.

همزمان، جنبش استقلال طلبی با تظاهراتهای توده ای دموکراتیک خود کاتالونیا را به سمت چپ برده است. راست سیاسی هم به سمت چپ حرکت کرده. "همگرایی" حمایت اتحادیه های کارفرمایی را از دست داد، منشعب شد و ناچار گردد دوباره خود را به عنوان یک حزب دموکراتیک از نو بنیان بگذارد. ما می خواهیم این پروسه در چارچوب درگیری دموکراتیک با مادرید ادامه یابد و ما از این رو این مسوولیت را داریم که از دولت پویگدمون حمایت کنیم.

از سوی دیگر ما یک سازمان ضد سرمایه داری هم هستیم که در پی تحقق هر چه بیشتر تغییرات انتقالی می باشیم. جامعه برای مثال خواهان خدمات اجتماعی بهتر و دولتی کردن دوباره امکانات زیربنایی و پایه ای است. ما در مذاکرات بودجه ای تلاش می کنیم تا جایی که می توانیم این خواسته ها را بگنجانیم، برای مثال در مساله مالیاتها. بحران اجتماعی همچنان وخیم است و ما به درآمد بیشتر و مالیات بیشتر بر ثروتمندان نیاز داریم. از این رو می کوشیم راست را به دادن امتیازهای هر چه بیشتر وادار کنیم، بدون آنکه توافق گرد استقلال را به خطر بیاندازیم.

شما می گویند مساله روی میز هژمونی - دولت، تغییر دولت است. آیا بر همین اساس می توان گفت که دولت بورژوازی کاتالونیا امروز موضعی مترقی تر از چپهایی مانند "پودموس" (*Podemos*)، "چپ متحد" (*Izquierda Unida*) یا "باهم" دارد؟

دستکم روشن این است که امروز در اسپانیا مترقی کسی است که قواعد بازی توافق ۱۹۷۸ را برهم بزند. و اینجا در واقع نیز باید گفت جریان بورژوازی "باهم رای به آری" موضع روشن تری از پودموس، چپ متحد و "باهم" دارد. چپ فدرالیستی همچنان نیروی خود را برای تغییر در سطح اسپانیا متمرکز کرده، چون گمان می کند استقلال کاتالونیا، جنبشهای مترقی در بقیه نقاط اسپانیا را تضعیف می کند. ما می گوئیم موضوع برعکس است؛ اگر در اینجا یک جدایی دموکراتیک ممکن شود، آنگاه در نقاط دیگر نیز بسیاری امور به حرکت در خواهد آمد. من همچنین منتقد تلاش "باهم" برای تشکیل دولت خودمختار پس از انتخابات جدید هستم. به نظر می رسد که برای آنها یک نتیجه خوب انتخاباتی مهمتر از بنیانگذاری یک جمهوری و تدوین قانون اساسی باشد.

سال آینده در این موقع کجا خواهید بود، در جمهوری کاتالان، در زندان یا پارلمان چون "سی یو پی" بعد از انتخابات دوباره به کار پایه برمی گردد.

فکر می کنم برای پروسه استقلال برگشتی وجود ندارد. جامعه به سمت چپ رفته و مساله ملی را دیگر نمی توان زیر فرش جارو کرد. اسپانیا تمام ابزارهای سرکوب را به کار خواهد گرفت. همین الان برای بسیاری از سیاستمداران کاتالان پرونده تشکیل داده شد. من فکر نمی کنم مردم سرخورده به خانه بروند.

*در سال ۱۹۷۸ قانون اساسی جدید که اسپانیا را به یک رژیم سلطنتی پارلمانی بدل می ساخت، به تصویب رسید.



برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مهر ۱۳۹۶

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

جنبش اعتراضی در عرصه های گوناگون

در ماه گذشته جنبش اعتراضی نیروهای کار در عرصه های گوناگون تداوم پیدا کرد.

در روز دوشنبه ۳ مهر، با فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد تجمع بزرگی در مقابل وزارت کار برگزار شد. در این تجمع کارگران شرکت واحد و تعدادی از دانشجویان، بازنشستگان، فعالان کارگری و معلمان حضور داشتند. محور شعارها در حمایت از آزادی راننده زحمتکش و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، رضا شهابی بود. به دنبال این تجمع و درخواستهای زیاد،



چهارشنبه شب ۵ مهر، رضا شهابی اعتصاب غذای ۵۰ روزه خود را به طور مشروط متوقف کرد.

به گزارش کانال تلگرام کانون صنفی معلمان، روز پنجشنبه ۱۳ مهر دهها هزار معلم و بازنشسته در پاسخ به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران تجمع نمودند. خواسته اصلی این تجمع «بودجه عادلانه برای آموزش و پرورش» بود.

در ماه گذشته همچنین شاهد اعتراض و تظاهرات سراسری بازنشستگان بودیم.

دفاع و حفاظت از محیط زیست به تدریج به دغدغه بخشهای بیشتری از جامعه تبدیل شده و هر ماه شاهد حرکت‌های گوناگون در دفاع از محیط زیست هستیم. در ماه گذشته شاهد اعتراض ساکنان خیابان پاسداران در تهران به تخریب پارک این منطقه، اعتراض کارگران بندر کنگان در استان بوشهر نسبت به آلودگی اسکله، اعتراض ساکنان نزدیک به محل احداث تصفیه خانه فاضلاب شهر سی سخت، اعتراض اهالی تعدادی از روستاهای بخش سراب باغ در محل سایت دفن زباله های آبدانان (در استان ایلام)، اعتراض زنان بندر دیر در استان بوشهر به بی آبی و ... بودیم.

همچنین در ماه گذشته گروهی از فعالان محیط زیست در اعتراض به کشته شدن خرس گلستان توسط ماموران محیط زیست استان دست به تجمع زدند و همزمان جمعی از فعالان محیط زیستی و حامیان حیات وحش که در اعتراض به بی توجهی نسبت به حیات وحش کشور، مقابل این سازمان در پارک پردیسان تهران تجمع کردند.

مشروح اخبار مربوط به دفاع از محیط زیست را در ادامه خواهید خواند.

در ماه گذشته تجمع، تخصص و تظاهرات مردم غارت شده همچنان ادامه داشت. در تمام روزهای مهر ماه سپرده گذاران موسسه «کاسپین» در مقابل قوه قضاییه رژیم شبانه روز تحصن داشتند. غارت شدگان موسسه های مالی آرمان، البرز فرشتگان، ثامن، پدیده نیز در روزهای متعدد دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

سپرده گذاران موسسه مالی اعتباری آرمان نیز چندین تجمع مقابل استانداری خوزستان برگزار کردند. در یکی از این تجمعهای تعدادی از سپرده گذاران موسسه آرمان از استانهای دیگر از جمله لرستان و تهران به تجمع کنندگان خوزستانی که بیشترین سهام این موسسه را دارند، ملحق شدند.

روز چهارشنبه ۲۶ مهر، غارت شدگان «آرمان وحدت» در اهواز مقابل استانداری استان خوزستان تظاهرات کرده و علیه رژیم و پایوران آن شعار دادند. معترضان غارت شده در مقابل یورش مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی مقاومت کرده و فریاد می زدند، ما بچه های جنگیم جنگ تا بکنیم، هیهات من الذله، پول ما را کی برده دستهای پشت پرده، دولت به این بی غیرتی هرگز ندیده ملتی! یکی از شعارها در تجمعهای غارت شدگان، سوریه را رهاکن، فکری به حال ما کن، بود. اخبار مربوط به کارگران و مزدبگیران را در زیر می خوانید.

۱۲۴ حرکت اعتراضی بدون محاسبه حرکت‌های اعتراضی غارت شدگان

*روز شنبه ۱ مهر، تعدادی از کارگران معدن شماره ۳ سیرجان مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران گفت: قرارداد پیمانکار تمام شده و می‌ترسیم با اتمام کار پیمانکار، بیکار شویم. کارگران همچنین گفتند: نگران بیکاری بومیهای سیرجانی هستیم و معتقدیم نباید غیربومیها در معادن سیرجان به کار گرفته شوند.

*بامداد روز یکشنبه ۲ مهر، جمعی از کارگران معدن کرومیک اسفندوقه، برای بازگشت به کار ۳ همکار معترض اخراجی شان و اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه حقوق و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مقابل ساختمان استانداری و اداره کل کار استان کرمان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که به واسطه شرکت پیمانکاری مکانیزاسیون «جلگه» به کار استخراج کرومیک در منطقه معدنی اسفندوقه کرمان اشتغال دارند، علاوه بر تعویق حدود دو ماه دستمزد حدود ۴۰ کارگر این واحد معدنی، به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل معترض هستند.

*بامداد روز یکشنبه ۲ مهر، بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت جهاد نصر و دیگر شرکت‌های اقماری سنگ آهن گل گهر سیرجان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش فارس، این کارگران در پلاکاردهای نوشته بودند؛ «ما بیکاریم»، «دستهای پشت پرده معادن را قطع کنید» و ... به دنبال خصوصی سازی در شرکت‌های مختلف اقتصادی استان برخی شرکتها از بکارگیری نیروی کاری شرکت قبل، خودداری می کنند.

*روز یکشنبه ۲ مهر، حدود ۲۰۰ نفر از کارگران فصلی نی بر مجتمع کشت و صنعت هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت میلیاردها تومان حق بیمه و دیگر مطالبات شان با سفر به اهواز مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران حاضر در این اجتماع اعتراضی گفت: اعتراض کارگران فصلی نی بر برای واریز بیش از ۱۰ میلیارد تومان از حق بیمه پرداخت نشده؛ برپا شده است.

*روز یکشنبه ۲ مهر، جمعی از کارگران اخراجی شرکت واگن سازی مترو در اعتراض به اخراج شان، دست به تجمع مقابل شورای شهر تهران زدند. به گزارش موج، کارگران واگن سازی مترو درحالی از کارشان اخراج شده اند که بیش از ۲۰ سال سابقه کاری دارند.

*روز یکشنبه ۲ مهر، حدود ۵۰۰ نفر از کارگزاران صندوق بیمه کشاورزی از سراسر کشور به تهران آمده و مقابل مدیریت بانک کشاورزی و مجلس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگزاران صندوق بیمه کشاورزی نسبت به بلاتکلیفی شغلی خود اعتراض کرده و خواستار امنیت شغلی خود شدند.

*روز یکشنبه ۲ مهر، جمعی از کارگران اخراجی پالایشگاه ستاره خلیج فارس برای بار دوم به تهران سفر و مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش تسنیم، یکی از تجمع کنندگان گفت: با توجه به گذشت ۳ سال انتظار جهت دعوت به کار اما بدون هیچ مدرک قانونی بعد از گذشت یک سال کار در این پالایشگاه ما را اخراج کردند.

*روز شنبه اول مهر، کارگران کارخانه هپکو در ادامه حرکت‌های اعتراضی خود شان نسبت به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت ماهها دستمزد برای باری دیگر دست به تجمع مقابل استانداری استان مرکزی زدند. براساس گزارش ایلنا، سهامدار شرکت هپکو قصد دارد از ۱۱۰۰ کارگر این واحد تولیدی ۶۰۰ نفرشان را اخراج کند. علیرغم تغییر کارفرما و وعده و وعیدهای مسئولان طراز اول استان مرکزی ماهها حقوق و حق بیمه کارگران هپکو کماکان پرداخت نشده است. روز دوشنبه ۳ مهر، اعتصاب کارگران هپکو و آذراب در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت مطالبات شان ادامه پیدا کرد.

*بامداد روز دوشنبه ۳ مهر، صدها کارگر پیمانکار راه انداز نفت ستاره خلیج فارس شرکت اویکو و رانندگان سرویس ایاب و ذهاب در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و نداشتن امنیت شغلی دست از کار کشیده و تجمع کردند. به گزارش فرهنگ کده، یکی از کارگران پیمانکار راه انداز نفت ستاره خلیج فارس شرکت اویکو گفت: در سال جاری چندین ماه این شرکت با تاخیر حقوق کارگران را پرداخت می کند در سالهای گذشته این چنین مشکلات وجود نداشت.

*بامداد روز دوشنبه ۳ مهر، جمعی از کارگران سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری یزد در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق دست از کار کشیده و مقابل ساختمان شورای شهر و شهرداری یزد تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کارگران یاد شده خواهان پرداخت مطالبات معوقه شان شدند.

*روز دوشنبه ۳ مهر، جمعی از کارگران جایگاههای سوخت اهواز در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی پس از خصوصی سازی، مقابل ساختمان شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران این شهر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کارگران معترض از این که با واگذاری جایگاههای سوخت دولتی به بخش خصوصی، در آستانه اخراج قرار گرفته اند، خواستار تثبیت شغلی خود شدند.

*روز دوشنبه ۳ مهر، کارگران شرکت آب و فاضلاب روستایی شهرستان کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و بیمه نبودن مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از این کارگران گفت: مدت زمان طولانی است که حقوق و مزایای ما پرداخت نشده و یکی از مشکلات اصلی بیمه نشدن توسط شرکت است.

*روز دوشنبه ۳ مهر، برخی از مینی بوس داران ناوگان حمل و نقل درون شهری کازرون در اعتراض به ورود آموزش و پرورش به آژانس داری در سازمان اتوبوس رانی این شهر تجمع کردند به گزارش کازرون نما، وزارت آموزش و پرورش به بهانه اهمیت تامین امنیت دانش آموزان چند سالی می شود که بحث سرویس مدارس را تحت اختیار خود گرفته و قبل از شروع هر سال تحصیلی، افرادی را به عنوان رانندگان سرویس معرفی می کند. تداخل وظیفه دو نهاد آموزش و پرورش و مدیریت حمل و نقل شهرداری در موارد متعدد آسیبهایی را به همراه داشته است.

*روز سه شنبه ۴ مهر، کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی بهبهان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل این نیروگاه تجمع کردند. به گزارش ایرنا، فرماندار بهبهان با تایید این خبر گفت: پیمانکار شرکت مپنا بویلر با نیروگاه سیکل ترکیبی قراردادی را منعقد کرد که این پیمانکار نیز برای کار لوله کشی با پیمانکار دیگری قراردادی به مبلغ ۲۰ میلیارد ریال منعقد کرد که متاسفانه این پیمانکار حقوق و مزایای کارگران زیر مجموعه خود را پرداخت نکرده است.

*روز سه شنبه ۴ مهر، کارگران اخراجی پالایشگاه ستاره خلیج فارس پس از دو روز تجمع اعتراضی در تهران به دنبال وعده وزارت کار مبنی بر پیگیری بازگشت به کارشان به اعتراضات شان در تهران پایان دادند و راهی بندرعباس شدند. به گزارش ایلنا، یکی از این کارگران درباره وضعیت خود و همکارانش گفت: باتوجه به اعتراضی که از جانب کارفرما نسبت به رای هیات تشخیص صورت گرفته است، برای مشخص شدن وضعیت شغلی خود منتظر صدور نهایی حکم اداره کار بندرعباس هستیم.

*ظهر روز سه شنبه ۴ مهر، جمعی از ناشنوایان مقابل ساختمان شورای شهر تهران در خیابان بهشت تجمع کردند. به گزارش ایسنا، بر روی پلاکاردی که همراه این ناشنوایان بود نوشته شده بود «کامل با زبان اشاره». یکی از این ناشنوایان با حضور در جمع خبرنگاران از عدم به کارگیری ناشنوایان در مجموعه های دولتی و شهرداری گلایه کرد و گفت: ما ناشنوایان می توانیم در امور اجتماعی همانند افراد شنوا باشیم اما متاسفانه می بینیم که از توانایی ما استفاده نمی شود و در برخی مواقع حتی به ما بی توجهی می شود.

*به گزارش صدا و سیما، روز چهارشنبه ۵ مهر، رانندگان کامیونهای حامل چغندر قند برای شرکت کشت و صنعت جوبین در اعتراض به عدم پرداخت کرایه از طرف این شرکت دست به تجمع زدند.

*بامداد روز چهارشنبه ۵ مهر، جمعی از خریداران مجتمع آدینه رشت، در اعتراض به عدم تحویل واحدهای خریداری شده در محل فلکه توشیبا و مقابل مجتمع تجمع کردند. به گزارش گیلانستان، یکی از تجمع کنندگان گفت: من پروژه خود را باید در سال ۹۴ تحویل می گرفتم و با اینکه تمام سرمایه زندگی خودم را برای خرید مجتمع خرج کردم اما هنوز نتوانستم واحد خود را تحویل گیرم.

*ظهر روز پنجشنبه ۶ مهر، جمعی از اهالی شهرک باهنر زرنند مسیر تردد خودروهای عبوری از کمربندی شرق زرنند را مسدود کردند تا اعتراض خود نسبت به وضعیت نامناسب این جاده را نشان دهند. به گزارش صدای زرنند، چند روز قبل در

اثر تصادف دو موتورسیکلت در مسیر ورودی شهرک باهنر زرنند یک جوان ۱۷ ساله جان خود را از دست داد و سه جوان دیگر دچار مصدومیت شدید شدند که این موضوع موجب ناراحتی جمعی از اهالی این شهرک شد.

*بامداد روز دوشنبه ۱۰ مهر، جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق شهریور ماه و مشکلات بیمه ای، دست به تجمع مقابل استانداری اصفهان زدند. به گزارش ایلنا، این بازنشستگان خواستار وصول مطالبات محقق نشده و پرداخت به موقع مستمری بازنشستگی خود بودند.

*ظهر روز دوشنبه ۱۰ مهر، کارگران بیکار شده و طلبکار آساک دو چرخ، همزمان با بازدید مسئولان طراز ول شهرستان قوچان از این واحد تولیدی و پس از جلسه محرمانه مسئولان با مدیران کارخانه، دست به تجمع پشت درب بسته کارخانه زدند. به گزارش فارس، مجتمع دوچرخه سازی آساک قوچان در ۲۲ مهر ۱۳۷۷ با ظرفیت تولیدی ۳۰۰ هزار دستگاه دوچرخه در سال به بهره برداری رسید که به عنوان بزرگ ترین کارخانه خاورمیانه در زمینه تولید دوچرخه به شمار می آمد. این کارخانه از نیمه دوم سال ۱۳۸۳ روند رو به نزول را به دلیل واگذاری به بخش خصوصی طی کرد و در گذر زمان وضعیت آن را بدتر شد و آن را به سمت نیمه تعطیلی کشاند.

تاکنون جلسات متعددی برای راه اندازی و رسیدگی به مشکلات این کارخانه و کارگران آن برگزار شده است.

*روز دوشنبه ۱۰ مهر، جمعی از ساکنان روستای چوگان از توابع شهرستان خمین در استان مرکزی با تجمع مقابل سازمان آب منطقه ای استان مرکزی خواستار رسیدگی به مشکل ۱۵ ساله روستا شدند. به گزارش اراک امروز، مردم این روستا در پیگیرهای چندین ساله خود در شهرستان نتوانسته اند راه به جایی برند و ناچار با تجمع مقابل آب منطقه ای استان مرکزی خواستار رسیدگی به مشکل ۱۵ ساله کم آبی روستا در بخش کشاورزی شدند.

*بامداد روز سه شنبه ۱۱ مهر، کارگران جایگاههای سوخت اهواز در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و کاهش حقوق پس از خصوصی سازی برای دومین بار مقابل ساختمان شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از این کارگران که خواست نام وی برده نشود بیان کرد: چهار شرکت پخش که پیش از این زیر پوشش شرکت پخش فرآورده های نفتی بودند به بخش خصوصی واگذار شده و افرادی که این جایگاهها را خریداری کرده اند اعلام کردند که تعدادی از افراد شاغل در این جایگاهها اخراج می شوند و حقوقی پرداختی ماهیانه ۹ میلیون ریال است. وی گفت: پیش از این کارگران این جایگاههای سوخت، ماهیانه ۱۹ میلیون ریال حقوق دریافت می کردند و این کارگران بسیار نگران وضعیت شغلی و درآمدی خود هستند.

*روز سه شنبه ۱۱ مهر، کارگران کارخانه فولاد ارومیه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست به تجمع مقابل اداره کار این شهرستان زدند. به گزارش ایرنا، به دنبال تجمع اعتراضی امروز کارگران کارخانه فولاد ارومیه و برگزاری جلسه ای در همین رابطه در استانداری آذربایجان غربی، وعده پرداخت بخشی از مطالبات این کارگران از طرف جعفر صادق اسکندری، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان غربی داده شد.

*روز سه شنبه ۱۱ مهر، جمعی از کارگران کارخانه نازنخ برای چندین و چندمین بار در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، یکی از کارگران این شرکت گفت: حقوق و سنوات کارگران این شرکت از سال ۱۳۸۸ پرداخت نشده است. وی افزود: شرکتهای فرنخ و مه نخ هم با هزار و ۲۰۰ کارگر شرایطی مشابهی دارند.

*روز سه شنبه ۱۱ مهر، تراکتور داران چرداول در استان ایلام در اعتراض به کمبود عرضه گازوئیل مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش دیار زاگرس، یکی از رانندگان تراکتور گفت: متأسفانه فقط یک جایگاه در روستای زنجیره علیا موجود است که جوابگوی نیاز شهرستان نیست.

*بامداد روز سه شنبه ۱۱ مهر، کارگران اخراجی شرکت انفورماتیک ایران (شرکت وابسته به بانک صادرات ایران) برای بازگشت به کار مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش فارس، به کارگران اخراجی به ناگهان از طرف بانک صادرات اعلام می‌شود که ادامه همکاری و تمدید قرارداد ممکن نبوده و همه نیروهای مستقر در شعب سطح کشور (۷۰۰ نیرو) از روز یکم مهر سال جاری حق آمدن به سر کار را نداشته و دیگر کارمند شرکت نیستند.

*روز چهارشنبه ۱۲ مهر، جمعی از کارگران مترو تهران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق مقابل ساختمان شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) تجمع کردند. به گزارش خبرنگاران جوان، تجمع کنندگان از کارگران یکی از شرکت‌های بخش خصوصی وابسته به مترو بودند و زیر نظر یک پیمانکار فعالیت می‌کردند.

*روز چهارشنبه ۱۲ مهر، جمعی از کامیون داران نی ریز در اعتراض به اخذ عوارضی اتحادیه سنگبریها از بابت ورود به شهرک سنگ مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش هورگان، دو روز قبل از این تجمع، اتحادیه سنگبریها اقدام به بستن ورودی شهرک سنگ و اخذ عوارض از کامیونها نموده بود که با اعتراض رانندگان مواجه شد.

*بامداد روز چهارشنبه ۱۲ مهر، گروهی از فعالان محیط زیست در اعتراض به کشته شدن خرس گلستان توسط ماموران محیط زیست استان دست به تجمع زدند. در پی این تجمع ماموران حراست سازمان حفاظت محیط زیست به معترضان یورش بردند. به گزارش مهر، نیروهای محیط زیست گلستان که پیشتر مدعی شدند که برای دور کردن خرس از روستا، آن را بیهوش کردند و حیوان پس از بیهوشی و انتقال به مرکز نگهداری به دلایل نامعلومی جان داده است. سپس بیماری هاری را بهانه کردند که از بخت بد آنها نتیجه آزمایش هاری هم منفی از آب در آمد و حالا فیلمی که در شبکه های اجتماعی و رسانه ها منتشر شده نشان می‌دهد که نیروهای محیط زیست با چوب و چماق به جان توله خرسی افتادند که اصلاً فرصت بیهوشی نیافته است.

همزمان جمعی از فعالان محیط زیست و حامیان حیات وحش در اعتراض به بی توجهی نسبت به حیات وحش کشور، مقابل این سازمان در پارک پردیسان تهران تجمع کردند و ماموران و عوامل حراست به تجمع کنندگان حمله ور شدند و آنان را از محوطه پارک پردیسان اخراج کردند.

*کارگران کارخانه سیمان بهبهان از روز دوشنبه ۱۰ مهر، در اعتراض به عدم افزایش حقوق دست به اعتصاب زدند. به گزارش روز پنجشنبه ۱۳ مهر عصر بهبهان، این کارگران دلیل اعتصاب و اعتراض خود را افزایش نیافتن حقوق ماهیانه خود اعلام و افزودند این اعتصاب و اعتراض تا زمان افزایش حقوق به مبلغ مورد نظر کارگران ادامه خواهد داشت.

*پیش از ظهر روز پنجشنبه ۱۳ مهر، جمع زیادی از تاکسیرانان سمنان در اعتراض به واگذاری خط مسافری به شرکت خصوصی مقابل استانداری سمنان تجمع کردند. به گزارش فارس، علت این تجمع واگذاری خط مسافری سمنان - مهدی شهر به شرکت خصوصی است که در این صورت رانندگان این خط باید کمیسیون به شرکت جدید پرداخت کنند و این رقم از کرایه آنها کسر می‌شود.

*بامداد روز شنبه ۱۵ مهر، جمعی از کارگران پروژه مرمت مجموعه ارگ قدیم بم در اعتراض به خلف وعده مدیر کل امور پایگاههای میراث جهانی کشور مبنی بر پرداخت ۳ ماه حقوق و حق بیمه، مقابل ساختمان پایگاه میراث فرهنگی ارگ قدیم بم تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران با یادآوری وعده ای که از زبان مدیر کل امور پایگاههای میراث جهانی کشور برای پرداخت معوقات مزدی و بیمه ای آنها اعلام شده بود، گفتند: هنوز این وعده، محقق نشده است.

*روز شنبه ۱۵ مهر، شماری از کارگران بیکار شده و بازنشسته کارخانه رنگین نخ در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل استانداری سمنان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند: هنوز بابت معوقات مزدی دوران اشتغال و نیز سنوات پایان خدمت طلبکاریم. به گفته یکی از کارگران بازنشسته معترض، کارخانه رنگین نخ سمنان در حال حاضر تعطیل شده است اما تا پیش از این در بخشهای مختلف آن حدود ۵۵ کارگر رسمی و ۲۰ کارگر قراردادی مشغول کار بودند.

*بامداد روز یکشنبه ۱۶ مهر، کارگران کارخانه روغن نباتی نرگس شیراز در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق دست از کار کشیده و مقابل این واحد تولیدی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، حقوق ۲۷۰ کارگر رسمی، قراردادی و پیمانکاری کارخانه روغن نباتی نرگس شیراز ۳ تا ۶ ماه پرداخت نشده است.

*بامداد روز دوشنبه ۱۷ مهر، کارگران معادن زغال سنگ البرز مرکزی در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه حقوق شان دست از کار کشیده و در حوزه شهر زیرآب شهرستان سواد کوه، دوراهی آزادمهر، جاده تهران - شمال تجمع کردند. به گزارش مازند شورا، این تجمع امروز به دلیل تاخیر پیمانکار در پرداخت حقوق کارگران است. حدود ۱۰ معدن فعال شرکت زغال سنگ البرز مرکزی براساس اصل خصوصی سازی به شرکت صنعتی معدنی سامان، یکی از شرکتهای خصوصی واگذار شده است. شهر زیرآب یکی از چهار شهر شهرستان سواد کوه در استان مازندران ایران است که جاده ارتباطی تهران - شمال و راه آهن تهران - شمال از میان آن می گذرد.

روز دوشنبه ۱۷ مهر، شماری از کارگران کارخانه رینگ سازی مشهد (قطعه سازی) در محل ساختمان مدیریت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، از حدود ۲ سال پیش که مدیریت این واحد قطعه سازی تغییر کرده است، برنامه های کارفرما بیش از پیش بر افزایش بهره‌وری تولید متمرکز شده است و همین تاکید بیش از اندازه باعث نارضایتی کارگران شده است.

کارخانه رینگ سازی مشهد ۳۵ سال پیش در استان خراسان رضوی راه اندازی شد و در حال حاضر حدود هزار کارگر در این واحد صنعتی مشغول کارند که سابقه کاری برخی از آنها به ۲۰ سال می رسد.

*بامداد روز سه شنبه ۱۸ مهر، بازنشستگان کشوری و فرهنگی در راه احقاق حقوق برحقشان مبنی بر همسان سازی مستمریها، اجرای دقیق قانون خدمات مدیریت کشوری و بهبود کیفی سطح خدمات بیمه در تهران و برخی از شهرستانها تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در تهران این تجمع مقابل ساختمان



نهاد ریاست جمهوری در خیابان پاستور صورت گرفت. در برخی از استانها نیز بازنشستگان تجمعات مشابه برگزار کردند. برای نمونه بازنشستگان کشوری در استان فارس مقابل استانداری جمع شدند.

در همین روز بازنشستگان صنعت فولاد در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات و عدم همسان سازی حقوق دست به تجمع سراسری زدند. همزمان با این تجمع بازنشستگان صنعت فولاد دیگر استانها نیز مقابل ساختمان استانداریهای محل سکونت خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

همزمان با تجمعات اعتراضی سراسری بازنشستگان صنعت فولاد، کشوری و لشکری، بازنشستگان شرکت مخابرات استان مازندران در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان در محوطه ساختمان اداری این مجموعه تجمع کردند.

*روز سه شنبه ۱۸ مهر، جمعی از کارگران تحت پوشش پیمانکاری سازمان فضای سبز شهرداری شهرستان آمل در اعتراض به عدم پرداخت حقوق مقابل ساختمان شورای این شهر تجمع کردند. به گزارش سفیر هراز، با حضور پیمانکار و دو نفر از نمایندگان کارگران در جلسه رسمی شورای شهر آمل، مشکلات و درخواستهای حقوقی و معیشتی کارگران مطرح شد که با وعده پیگیری مسائل کارگران و پرداخت حقوق تا ظهر، این تجمع خاتمه یافت.

*بامداد روز سه شنبه ۱۸ مهر، جمعی از دست فروشان خیابان نوبهار در برابر ساختمان شورای شهر کرمانشاه به دلیل فشارهای وارده از سوی اجرائیات شهرداری که مانع کسب و کار این افراد شده بود، تجمع کردند. به گزارش پیام، دستفروشان با ارائه کتبی درخواست شان، خواهان لغو محدودیت و فشار بر کسب و کار و تنها منبع درآمدشان شدند.

*روز سه شنبه ۱۸ مهر، اهالی صیدون از توابع شهرستان باغملک در استان خوزستان در اعتراض به نبود امکانات رفاهی - شهری از جمله بانک، بیمارستان و جاده ارتباطی مناسب، مقابل بخشرداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، به گفته یکی از اهالی صیدون، این تجمع در اعتراض به نبود خدمات رفاهی در منطقه است به طوری که مردم این بخش برای انجام امور بانکی خود باید به نزدیک ترین شهر مجاور بروند زیرا این صیدون تنها یک عابربانک دارد که بیشتر اوقات نیز خراب است. بخش صیدون با ۲۰ هزار نفر جمعیت در ۳۵ کیلومتری جنوب شهرستان باغملک استان خوزستان قرار دارد.

*روز چهارشنبه ۱۹ مهر، جمعی از کارگران معدن ذغال سنگ آق دربند سرخس با تجمع مقابل استانداری خراسان رضوی خواستار پیگیری مسئولان برای پرداخت حقوق معوق و حق بیمه خود شدند. به گزارش ایرنا، یکی از این کارگران گفت: شش ماه است که هیچ حق بیمه ای نیز برای ما واریز نشده اما معدن فعالیت خود را ادامه داده است.

*روز چهارشنبه ۱۹ مهر، جمعی از جوانان دهستان افرینه پلدختر برای احداث سالن ورزشی مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از تجمع کنندگان گفت: دهستان افرینه با جمعیتی حدود سه هزار نفر از داشتن ابتدایی ترین امکانات ورزشی برای سرگرمی جوانان محروم است.

*عصر روز چهارشنبه ۱۹ مهر، جمعی از کارگران شرکت پایانه غلات خلیج فارس پارسیان در اعتراض به عدم پرداخت ۶ سال حق سنوات شان مقابل سازمان بنادر و دریانوردی خوزستان در بندر امام تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران معترض با ابراز گلایه مندی از عدم پاسخگویی مسوولان سازمان بنادر و دریانوردی به مطالبات آنها گفت: بعد از مراجعه مکرر به مسئولان سازمان بنادر و دریانوردی برای پیگیری مشکل و احقاق حقوقمان، متأسفانه پاسخگو نبودند و هیچ گونه حمایتی از ما نشده است. وی افزود: مدت قرارداد شرکت پایانه غلات خلیج فارس با سازمان بنادر و دریانوردی به اتمام رسیده است و ما راهی جز پیگیری دریافت ۶ سال سنوات معوقه خود از طریق سازمان نداریم.

*روز پنجشنبه ۲۰ مهر، کارگران فاز ۱۴ پارس جنوبی در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق دست از کار کشیده و در بهای ورودی این فاز را مسدود کردند. به گزارش پیام سندیکا، عدم پرداخت حقوق و مزایای قانونی در پنج ماه گذشته از مطالبات کارگران و کارکنان است.

*روز شنبه ۲۲ مهر، جمعی از کارگران فولاد قاین در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات شان تجمع کردند و مانع حضور کارفرمایان به کارخانه شدند. به گزارش نسیم قائن، یک منبع آگاه در فولاد قاین گفت: حقوق عقب افتاده کارگران تا پایان هفته پرداخت می شود.

*روز شنبه ۲۲ مهر، شماری از کارگران کارخانه «بلبرینگ سازی تبریز» در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود مقابل ساختمان استانداری آذربایجان شرقی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، علت برپایی این اعتراض ۷ ماه معوقات مزدی است. به نقل از کارگرانی که در این اجتماعی صنفی شرکت داشتند، گفته شد، کارخانه بلبرینگ سازی تبریز از زمان خصوصی سازی با مشکل کمبود نقدینگی مواجه شده است.

*بامداد روز شنبه ۲۲ مهر، جمعی از کارگران اخراجی و شاغل دستمال نوظهور، تولید کننده محصولات بهداشتی نرمه، در اعتراض به بلا تکلیفی معیشتی و شغلی در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، اعتراض آنها به عدم واریز ۵ ماه حق بیمه سالهای ۹۴ و ۹۵ و پرداخت نشدن ۱۴ تا ۱۵ ماه مزد سالهای ۹۵ و ۹۶ بازمی گردد.

*صبح و عصر روز شنبه ۲۲ مهر، همچون روزها و ماههای گذشته ساکنان نزدیک به محل احداث تصفیه خانه فاضلاب شهر سی سخت در استان کهگیلویه و بویراحمد با تجمع در محل احداث این تصفیه خانه، بار دیگر مخالفت خود را جهت ساخت تاسیسات آن ابراز کردند و خواهان توضیح دادن مسئولان متولی پروژه در مورد مسائل زیست محیطی این تصفیه خانه به مردم شدند. به گزارش کبنا خبر، این اعتراضها که سبب ورود نیروهای انتظامی شهرستان جهت آرام کردن جو حاکم بر محل تجمع شده بود، سبب گردید تا علاوه بر بازداشت چند تن از معترضان باری دیگر ماشین آلاتی که در محل احداث پروژه در حال فعالیت بودند از کار ایستاده و محل را ترک کنند.

*بامداد روز یکشنبه ۲۳ مهر، کارگران خدمات شهرداری بوکان در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق شان دست به اعتصاب زدند. به گزارش زریان، اعتصاب کارگران خدمات شهری شهرداری بوکان موجب تلمبار شدن زباله ها بر روی هم در معابر این شهر شد.

*روز یکشنبه ۲۳ مهر، گندم کاران شهرستان بيله سوار (در استان اردبیل) با تجمع مقابل سیلوی روح کندی جعفرآباد اعتراض خود را نسبت به پرداخت نشدن قیمت گندم ابراز کردند. به گزارش صبح مغان، بخشدار جعفرآباد که در بین معترضان حاضر شده بود به صورت تلفنی از مسئولان استانی پیگیر پرداخت بهاء گندم کاران شد و قول مساعد داد که در آینده نزدیک بدهی کشاورزان پرداخت شود.

*روز یکشنبه ۲۳ مهر، اهالی تعدادی از روستاهای بخش سراباغ در محل سایت دفن زباله های آبدانان (در استان ایلام) تجمع و از تخلیه زباله ها جلوگیری کردند. به گزارش آبدانان خبر، سایت دفن زباله های شهر آبدانان از سال ۹۳ در زمینی به مساحت ۱۰ هزار مترمربع در ۳۵ کیلومتری جنوب شرق شهر آبدانان و در حوالی روستای گل گل پایین نزدیک منطقه ای گردشگری دریاچه دوقلوی سیاه گاو و در نزدیکی روستاهای گل گل پایین و بالا و ژبور قرار دارد که روزانه ۴۰ تن

انواع زباله از شهرهای آبدانان و سراباغ در آن تجمیع و دفن می شود و دود و بوی بد آن باعث بروز مشکلاتی برای مردم منطقه شده است.

*روز دوشنبه ۲۴ مهر، کارگران گروه صنعتی نیکو ابهر در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق دست به اعتصاب زدند و در این مجتمع صنعتی تجمع کردند. به گزارش موج رسا، یکی از کارگران گروه صنعتی نیکو در ابهر در خصوص مشکلات پیش آمده و اعتصاب و تجمع کارگران گفت: کارگران به دلیل عدم پرداخت مطالبات شان مانع فعالیت سالن رینگ نخ این کارخانه شدند.

*بامداد روز دوشنبه ۲۴ مهر، کارگران فضای سبز پارک پردیسان در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی پس از واگذاری امور این پارک از طرف سازمان محیط زیست به شهرداری مقابل ساختمان سازمان محیط زیست تجمع کردند. بر اساس گزارش مشرق، سازمان محیط زیست در نظر دارد از آبان ماه سال جاری مدیریت این پارک را به شهرداری واگذار کند اما فکری به حال ۷۰ کارگر قراردادی این پارک نکرده است.

*روز دوشنبه ۲۴ مهر، کارگران توان گستر پالایشگاه نفت (قدیم) با تجمع مقابل فرمانداری بندرعباس، همزمان با جلسه شورای اداری استان، اعتراض شان را نسبت به بلا تکلیفی استخدامی به نمایش گذاشتند. به گزارش ندای هرمزگان، کارگران در تشریح وضعیت خود و رویکرد مدیران نسبت به بومی گزینی و بکارگیری آنها در مشاغل مختلف استان افزودند: قرار بود شرکت مذکور تعدادی کارگر را برای پیشبرد اهداف اقتصادی خود و ایجاد اشتغال در استان استخدام کند و اولویت بکارگیری را با متخصصان و بومیان خود استان قرار دهد و اگر نیروی توانمندی در دسترس نداشت از سایر نقاط اقدام به جذب نیرو کند، ولی شرکت بدعهدی کرد و کارگران بومی علیرغم نام نویسی و اعلام آمادگی در زمینه های مختلف تاسیساتی و مهندسی و ... همچنان بلا تکلیف هستند.

*روز دوشنبه ۲۴ مهر، جمعی از زنان بندر دیر در استان بوشهر به دنبال تجمع مقابل فرمانداری دیر به بی آبی اعتراض کرده و وارد دفتر کار فرماندار شدند. به گزارش ایرنا، یکی از زنان دیری که ساکن شهرک فرهنگیان است گفت: قطع و وصل بی برنامه آب کلافه مان کرده و نمی دانیم چه زمان باید ظروف و لباسها را بشوییم یا آب برای استحمام باشد یا نباشد. یکی دیگر از زنان معترض اظهار داشت: در روستای جیرانی از توابع بخش مرکزی دیر، قطع مکرر آب در حین شستشو امان مردم را بریده و ساکنان را سرگردان کرده است.

*روز سه شنبه ۲۵ مهر، جمعی از کارگران اخراجی پارس جنوبی و جوانان جویای کار روستای عمانی از توابع شهرستان پارسیان در استان هرمزگان در اعتراض به بیکاری و عدم اشتغال شان در منطقه ویژه صنایع انرژی بر پارسیان تجمع کردند. به گزارش پارسیان خبر، جوانان شهرستان پارسیان چند سالی است که با مشکلات بیکاری دست و پنجه نرم می کنند و تاکنون نیز نتوانسته اند نظر مسئولان را نسبت به بیکاری خود جلب کنند.

*بامداد روز سه شنبه ۲۵ مهر، رانندگان اسنپ در اعتراض به سطح پایین دریافتی شان مقابل دفتر این شرکت تجمع کردند. به گزارش خبرنگاران جوان، دلیل این تجمع نرخ پایین کرایه و پاسخگو نبودن مسئولان اسنپ نسبت به مشکلات رانندگان است.

*بامداد روز چهارشنبه ۲۶ مهر، جمعی از کارگران فازهای ۲۲ و ۲۴ پارس جنوبی مستقر در منطقه تمبک شهرستان کنگان در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق دست از کار کشیده و مقابل این فازها تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این

کارگران که در فازهای ۱۴ و ۲۲-۲۳-۲۴ مشغول به کار هستند؛ می‌گویند مطالبات مزدی ما معمولاً با چندین ماه تاخیر پرداخت می‌شود.

*بامداد روز چهارشنبه ۲۶ مهر، کارگران سازمان اتوبوسرانی آبادان در اعتراض به سطح پایین حقوق و ماهها عدم پرداخت آن، دست از کار کشیده و مقابل درب ورودی این شرکت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض می‌گویند: دستمزدی که پیمانکار اتوبوسرانی پرداخت می‌کند به صورت حداقلی است و پاسخگوی معاش خانواده‌هایشان نیست.

*بامداد روز چهارشنبه ۲۶ مهر، کارگران سازمان عمران شهرداری آبادان در اعتراض به عدم پرداخت یک ماه حقوق و پنج ماه حق بیمه، دست از کار کشیده و محل کارشان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران رسمی سازمان عمران شهرداری آبادان که شمار آنها به حدود ۹۰ نفر می‌رسد گفتند: سازمان عمران شهرداری آبادان پنج ماه حق بیمه و حقوق شهریور ماه‌شان را پرداخت نکرده است.

*روز چهارشنبه ۲۶ مهر، جمعی از تاکسیرانان ۱۳۳ قم در اعتراض به سوء مدیریت این شرکت خصوصی در مقابل سازمان تاکسیرانی قم تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، نمایندگان معترضان، سوء مدیریت مدیر عامل این شرکت را علت تجمع خود بیان کردند و گفتند: نداشتن اپراتور و به تبع آن معطل ماندن رانندگان تاکسی به مدت ۲ تا ۳ ساعت ما بین انجام هر سرویس، کار را به جایی رسانده است که در آمد ما روزانه به ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان رسیده است.

*روز چهارشنبه ۲۶ مهر، برای دومین روز متوالی، کارگران کارخانه کیان تایر در اعتراض به عدم تامین مواد اولیه و کاهش سطح تولید و پرداخت نشدن ۲ ماه حق اضافه کاری و مطالبات دیگر، در محل کارشان اجتماع کردند. به گزارش ایلنا، به دنبال اعتراضات کارگران، کارخانه کیان تایر بنا به تصمیم مدیریت تا روز شنبه ۲۸ مهر تعطیل شد.

*چهارشنبه شب ۲۶ مهر، نیروی انتظامی به تجمع اعتراضی شبانه اهالی پاسداران مقابل بوستان تخریب شده ی پنجم حمله و ۳ نفر را بازداشت کرد. به گزارش انصاف نیوز، تجمعی که تا ساعت ۱۲ شب و یک بامداد آرام و همراه با تنشی مختصر بود، در ساعت دو به برخوردی سخت کشید و سه نفر از تجمع کنندگان بازداشت شدند. به گفته یکی از حاضران، این درگیری پس از آن که تجمع کنندگان از عوامل ساخت و ساز در بوستان پنجم درخواست مجوز کردند و به آنان وعده نشان دادن مجوز داده شده بود، اتفاق افتاد.

*روز شنبه ۲۹ مهر، کارگران مجتمع سنگ آهن جلال‌آباد (شرکت تاریخ زرنند) برای جلوگیری از اخراج و اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق با تجمع در جاده، سه راهی ورودی به مجتمع سنگ آهن جلال‌آباد و کارخانه‌های آن منطقه را بستند. به گزارش تسنیم، کارگران معترض علیرغم حضور و صحبت‌های فرماندار زرنند اعلام کردند تا دریافت خبر از نشست تهران در جاده می‌مانند و سه راهی را باز نمی‌کنند.

*صبح روز چهارشنبه ۱۹ مهر، کارگران پروژه مرمت ارگ قدیم بم از زیر مجموعه‌های سازمان میراث فرهنگی در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و حق بیمه و وعده‌های توخالی برای دومین روز متوالی اعتصاب کردند. به گزارش کارگران معترض گفتند: پیش از این حقوق کارگران حدود سه تا ۴ ماه به تعویق می‌افتاد و مدیر پایگاه میراث فرهنگی ارگ بعد از اعتراض چند روزه کارگران آن را پرداخت می‌کرد اما در حال حاضر چندین روز در ماه جاری دست به تجمع اعتراضی زده ایم و هنوز خبری از پرداخت دستمزد تیر، مرداد و شهریور ما کارگران نیست.

روز دو شنبه ۲۴ مهر، کارگران ارگ قدیم بم به اعتصاب و تجمعات اعتراضی یک هفته ای خود به دنبال وعده مدیر پایگاه مبنی بر پرداخت فوری مطالبات شان، خاتمه دادند.

روز شنبه ۲۹ مهر، کارگران ارگ قدیم بم به دنبال خلف وعده مدیر پایگاه مبنی بر پرداخت مطالبات شان به اعتصاب و تجمع اعتراضی شان ادامه دادند.

*روز شنبه ۲۹ مهر، اعتراضات کارگران طرح انتقال آب به مزارع دشت سیستان برای عدم پرداخت ۶ ماه حقوق با تجمع مقابل کارگاه شماره ۲ زابل ادامه پیدا کرد. به گزارش ایلنا، این کارگران طی روزهای گذشته در همین رابطه مقابل دفتر شرکت مجری پروژه اجتماع کرده بودند.

*کارگران اخراجی کارخانه دستمال نوظهور در ادامه اعتراضات شان نسبت به بلا تکلیفی معیشتی، روز شنبه ۲۹ مهر، مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که شمار آنها نزدیک به ۵۰ نفر است در ماههای گذشته تعدیل و با حکم اداره کار به بیمه بیکاری معرفی شدند اما به دلیل پرداخت نشدن حق بیمه های خود هنوز مقرری بیکاری آنها برقرار نشده است.

*بامداد روز شنبه ۲۹ مهر، اهالی بندر دیر که اکثر آنها از روستای آلی شمالی هستند در اعتراض به وقوع تصادفهای خطرناک در مسیر جاده ساحلی دیر - بوشهر به ویژه حد فاصل دیر تا پتروشیمی متانول کاوه تجمع کردند که منجر به مسدود شدن محور برای چند ساعت شد. به گزارش مهر، جاده ساحلی دیر - بوشهر به منظور ایجاد ارتباط بین مرکز شهرستان دیر با مرکز استان و هموار شدن تردد روستاهای مستقر در این مسیر ایجاد شد که امروزه به دلیل استقرار پروژه پارس شمالی و شرکتهای متعدد از جمله پتروشیمی متانول کاوه روزانه حجم زیادی از خودروهای سبک و سنگین در آن تردد می کنند و نزد مردم منطقه به جاده مرگ مشهور شده است.

*روز یکشنبه ۳۰ مهر، حدود ۵۰۰ کارگر کارخانه هپکو همزمان با برگزاری جلسه ستاد تسهیل و رفع موانع تولید استان جهت بررسی مشکلات شرکتهای هپکو و آذراب در استانداری مرکزی، در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت ۳ ماه حقوق دست به تجمع مقابل این استانداری زدند. به گزارش اراک امروز، استاندار استان مرکزی با وعده پرداخت یک ماه حقوق و رسیدگی به مشکلات کارخانه از کارگران هپکو خواست به اعتراض شان خاتمه داده و از روز بعد کارشان را شروع کنند.

*روز شنبه ۲۹ مهر، کارگران شرکت فراورش، پتروشیمی بندر امام در ماهشهر، دست از کار کشیدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران تعمیر و نگهداری پیمانکاری شرکت شاخص در پتروشیمی فراورش، به علت عدم پرداخت برخی از مطالبات شان از جمله حق سختی کار و بدی آب و هوا که از طرف کارفرما به پیمانکار واریز اما پیمانکار از پرداخت آن به کارگران خودداری کرده، دست از کار کشیدند.

روز یکشنبه ۳۰ مهر، این کارگران در دومین روز همچنان به اعتصاب ادامه دادند.

*بامداد روز یکشنبه ۳۰ مهر، صدها کارگر شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران در اعتراض به اخراج احتمالی و عدم پرداخت حقوق، دست از کار کشیده و مقابل کارخانه چوب و کاغذ مازندران واقع در کیلومتر ۱۲ جاده ساری - سمنان تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، در این تجمع کارگران بازنشسته این شرکت هم در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان حضور داشتند.

*روز چهارشنبه ۲۶ مهر، برای سومین روز متوالی، کارگران کارخانه کمباین سازی تبریز (شرکت توسعه و صنعت آذربایجان) در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه، دست از کار کشیده و در محوطه این واحد صنعتی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض در بیست ماه گذشته با مشکل پرداخت معوقات مزدی مواجه بوده و در پرداخت حق بیمه این کارگران نیز وقفه هایی ایجاد شده است به طوری که در حال حاضر تمدید دفترچه بیمه اعضای خانواده های آنها با مشکل روبرو شده است.

روز یکشنبه ۳۰ مهر، اعتصاب و تجمعات روزانه کارگران کارخانه کمباین سازی تبریز (شرکت توسعه و صنعت آذربایجان) ادامه پیدا کرد.

*بامداد روز یکشنبه ۳۰ مهر، صدها کارگر شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در فازهای ۱۵ و ۱۶ در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه حقوق دست از کار کشیدند و تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کارگران گفتند: شرکت پیمانکاری با تضییع حقوق شان مشکلات جدی برای تامین معیشت خانواده های شان فراهم کرده است.

*روز شنبه ۲۹ مهر، جمعی از رانندگان تاکسی بی سیم در اعتراض به مشکل قطعی بی سیم این مجموعه در مقابل ساختمان شورای شهر بابل دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش بابل نوین، این تجمع از عصر روز گذشته آغاز و دامنه این اعتراضات تا چهار راه گنجینه بابل کشیده شد. رانندگان در اقدامی بی سابقه ابتدا در مرکز ساختمانی خدمات تاکسی بی سیم و تاکسیرانی تجمع کردند و سپس اعتراضات خود را در مقابل ساختمان شورای شهر بابل ادامه دادند.

*ظهر روز شنبه ۲۹ مهر، جمعی از جوانان جویای کار آبادان در اعتراض به بیکاری و برای اشتغال در منطقه آزاد اروند مقابل فرمانداری ویژه آبادان تجمع کردند. به گزارش فارس، حاضران در این تجمع با در دست گرفتن کاغذ نوشته هایی با محتوای «جوان آبادانی بیکار است»، «بیکاری تا به کی؟» و ... خواستار نظارت قاطع مسئولان بر روند استخدامیها در محدوده منطقه آزاد اروند شدند.

روز یکشنبه ۳۰ مهر، برای دومین روز متوالی، جوانان جویای کار آبادان در اعتراض به بیکاری و برای اشتغال مقابل فرمانداری ویژه آبادان تجمع کردند.

*ظهر روز یکشنبه ۳۰ مهر، جمعی از رانندگان تاکسیهای بهشهر مقابل ساختمان شورای اسلامی شهر بهشهر تجمع کرده و خواهان افزایش نرخ کرایه ها شدند. به گزارش فارس، تجمع کنندگان خواستند تا مصوبه افزایش نرخ تاکسی که ماه جاری از سوی استانداری ابلاغ شده در این شهر اجرایی شود.

*روز یکشنبه ۳۰ مهر، اعتصاب کارگران کارخانه لاستیک پارس واقع در شهرک صنعتی کاوه ساوه در اعتراض به اخراج گسترده و حقوقهای نجومی مدیران شرکت، پنجمین روز را پشت سر گذاشت. به گزارش نفت ما، دو تن از کارگران کارخانه لاستیک پارس پس از چند روز اخراج از کار، سکتته کرده و جان باختند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

شهدای فدایی در آبان ماه



فدایی شهید
رفیق مریم دژآگاه

رفقای فدایی: سیروس سپهری - شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - محمدرضا چمنی -
 علی دبیری فرد - محمد رحیم خدادادی - بهنام موحد - عثمان کریمی - هادی اشکانی -
 داود مدائن - محمد سلیمانی (اصغر) - محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم
 دژآگاه - مجید راشدی - مهران محمدی - مجید شریفی - ابراهیم شریفی - داریوش
 مولوی - منیژه طالبی - جهان بخش طغیانی - عزت الله بهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه
 - مرتضی فخر طباطبایی - عبدالله فیض الله بیگی - عبدالرضا نصیری مقدم - سوزان
 نیکزاد - هوشنگ والی زاده - عزیز پور احمدی - علی بهروزی - عمر صالحی - حسین
 مدیر شانه چی - منصور اسکندری تربقانی - علی اصغر غلامی - محمد حسین خادمی -
 نصرت رئیسی - علی برنشان - محمد قادری - مینا سهیلی زاده - ناصر شادنژاد - احمد
 پیل افکن - مظفر قادری - عبد الله کردستانی - حسین رکنی - مهین جهانگیری - علی
 رضا شفیعی - علی اصغر ذاکری - فرج الله نیک نژاد - هوشنگ احمدی - هادی اشکانی - پرویز کرمی - محمد
 جلیوند - جهانشاه نجفی - ژیلارجایی - محمد بهرامی - علی ململی - چگنی - رضا مستعان - مسعود شریفیان -
 حسن جمالی - علی مولائی و... از سال ۵۰ تا کنون در آبان ماه در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی،
 رهایی و سوسیالیسم توسط رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.



انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم را با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه:

امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد ظاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیانیها

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : :::::

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 / 91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara /ITALIA

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram

@nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook

<https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما از چاپ مقالات و مطالب فعالان سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.